

ماهنامه فردا



دائرة آموزش عالی و
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و کتب و لوازم آموزشی

رشد

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان
کارشناسان آموزش و پرورش و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان
دوره پانزدهم - مهر ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۱۱۱ - ۴۸ صفحه - ۱۳۰۰۰ ریال

دفتر تعاملی
باورشان کنیم می نویسند!
دانش آموزان مؤلف!
رزومه پروتئین

نوشتن آغاز تفکر

۲۲
برای درس خود شعار تبلیغاتی بنویسیم

۳۶
معلم
مدیر
مشاور

نوشتن
تأملی

۳۳
نوشتن درمانی

دانش آموز

مدرسه و
نوشتن

اولیا

۴۴
کلاس های ویسندگی

۴۱
بهار را توصیف کنید

کلاس
انشا و
نگارش

۳۸
تاریخچه ارزشیابی انشا

دستر
تعاملی

۸
رزومه پرتوئین

۱۸
باورشان کنیم،
می نویسند

۲۸
دیاگرام
عنکبوتی

۱۶
نوشتن برای
تقویت یادگیری

۲۶
دانش آموزان
مؤلف

مجله فرا

دوره پانزدهم / شماره پی در پی ۱۱۱ / مهر ۱۳۹۷
ماهینامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان
کارشناسان آموزش و پرورش و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

ICT

بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت | نوشتن، آغاز تفکر / محمد عطاران ۲



نوشتن، فصل مشترک همه ساحت‌های یادگیری
(گفت‌وگو با محمود امانی طهرانی) / حسین حسینی‌نژاد ۴

رزومه پروتئین / مترجم: محمد امین اسپروز ۸

دفتر تعاملی / نرگس لیاقی مطلق، نازیلا نیازی ۱۱

نوشتن برای تقویت یادگیری / مرضیه مدنی رزاقی ۱۶

برای درس خود شعار تبلیغاتی بنویسیم / رودابه کمالی ۲۲

دانش‌آموزان مؤلف! / شببا ملک، زینب گلزاری ۲۶

دی‌گرام عنکبوتی! / حمیدرضا غلامرضایی ۲۸

بشنوید ای دوستان این داستان / خود حقیقت نقد حال ماست آن / فهیمه عموچادی ۳۳

نوشتن تأملی / صغری ملکی ۳۶

تاریخچه ارزشیابی انشا در ایران / مریم دانشگر، مرضیه مدنی رزاقی ۳۸

باورشان کنیم می‌نویسند! / سیداصلاح مرتضایی ۱۸

بهار را توصیف کنید / سیدسروش طباطبایی‌پور ۴۱

کلاس‌های نویسندگی / زاهده آگاهی ۴۴

کلاس آموزش نوشتن برای اولیا / حسین حسینی‌نژاد ۴۵

طنز | نوشتن، همین و تمام! / رویا صدر ۲۴



داستان یک آغاز / حسین حسینی‌نژاد ۴۶

گام به گام تا داستان‌نویسی حرفه‌ای ۴۸



تجربه



نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماست. تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها در مجله، علاقه‌مندان به این حوزه در تجارب شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله‌هایی که می‌فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده نباشد.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نشر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.



نوشتن، آغاز تفکر

در ایران آماری از این مسئله در اختیار نداریم و نمی‌دانیم از میان معلمانی هم که مشغول به کارند، چند درصد خود را در کارشان ناکام و شکست‌خورده می‌یابند. به نظر می‌رسد بخشی از این معلمان به‌رغم سختی کار و ناتوانی در انجام وظایف خود، همچنان به دلایل مختلف به کارشان ادامه می‌دهند که این علاوه بر پیامدهای نامطلوب روانی برای خودشان، نتیجه خوبی هم برای شاگردان مدرسه ندارد.

به نظر می‌رسد که دروس تربیتی، که در مراکز تربیت‌معلم ارائه می‌شوند، نمی‌توانند ابزارهای مدیریت کلاس را در اختیار دانشجو معلمان قرار دهند و تنها اصول کلی و رهنمودهای عام را شامل می‌شوند. اخیراً بعضی از متخصصان تعلیم و تربیت گفته‌اند که نه تنها این دروس بلکه هیچ درسی نمی‌تواند چنین شاه‌کلیدی را در اختیار معلمان جوان و تازه‌کار قرار دهد تا آن‌ها در کار خود موفق باشند؛ چون شرایط هر معلمی ویژه است و نمی‌توان قواعدی ارائه کرد که به کار هر موقعیتی بیاید. پس چاره کار چیست؟ چه چیزی معلمان را در فائق آمدن بر مشکلات تدریس، توانمند و با کفایت می‌کند و مانع احساس ناکامی و بی‌کفایتی در آن‌ها می‌شود؟

دونالد شون^۱، متفکر غربی، معتقد است که ما در هر کاری (چون کار معلمی) مانند کسی هستیم که در زمینی مسطح قرار دارد و نمی‌تواند دورترها را ببیند. هر کسی دوست دارد در نقطه‌ای مرتفع باشد تا از آنجا به افق دور نظر بیفکند و پست و بلند پیش‌روی خود را ببیند و پیش از روبه‌رو شدن با مشکل، به حل آن اقدام کند. ما در زندگی روزمره عملاً در موقعیتی نیستیم که به نقشه راه دسترسی داشته باشیم و

در سال ۱۳۵۸، که ۲۱ ساله و دانشجوی علوم تربیتی بودم، برای تدریس به مدرسه‌ای در جنوب شهر تهران رفتم. درسی که باید تدریس می‌کردم، ریاضیات بود و من هم در دانش ریاضیات مشکلی نداشتم ولی مسئله چیز دیگری بود. تازه انقلاب شده بود و گویی بچه‌ها دیگر به هیچ قاعده‌ای پایبند نبودند. یاد می‌آید دانش‌آموزی داشتم که بسیار قد بلند بود و هیکلی بزرگ‌تر از هیکل من داشت. او ته کلاس می‌نشست و به هر بهانه‌ای جنجال به راه می‌انداخت. هر زنگ که به کلاس می‌رفتم، با اعصاب داغان برمی‌گشتم. تمام یک ماهی که در مدرسه تدریس می‌کردم، با این کابوس گذشت. بارها به تمام کتاب‌هایی که داشتم مراجعه کردم و کوشیدم برای حل این مشکل راهی پیدا کنم ولی بیهوده بود. سرانجام، چاره را در ترک مدرسه دیدم. کمی پس از آن، به یک مدرسه راهنمایی رفتم؛ مدرسه‌ای پسرانه در یکی از محلات نسبتاً اعیان‌نشین تهران. این بار هم ماجرا به گونه‌ای دیگر بود و بازیگوشی‌ها و مردم‌آزاری‌های بچه‌ها به شکلی دیگر ادامه داشت. تنها فرارسیدن تابستان می‌توانست مرا از این ماجرا رها کند. سال بعد مشکل به شکلی دیگر در مدرسه دیگری تکرار شد تا سرانجام، مرا وا داشت که تدریس را رها کنم. این ترک و دوری سه سال ادامه یافت تا اینکه به اصرار یکی از دوستان و با کمک‌های او توانستم مجدداً به عالم تدریس برگردم. راستی چرا این گونه می‌شود که بسیاری از معلمان، همچون من، خود را در آغاز کار شکست‌خورده و ناکام می‌بینند؟ برخی از آمارها نشان می‌دهد که در آمریکا هر سال هشت درصد معلمان، شغل خود را ترک می‌کنند.^۱

علائم راهنمایی به ما بگویند که در هر مرحله چه باید کنیم. اغلب معلمان در مواجهه با مشکلات کلاس و زندگی حرفه‌ای خود متکی به دانش، مهارت و تجربه خویش و هر چیزی هستند که از منابع در دسترسشان کسب می‌کنند. اغلب راه خود را با سعی و خطا می‌یابیم و در جریان تدریس به دانش ضمنی خود کفایت می‌کنیم.

به نظر شون، تنها چیزی که می‌تواند مدد رسان ما باشد تدریس فکورانه است. نظریه شون مبتنی بر عمل و تدریس فکورانه است و از آن به عنوان الگویی در تربیت معلم، استقبال زیادی شده است. او بر حل مسئله و مفهوم سازی از طریق تفکر در عمل تأکید دارد طبق نظر شون زندگی حرفه‌ای شاغلان، به دانش ضمنی آن‌ها در عمل بستگی دارد. منظور از دانش عملی، دانشی است که محصول عملکرد روزانه و عمل عادی شده فرد باشد. به نظر شون، ما در موقعیت اگر از تفکر در عمل بهره بگیریم می‌توانیم دانش ضمنی خود را صراحت ببخشیم و آن را راهنمای کار قرار دهیم.

شون سه سطح تأمل را معرفی کرده است: تأمل برای عمل، تأمل در عمل و تأمل درباره عمل^۲. تأمل برای عمل در مرحله طراحی و قبل از انجام دادن عمل روی می‌دهد؛ تأمل در عمل، در روند انجام عمل روی می‌دهد؛ و تأمل درباره عمل، بعد از عمل اتفاق می‌افتد. به نظر شون، فرایند سعی و خطا و یادگیری از اشتباهات، کاری هنرمندانه است که معلمان باید آن را انجام دهند. او معتقد است که ما با شروع کار معلمی در موقعیتی ناشناخته قرار می‌گیریم و هیچ کسی هم نیست که راهنمایی مان کند. پس بهتر است راهی برای درس آموزی از موقعیتی که در آن واقع شده‌ایم بیابیم. به نظر شون، چاره کار در کسب دانش لازم برای حل مشکلات تدریس، عمل فکورانه است: قبل از عمل، حین عمل و پس از عمل، اما او ابزاری هم برای این عمل پیشنهاد می‌کند: نوشتن. به نظر می‌رسد وقتی ما افکار خود را مکتوب می‌کنیم،

به آن‌ها وضوح بیشتری می‌بخشیم و آن‌ها را روشن، قطعی و شفاف می‌سازیم. به نظر بعضی از محققان، نوشتن، خود نوعی روش تحقیق است و ما در حین نوشتن، در عین اتکا به یافته‌های خود، به یافته‌های جدیدی هم می‌رسیم. خلاصه اینکه به نظر شون، برای بهبود معلمی و تدریس و هر حرفه دیگری، چاره کار عمل فکورانه است. ابزار این فکر کردن هم نوشتن است؛ یعنی معلمی که عادت دارد کار معلمی خود را مکتوب کند و سؤالات، پیشرفت‌ها، پسرفت‌ها، مشکلات و راه حل‌هایش را بنویسد، سریع‌تر می‌تواند به راه حل دست یابد. راه حل، فکر کردن و نوشتن است. معلمانی که فکر نمی‌کنند، تجربه‌ای را سی سال یا بیشتر تکرار می‌کنند؛ بی‌آنکه گامی به پیش نهند. معلمی که در اندیشه فرو می‌رود و به کار خود می‌اندیشد، سؤالاتش را عیان و آشکار می‌کند و هر سؤالی ممکن است سؤالی دیگر را پیش روی او نهد و در نهایت، راه حل‌ها از آن سؤالات بزاید. البته می‌دانیم که در آموزش و پرورش ما بر نوشتن چندان تکیه نشده و این امر سال‌هاست تداوم دارد و از ویژگی‌های نظام آموزشی ما محسوب می‌شود. نوشتن کاری سخت به نظر می‌رسد ولی اگر انجام شود، نغز و شیرین است. در این شماره مجله، تکیه اصلی بر نوشتن بوده است. من هم در این نوشته کوتاه می‌خواستم بگویم یکی از دستاوردهای نوشتن برای معلمی، باز شدن گره‌ها و مشکلات کار و راه‌یابی به مؤثرترین شیوه‌های معلمی است.

* پی‌نوشت‌ها

1. <http://www.npr.org/sections/ed/2016/09/15/493808213/frustration-burn-out-attribution-its-time-to-address-the-national-teacher-shortage>.
2. Donald Schon (Schön, D. A. (1987). Educating the reflective practitioner (p. 27). San Francisco: Jossey-Bass).
3. reflection - on action, reflection- in-action and reflection - for- action
4. korkko, kyro, Ammala, & Turunen

نوشتن،

فصل مشترک همهٔ ساحت‌های یادگیری

گفت‌وگو با دکتر محمود امانی طهرانی
مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی

حسین حسینی‌نژاد
عکس: اعظم لاریجانی

متوسطهٔ نظری شدیم تا دربارهٔ این موضوع، و برنامه‌های این دفتر در زمینهٔ توجه به حوزهٔ نوشتن گفت‌وگو کنیم.

برای ورود به بحث، علاقه‌مندیم از دیدگاه شما در حوزهٔ نوشتن، بیشتر اطلاع پیدا کنیم.

من نوشتن را از مهم‌ترین ابعاد آموزش و رشد می‌دانم. آموزش جامع نوشتن برای آحاد شهروندان و دانش‌آموزان از مهم‌ترین مأموریت‌های نظام رسمی آموزش و پرورش است. البته منظور ما از نوشتن نه املا به معنی درست‌نویسی است و نه انشا به معنای رایج و جاری که امروزه در کشور ما هست. آنچه از نوشتن و نگارش مورد تأکید است، درواقع

اشاره

اگر نوشتن را یکی از مهارت‌های پایهٔ یادگیری در همهٔ حوزه‌ها بدانیم و نه حوزه‌ای مجزا و محدود به درس نگارش، اهمیت توجه به این مهارت بیشتر روشن می‌شود.

برطرف کردن مشکل اساسی «ضعف در نوشتن» در اکثر افراد جامعه، توجه همه‌جانبه به این مسئله را در نظام آموزشی می‌طلبد. مهمان دکتر امانی مدیر کل دفتر تألیف کتب درسی ابتدایی و



آنچه از نوشتن و نگارش مورد تأکید است، انواع نوشتن است که برای رساندن مقصودهای مختلف صورت می گیرد و طبقه بندی های مختلفی دارد. نوشتن علمی، نگارش ها، نوشتن خلاقانه، گروهی و تکنیکی همه در آن جای می گیرد. نوشتن ادبی تنها بخشی از آن است

مثال، در آزمون IELTS دو موضوع به شما می دهند: یک مطلب توصیفی و دیگری مطلب تحلیلی. شما در مطلب توصیفی حق اظهار نظر ندارید ولی در بخش تحلیلی باید تکنیک داشته باشید؛ موضوع را بگویید و بعد موضوع خود را هم نسبت به موضوع بیان کنید. حق ندارید یک سوویه نظر بدهید. این ها الفبای نوشتن تحلیلی است. در هر صورت، به نظر من نوشتن موضوع مشترک همه ساحت های یادگیری است و وجه اصلی آن ارائه است که افراد را بسیار رشد می دهد و می پروراند.

نوشتن یک مسئله عمیق توسعه ای در کل جامعه است و بسیاری از سوءفهم ها از ضعف در آن است. به نظر من، یکی از مهم ترین مسئولیت های نظام آموزشی کشور آموزش نوشتن است. ما هنوز در کشورمان گروه های حرفه ای در حوزه نوشتن نداریم. من خیلی تلاش کردم تا مجموعه ای از مهارت های نوشتن در نظام های آموزشی دنیا تهیه کنم و در اختیار گروه های درسی بگذارم تا با مدل «تکنیکال رایتنینگ» آشنا بشوند.

دیدگاه های شما بسیار روشن است ولی ورود آن به برنامه های درسی با توجه به

مسئولیت شما بسیار کند است. به نظر شما چه موانعی سر راه هست که مانع اجرایی شدن آن می شود؟

در کار حرفه ای ما مثلی هست که یک ضلع آن طراحی برنامه درسی است که در این طراحی ما باید نقشه ها را بچینیم. ضلع دوم، تدوین برنامه درسی است؛ یعنی تولید برنامه آموزشی مورد نیاز. ضلع سوم آن اجرای برنامه درسی است. اگر در یکی از این سه بعد ضعف داشتید، برنامه شما عملاً اجرا نمی شود. در این نوع مسائل، چرخه ای باید طی شود که یک دوره ده ساله دارد. قرار گرفتن نوشتن و نگارش

به عنوان جزء اصلی در کنار کتاب فارسی، یک قدم به پیش بود و در پاره ای از کتاب ها با تغییر نام و در پاره ای دیگر با تألیف جدیدی انجام شد؛ یعنی در این فضا شش کتاب تألیف شد. نگارش هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم که کتاب های کاملاً جدیدی بودند. پس، این گونه نبود که کار متوقف شود. در طراحی و تدوین قدم هایی برداشته شد و به مدارس رفته و در حال اجراست و من معتقدم این یک حرکت به پیش بود. این کتاب ها در مسیر حرکت نمره قبولی گرفته اند.

انواع نوشتن است که برای رساندن مقصودهای مختلف صورت می گیرد و طبقه بندی های مختلفی دارد. نوشتن علمی، نوشتن انواع گزارش ها، نوشتن خلاقانه، نوشتن های گروهی و تکنیکی همه در آن جای می گیرد. نوشتن ادبی تنها بخشی از آن است که در جای خود بسیار مهم است و دربرگیرنده داستان نویسی، روایات، زندگی نامه، زندگی نامه خودنوشت (اتوبیوگرافی)، نقد و تحلیل، توصیف، تحلیل و تفسیر و... .

اهمیت عمده نوشتن، متصل بودن به تفکر و استدلال است. بی دلیل نیست که عنوان کتاب خانم واتانابه «پرورش هنر استدلال» که درباره نوشتن و مقایسه تحلیل نوشتن در ژاپن و امریکا است، به مسئله استدلال مرتبط می شود.

به دلیل نگاه گسترده به موضوع نوشتن و اقداماتی که خوشبختانه در نظام آموزشی انجام شده، در تمام پایه های تحصیلی در کنار کتاب فارسی کتابی با عنوان نگارش موجود است. از دید من، نوشتن به درس ادبیات اختصاص ندارد و مهارتی عام است برای رشد فکری بچه ها.

در این نوع از نگارش، نگاه تکنیکی خیلی مهم است. گرچه ما این حرکت را آغاز کرده ایم ولی نسبت به کشورهای غربی در فاز اول این کار هستیم و در فازهای بعدی باید اقدامات جدی در باب تقویت وجه فنی انجام دهیم. با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، آینده نوشتن روز به روز مهم تر از گذشته است و نه تنها اهمیت آن کاهش پیدا نمی کند بلکه مخاطب هر نوشته ده ها برابر قبل است. نگارش در همه دروس اعم از دینی، علوم، اجتماعی، ریاضی و... مطرح است. مثلی که من همه جا مطرح می کنم، تحت عنوان «مثلث یادگیری مطلوب» درواقع، دارای سه ضلع طراحی آموزشی، رسانه های پر شمار یادگیری

و برون داد است. بخش عمده ارائه یا برون داد مبتنی بر نگارش است؛ حتی ارائه ویدیویی و... که همگی مبتنی بر متن است. در جامعه ما بی حساب حرف زدن خیلی رایج است و بی سوادی در بی حساب حرف زدن ها به آسانی آشکار می شود، اما چون شفاهی است مورد پیگیری قرار نمی گیرد. بدون استناد صحبت کردن و نیز عددها، آمارها و تعمیم های بی حساب و تلفظ های غلط نشان این است که افراد با وجود داشتن دکتری، لیسانس و فوق لیسانس باسواد نشده اند.

نوشتن یکی از راه هایی است که می تواند این وضع را به طور جدی بهبود بخشد. گاهی در کتاب های درسی می بینیم جملاتی هست که اگر کسی بیاید بگوید منبع آن چیست، شاید نویسنده نتواند توضیح دهد. در فضای علمی کسی حق ندارد بدون استناد حرف بزند و تنها می تواند نظریه های خود را در چارچوب های خاص بیان کند. در نوشته های توصیفی، دقیق حرف زدن و اعتبار علمی مسئله مهمی است. برای



البته حرفه‌ای شدن ده سالی زمان می‌خواهد. در همین حین که نسخه یک چرخه طراحی و تدوین و اجرا را می‌گذرانند، باید بررسی‌ها، پژوهش‌ها، مطالعات بین‌المللی، کسب تجربه‌های دیگران یعنی شکل‌گیری نقطه‌های بهبود و حتی اصلاح و بازنگری و تجدید تألیف این برنامه به وجود بیاید.

معمولاً این کارها پذیرای اصلاحات پیاپی و زودگذر نیستند و باید چرخه را خیلی با جدیت اجرا کرد. من معتقدم که باید از کاری که در این شش سال انجام شده است یا حداقل دوره هفت و هشت و نه یک ارزشیابی دوره‌ای بشود و در آن ارزشیابی، اطلاعات مربوط به برنامه، مواد آموزشی و نتایج عنوان شود و عنصرهایی که به بهبود نیاز دارند، مشخص گردد. کند بودن آن به این خاطر است که ما خیلی دیر شروع کردیم. وقتی هم که شروع کردیم، آن بدنه نیروی قوی ویژه این کار را نداشتیم.

می‌خواهم بگویم که مسیر حرکتی که صورت گرفته، مسیر درستی است. این‌طور کارها باید زمان طبیعی رشد را طی کند. آفتی که ممکن است به این کارها بخورد این است که جدیت آن‌ها در طول زمان کمرنگ شود و از بین برود. باز تأکید می‌کنم که باید بین آن سه ضلع مثلث تفکیک قائل شد. ادعای ما در برنامه جدید این است که ما برنامه داریم، برنامه درسی طراحی کرده‌ایم و برای آن نقشه ارائه داده‌ایم. البته در این طراحی برای شش سال ابتدایی تألیف نشده و کتاب‌ها همان کتاب‌های قبلی است. بعدها باید به تجدید تألیف آن‌ها هم برسیم. قبلاً کتاب «بنویسیم» بوده که طبق این نقشه نبوده است. عجلتاً نام آن‌ها هم شده نگارش که نوعی حرکت ظاهر به باطن است اما شش کتاب بعدی که تألیف شده، مبتنی بر همین برنامه است. در فاز دوم تدوین و تولید کتاب‌های درسی باید کار برنامه از نظر صاحب‌نظران و دیدگاه آن‌ها و نیز کار تدوین مواد آموزشی و تولید از دید تجربه‌های جهانی را مورد توجه قرار دهیم.

چالش اجرا

البته اجرا هم برای خود، مسائل زیادی دارد. ضروری است که هر یک از آن‌ها را جداگانه ببینیم؛ چرا که خیلی از مواقع ممکن است برنامه‌ای در مرحله طراحی و تدوین نمره قبولی خوبی داشته باشد اما آنچه نمی‌گذارد این برنامه به کامیابی برسد، اجرای ضعیف آن است و این اجرای ضعیف برمی‌گردد به شرایط مختلفی که در مدارس حاکم است. مثل اهمیتی که برای این درس قائل‌اند و نیروی انسانی که برای اجرای آن به‌کار گرفته می‌شود و مسائلی که از دست برنامه‌ریزان و تولیدکنندگان مواد

در فضای علمی
کسی حق ندارد
بدون استناد
حرف بزند و
تنه‌های خود را
نظریه‌های خود را
در چارچوب‌های
خاص بیان کند.
در نوشته‌های
توصیفی، دقت
علمی مسئله
مهمی است

آموزشی خارج است. اگر هر کدام از این‌ها جداگانه بررسی شود، تکلیف جاهایی که باید به‌طور جدی به آن‌ها پرداخت روشن می‌شود. تصور من این است که یک برنامه ممکن است نمره هر یک از این اجزایش با هم متفاوت باشد. در یک مرحله نمره قبولی بگیرد و در یک مرحله نه. یک برنامه ضعیف را یک اجرای خوب می‌تواند به نمره قبولی برساند و به‌عکس.

اگر ما به سرعت، قبل از اینکه عامل اصلی و نقص را بیابیم با یک حکم کلی بگوییم کامیابی لازم را نداشته‌ایم، نمی‌توانیم به نتیجه مطلوب برسیم. در هر برنامه، به‌طور معمول گروه ایجادکننده برنامه، بیشترین فهم را از برنامه و بیشترین ایمان را به آن دارند. در بعضی از زمینه‌ها سلاقی، رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اما در بعضی زمینه‌ها تقریباً نوعی تفاهم جهانی به وجود آمده است. در حوزه آموزشی من که آموزش علم است، یک تفاهم جهانی وجود دارد. تکالیف، دیسپلین، مهارت‌ها و متن‌ها و انتظارات عملکردهای بچه‌ها در آن معلوم است. کشورها به نسبت پیشرفت در عملیاتی کردن آموزش و آزمون‌ها و... با هم متفاوت‌اند نه در سوگیری اساسی. البته در بعضی زمینه‌ها مثل زبان آموزی نظریه‌ها خیلی با هم متفاوت‌اند. در همین شروع آموزش زبان فارسی در ایران چند گروه نظرات صدها درصد متفاوتی داشتند. یک گروه نگاه گشتالتی دارند، بعضی روی بخش خوانی و بعضی روی کارهای بینابینی فکر می‌کنند و... در این گونه موارد، رسیدن به توافقی همه‌جانبه بعید است اما مهم این است که کار انسجام درونی داشته باشد و اجماع کارشناسی هم باشد و نظریه رقیب هم در آن باشد و مهم اینکه بتوان آن را خوب اجرا کرد.





➤ برون‌سپاری تألیف

با توجه به ظرفیت‌های غنی خارج از نظام اداری آموزش و پرورش در زمینه تولید محتوا و حتی تدوین کتاب درسی، آیا این امکان فراهم شده است که از این ظرفیت به خوبی استفاده شود؟

می‌دانید که این کتاب‌ها در بستر زمانی بسیار فشرده‌ای پایه به پایه تألیف می‌شود. در این گونه فضاها زمان نیست که گروه‌هایی را بیاورید و کارها را به آن‌ها تفهیم کنید و بسپارید و ببینید آیا می‌توانند آن را انجام دهند یا نمی‌توانند؛ یعنی در ظرف زمانی تولید سال به سال افرادی را که با برنامه فعلی مرتبط نبوده‌اند، نمی‌توانید مدیریت کنید و کار ریسک‌پذیر هم نیست. یک موقع در فضای آزاد می‌خواهید کتابی تألیف کنید و زمان مطرح نیست ولی در اینجا باید کتاب در اول مهر آماده باشد. پس باید این کار را به کسی بسپارید که مطمئن باشید دیدگاه را می‌داند و کتاب را می‌نویسد.

الان ما در کتاب زبان انگلیسی این کار را کرده‌ایم و با سفارش کارها را می‌خریم. در خیلی از زمینه‌ها می‌شود این کار را انجام داد. من معتقدم که می‌شود چندتألیفی هم باشد. هیچ دلیلی ندارد که نگارش ما تک‌تألیفی باشد. نه منبع کنکور است و نه درسی است که بگوییم فقط این گروه بلد است و دیگری نمی‌داند. فقط باید به نقطه‌ای برسیم که بتوانیم سفارش کار را بدهیم. به‌ویژه اینکه اساتید ارشد نگارش در این چند سال به خوبی تولید شده و در دسترس است. می‌توانیم چنین کاری را به زودی آغاز کنیم و فراخوان بدهیم.

من خیلی تلاش می‌کنم که فضای تولید از انحصارها بیرون بیاید.



➤ نوشتن بین‌برنامه‌ای

نوشتن بین‌برنامه‌ای که شما خیلی مدافع آن هستید، هم‌اکنون در چه مرحله‌ای است؟ در بعضی از کتاب‌ها و دروس شاهد فعالیت‌های نوشتاری هستیم اما اغلب این فعالیت‌ها به‌صورت جزیره‌اند و ارتباط طولی و عرضی با هم ندارند. آیا برنامه‌ای هست که به این‌ها جهت بدهد و همه را با هم پیش ببرد؟ مثلاً در علوم، ریاضیات، تاریخ،

هنر، ادبیات و... شاهد یک برنامه یکپارچه نوشتاری باشیم؟ اگر بخواهیم آموزش نوشتن را فقط به معلمان ادبیات بسپاریم، در حق آنان اجحاف می‌شود؛ زیرا همه معلمان به سهم خود مسئول آموزش نوشتن‌اند.

سازمان در مرحله مطالبه از گروه‌ها و مؤلفان است؛ یعنی از همه مؤلفان کتاب‌های درسی دوره متوسطه خواسته‌ایم که از جنس نوشتن، در کتاب، تمرین داشته باشند اما طرحی جامع برای این موضوع نداریم و باید برای آن ماکروپلن یا طرحی تهیه کنیم که در آن ریزمهارت‌ها و سهم‌ها مشخص شوند. برای مثال، وقتی شما می‌گویید به موضوعات ارزشی بپردازید این یک مطالبه است اما اگر روزی خواستید آن را اجرا کنید، باید ماکروپلن داشته باشید. نوشتن هم از این جنس است. ما در فاز ماکروپلن هستیم.

لذا شما در هر کتابی که وارد شوید، فعالیت‌ها و مطالباتی از دانش‌آموز می‌بینید که مربوط به موضوع نگارش هست یا نه، اما اینکه آیا برنامه جامعی در این زمینه هست باید بگوییم خیر. این در فاز بعدی است.

البته الان برای ورود به این بخش نمی‌شود بازه زمانی تعیین کرد. چیزی که اکنون به آن رسیده‌ایم و وجود دارد، در برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان ادب فارسی است که در آن به موضوع نوشتن، به‌صورت برنامه‌ای توجه شده است؛ یعنی مهارت‌ها و مفاهیم اساسی در این زمینه مکتوب شده‌اند و در نقشه کلان، اجزا و جغرافیای یادگیری نوشته شده است. در این برنامه تمام مهارت‌های چهارگانه از جمله نوشتن طراحی شده‌اند. آنچه باید بعدها طراحی شود، ماکروپلن نوشتن درباره دروس حامل است نه عامل. می‌دانید ما دو نوع درس داریم؛ کتاب‌های نگارش درس‌های عامل ما هستند و سایر کتاب‌ها، دروس حامل. تعیین کردن سهم دروس حامل ماکروپلن ماست. عرض کردم هم‌اکنون ما در حال مطالبه از گروه‌ها هستیم و ان‌شاءالله وارد برنامه جامع هم خواهیم شد.

رزومه پرتئین^۱

نویسندگان: تمی کاربالو و گرگوری کرانر^۲
مترجم: محمد امین اسپروز

می‌شناسند، مانند ژن سرکوبگر تومور پی ۵۳^۵، نشان می‌دهیم که چه چیزی متعلق به هر بخش است. معمولاً در کلاس‌های علوم، نسبت دادن خصوصیات انسانی به ذرات مشکل است (برای مثال، «گلوکز می‌خواهد شکسته شود» و یا «سدیم به از دست دادن الکترون نیاز دارد». در این تکالیف، جان بخشیدن به اشیاء نباید باعث ایجاد این تصور برای دانش‌آموزان شود که اشیاء رفتاری مانند انسان‌ها دارند بلکه باید بدانند گزارش حقایق علمی ارائه دهند.

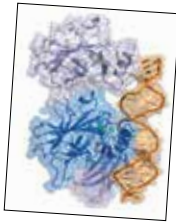
نظارت آموزگار و ارزشیابی

با اینکه این تمرین را می‌توان به صورت تک به تک هم انجام داد، ما برای تقویت روحیه همکاری در میان دانش‌آموزان و سود بردن آن‌ها از نقاط قوت یکدیگر، ترجیح می‌دهیم که در گروه‌های چهار نفره کار کنند. به دانش‌آموزان برای پیدا کردن اطلاعات در کتاب‌هایشان یا اینترنت به اندازه کافی در کلاس وقت داده می‌شود و معلم، مانند کلاس‌های آزمایشگاه، بین دانش‌آموزان راه می‌رود و به آن‌ها کمک می‌کند. هر گروه ابتدا یک پیش‌نویس تحویل می‌دهد، بازخورد می‌گیرد و تغییرات را اعمال می‌کند. هنگام ارزیابی کار دانش‌آموزان، به هر گروه فقط یک نمره می‌دهیم؛ زیرا معتقدیم با این کار دانش‌آموزان حس موفقیت را با هم تقسیم می‌کنند، اما اگر معلمی بخواهد برای ارزیابی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزی به او نمره انفرادی بدهد، می‌تواند یک یا دو رزومه به هر فرد در گروه اختصاص دهد.

«به زبان خودتان پاسخ دهید!». ما معلم‌ها از این جمله زیاد استفاده می‌کنیم. می‌خواهیم دانش‌آموزانمان با تفسیر اطلاعات به کمک دانش خودشان، مسائل را درک کنند. با این حال، به دلیل استفاده فزاینده دانش‌آموزان از منابع اینترنتی، به سختی می‌توان گفت که پاسخ‌ها، واقعاً مال خودشان است. راه‌حل کلی این مشکل، این است که از دانش‌آموزان بخواهید تا اطلاعات خود را در قالبی ارائه دهند که پیدا کردن آن در کتاب‌ها و اینترنت غیرممکن باشد و مطمئن شوند که باید چیز جدیدی خلق کنند. ما یک مثال تجربه شده در کلاس را پیشنهاد می‌کنیم: رزومه پرتئین.

رزومه پرتئین چیست؟

در کلاس بیوتکنولوژی مقدماتی در دبیرستان گلشیر پیک^۳، دانش‌آموزان، ساختار و عملکرد پروتئین را با استفاده از مدل سه بعدی و سایر فعالیت‌ها را با جزئیات خوبی بررسی می‌کنند. طبق یک ارزشیابی تراکمی^۴، گروه‌های چهار نفری از دانش‌آموزان، یک پروتئین خاص (مانند هموگلوبین) را در نظر می‌گیرند و با تجسم آن، درک خود را در قالب رزومه‌ای گزارش می‌دهند. با اینکه بعضی دانش‌آموزان هنوز با رزومه آشنا نیستند، آن را به سادگی می‌توان تدریس کرد. ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم بخش‌هایی را به نام، نشانی، هدف شغلی، ویژگی‌های ساختاری، سوابق کاری، دستاوردها و افتخارات کاری و منابع اختصاص دهند و ما با مثالی از یک پروتئین، که دانش‌آموزان



نام: پی ۵۳
نشانی منزل: ژنی است که روی کروموزوم شماره ۱۷ قرار دارد.
نشانی محل کار: پروتئینی است که در هسته و سیتوپلاسم سلول DNA آسیب دیده و سایر عوامل استرس‌زای سلول قرار دارد.

هدف شغلی
جست‌وجو در موقعیت سلولی شامل توقف رشد سلول، ترمیم DNA آسیب‌دیده و کمک به آپوپتوز

ویژگی‌های ساختاری

- ۸ درصد مارپیچ آلفا و ۳۰ درصد صفحات بتا
- برخی آرژنین‌های مهم در اتصال به دی‌ان‌ای عبارت‌اند از: ۱۷۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۷۳ و ۲۸۲

سوابق کاری

- تحت نظارت پروتئین‌هایی مانند HAUSP کار می‌کند.
- تحریک تولید پی ۲۱
- کارشناسی ترمیم دی‌ان‌ای آسیب‌دیده
- در صورت جفت‌شدن با پی ۵۳، گروه مشابه بهتر عمل می‌کند.
- بی‌تأثیر در محیط‌های حاوی دود سیگار، رادیواکتیو، مواد شیمیایی صنعتی و غیره

دستاوردها و افتخارات کاری

- مولکول برتر سال، مجله علوم، سال ۱۹۹۳
- مولکول برتر ماه، بانک اطلاعات پروتئین RCSB، ژوئیه ۲۰۰۲

سیدرضا زاهدی

خلاصه‌ای از

تمرین رزومه

پروتئین

به همراه

مثال‌های

تدوین

شده توسط

آموزگار

(سرکوبگر)

تومور پی ۵۳)

و دانش‌آموز

(هموگلوبین)



نام: هموگلوبین ملقب به Hb

نشانی منزل: ژن آلفا روی کروموزوم شماره ۱۶، ژن بتا روی کروموزوم شماره ۱۱
نشانی محل کار: پروتئینی است که در سیتوپلاسم گلبول‌های قرمز در جریان خون وجود دارد.

هدف شغلی

پیشخدمت سلولی (رساننده مواد مغذی و از بین برنده مواد زائد) و به دنبال کار در جریان خون است.

ویژگی‌های ساختاری

- هر دو زنجیره آلفا و بتا حدود ۷۵ درصد آلفا هلیکس هستند (صفحات بتا ندارد).
- در کم خونی داسی شکل، آمینواسید ۶ در زنجیره جانبی بتا، از گلوتامات به والین تغییر می‌کند.

سوابق کاری

- انتقال آبی اکسیژن و دی‌اکسید کربن
- کمک به کنترل فشار و جریان خون با انتقال اکسید نیتریک
- شعبده‌باز (استعداد ویژه در قرمز کردن خون)
- کار ساختمانی (مسطح کردن گلبول‌های قرمز داسی شکل خون؛ زمانی که گلوتامات در موقعیت ۶ جهش می‌یابد).
- دارای روحیه کار گروهی، اما با مونوکسید کربن به خوبی کار نمی‌کند.
- با انتقال خون، زندگی بسیاری را نجات داده است.

دستاوردها و افتخارات کاری

- جایزه نوبل شیمی، ۱۹۶۲
- مولکول برتر ماه، RCSB
- بانک اطلاعات پروتئین، مه ۲۰۰۳

سیدرضا زاهدی

✎ خلایق ساختاری

این شکل از رزومه، از انعطاف پذیری کافی برای ایجاد خلایق فراوان برخوردار است. برای مثال، گروه‌های مختلف دانش‌آموزان، هموگلوبین را به عنوان یک پیش‌خدمت که مواد مغذی را می‌رساند و مواد زائد را حذف می‌کند، توصیف کرده‌اند یا همین ایده را به شیوه‌ای دیگر نقل کرده‌اند: فردی همه فن حریف با دو شغل نیمه‌وقت که یکی انتقال اکسیژن و دیگری انتقال دی‌اکسید کربن است. برخی دیگر از دانش‌آموزان، هموگلوبین را شعبده‌بازی توصیف کرده‌اند که می‌تواند خون را قرمز کند. تنوع این استعاره‌ها نشان می‌دهد که با اجرای این تمرین، تفکر خلاقانه رشد کرده است.

در این تمرین، فضا برای تمرین خلایق وجود دارد. به علاوه، بخش‌های متعدد و کوچک رزومه ساختار شفافی به آن می‌دهد که باعث می‌شود دانش‌آموزان بر ویژگی‌های کلیدی پروتئین متمرکز بمانند. برای مثال، دانش‌آموزان اصلی‌ترین عملکرد پروتئین را در بخش هدف شغلی و سایر ویژگی‌های آن را در بخش سوابق کاری می‌نویسند. ساختار شفاف رزومه پروتئین، شاید بزرگ‌ترین مزیت آن نسبت به سایر تمرین‌های خلاقانه است. برخی آموزگاران شجاع از دانش‌آموزان می‌خواهند برای یک مطلب علمی، اثر هنری و یا موسیقی خلق کنند. این نوع فعالیت‌ها بسیار شگفت‌انگیز است اما برای برخی از دانش‌آموزان، داشتن بیان هنری ممکن است بسیار چالش برانگیز باشد و برای برخی دیگر، جنبه هنری آن چنان جذاب باشد که محتوای علمی را نادیده بگیرند. رزومه پروتئین در بین تکالیف نوشتاری سنتی و راهکارهای افراطی خلاقانه، تمرینی میانه‌رو است. ما این روش را گونه‌ای یادگیری از طریق نوشتن (WTL)^۶ می‌دانیم که در آن دانش‌آموزان، در فرایند نوشتن، درک بهتری از موضوع پیدا می‌کنند.

✎ استفاده در کلاس‌های زیست‌شناسی

همان‌طور که اشاره شد، در این تمرین، دانش‌آموزان درک خود را از یک پروتئین مشخص گزارش می‌کنند اما به سادگی می‌توان از این تمرین در سایر مباحث زیست‌شناسی نیز استفاده کرد؛ مثلاً در سطح سلولی و مولکولی، می‌توان برای ترکیبات شیمیایی (مانند پیرووات^۷)، مواد مغذی (مانند نیتروژن)، مسیر سوخت‌وساز (مانند فتوسنتز) و یا اندامک (مانند دستگاه گلژی^۸) رزومه ساخت. در سطح کلان‌تر، از رزومه می‌توان برای مشخص کردن نقش یک اندامک (ارگانیزم) مشخص در یک زیست‌بوم (اکوسیستم) استفاده کرد. به عبارت دیگر، این تمرین در

رزومه پروتئین در بین تکالیف نوشتاری سنتی و راهکارهای افراطی خلاقانه، تمرینی میانه‌رو است. ما این روش را گونه‌ای یادگیری از طریق نوشتن (WTL)^۶ می‌دانیم که در آن دانش‌آموزان، در فرایند نوشتن، درک بهتری از موضوع پیدا می‌کنند

بسیاری از مباحث زیست‌شناسی دبیرستان قابل استفاده است. نکته کلیدی این است که باید از رزومه برای مواردی استفاده کرد که نیاز است دانش‌آموزان درک کاملی از آن داشته باشند. برای مثال، پس از ارائه توضیح کلی درباره اندامک‌ها، احتمالاً دانش‌آموزان نخواهند توانست برای یک اندامک مشخص رزومه بنویسند اما پس از یادگیری مطالبی درباره هر یک از اندامک‌ها، این روند تغییر خواهد کرد. برای مثال، اگر تنها اطلاعات دانش‌آموزان درباره هسته این باشد که فضایی برای ذخیره کردن دی‌ان‌ای است، دانسته‌هایشان برای تهیه رزومه بسیار کم است اما وقتی یاد بگیرند که هسته، دی‌ان‌ای‌ها را حول هستون نگه می‌دارد، فضایی برای رمزگذاری ژن‌های فردی است و در حین میتوز تکثیر می‌شود، اطلاعات کافی برای ساخت رزومه دارند.

✎ نتیجه‌گیری

رزومه پروتئین نوعی یادگیری از طریق نوشتن است که به‌خوبی میان شیوه مقاله‌نویسی سنتی و تکالیف با انتهای کاملاً باز^۹ قرار می‌گیرد. در روند این نوع یادگیری، دانش‌آموزان علاوه بر اینکه از مزایای ساختار یافته این روش استفاده می‌کنند، این فرصت را نیز دارند که درک خود را به شیوه‌ای منحصر به فرد و گاه آمیخته با طنز بیان کنند.

* پی‌نوشت

این مقاله در مجله Science Teacher شماره آوریل و مه ۲۰۱۸

منتشر شده است.

1. The Protein Re'sume
2. Tami Carballo and Gregory Crowther
3. Glacier peak
4. Summative Assessment
5. Tumor Suppressor p⁵³
6. Writing- to- Learn
7. pyruvate
8. Golgi's apparatus
9. open- ended assignments

* منابع

* S. Dutta and D. Goodsell.

Molecule of the month, may 2003. Doi10. 2210/rcsb-pdb/ mom-2003-5

* L. Pauling et al. sickle cell anemia, a molecular disease. *Science* 110: 543-548.

* D. GOODCELL, *Molecule of the Month*, july 2002 Doi: 10.2210/rcsb-pdb/ mom-2002-7

* «Boosting p 53 tumor suppressor function to fight cancer». *Genetic Engineering & Biotechnology News* February 4, 2014.



دفتر تعاملی^۱

نازیلا نیازی | نرگس لیاقی مطلق
دبیر فیزیک منطقه^۳ | دبیر علوم منطقه^۲

بر هوش‌های چندگانه و یادگیری مغزمحور است. دفتر تعاملی یک دفترچه سیمی (برای سهولت تورق) است که صفحات راست و چپ در آن تعریف می‌شود. صفحات راست یا ورودی، شامل آنچه معلم به دانش‌آموزان منتقل می‌کند، نظیر محتوای آموزشی، جزوه کلاسی درس، یادداشت دانش‌آموز از تدریس معلم و نتیجه بحث‌های گروهی است. به‌طور کلی، همه محتوایی که برای ارزشیابی پایانی ضرورت دارد، در سمت راست دفتر تعاملی درج می‌شود و مرجع دانش‌آموزان است. مسئولیت صفحات

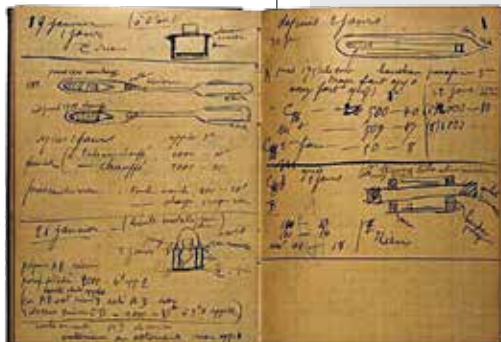
سمت چپ (خروجی) دفتر بر عهده دانش‌آموز است. دانش‌آموز در صفحات سمت چپ برداشت خود را از درس و محتوایی که در سمت راست ارائه شده، به‌صورت خلاصه درس، نقشه مفهومی، رسم

شکل و تصویرسازی، جدول، نمودار، طرح‌های گرافیکی، نقاشی و... ثبت می‌کند. به این ترتیب، وسیله‌ای برای برقرار کردن ارتباط میان دانش قبلی دانش‌آموز با آموخته‌های جدید و مرور و تفکر و تعمیق ادراک فراهم می‌شود. دانش‌آموز آنچه را می‌اندیشد، به‌طور معناداری در این صفحات قرار می‌دهد و با معلم، هم‌کلاسی‌ها و اولیای خود به اشتراک می‌گذارد.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان با محتوای دفتر تعاملی، نمونه‌هایی از محتوای درس فیزیک پایه

یادداشت کردن و ثبت داده‌ها، دریافت‌ها، ایده‌ها و حتی وقایع روزانه در روش کار بسیاری از دانشمندان دیده می‌شود. مستندسازی و یادداشت‌برداری همه وقایع، همواره به پیشرفت علم کمک کرده است. چه بسیار کشفیاتی که به‌طور تصادفی رخ داده‌اند. از این‌رو یادداشت‌برداری، مهم و تمرین و یادگیری آن، ارزشمند است.

یکی از روش‌های مرسوم برای یادداشت‌برداری در کلاس، دفتر یادداشت تعاملی است. اولین نمونه‌های دفتر یادداشت تعاملی در حدود سال ۱۹۷۰ در مدرسه‌ای در آمریکا و پس از آن از سال ۱۹۹۲ به‌طور رسمی در آموزش به‌کار گرفته شد. این دفتر کمی با دفترهای دیگر و یادداشت‌برداری‌های معمول متفاوت است. روش تدریس مبتنی بر دفتر تعاملی به‌عنوان یک ابزار و راهبرد آموزشی تأثیرگذار بر فرایند آموزش می‌تواند در ایجاد انگیزه و هدایت یادگیری دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. دفتر تعاملی ابزاری آموزشی است که برای دانش‌آموزان فرصت ثبت آنچه را آموخته‌اند، فراهم می‌آورد و امکان تهیه مطالب آموزشی با استفاده از روشی معنادار و قابل تأمل بر مبنای برداشت‌های خودشان را مهیا می‌کند. هدف از به‌کارگیری دفتر تعاملی، کمک به دانش‌آموزان برای سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعاتی است که در کلاس درس از معلم دریافت می‌کنند. این امر با راهبردهای آموزشی‌ای مانند یادداشت‌برداری، تهیه نقشه مفهومی و سازماندهی و دسته‌بندی اطلاعات در قالب دفتر تعاملی محقق می‌شود. این شیوه آموزشی مبتنی



برگی از دفتر یادداشت
مادام کوری

شکل ۱. نمونه‌ای از صفحه سمت راست دفتر تعاملی



شکل ۲. نمونه‌ای از صفحه چپ دفتر تعاملی، که در آن پس از تدریس مبحث «تبدیل انرژی» از دانش‌آموزان خواسته شده است که انواع انرژی و تبدیل‌های آن را به روش خودشان تصویرسازی کنند.



شکل ۳. راهنمای طراحی صفحات دفتر تعاملی



دهم که نویسندگان تدریس کرده‌اند، در شکل ۱ (نمونه‌ای از صفحه راست) و شکل ۲ (نمونه‌ای از صفحه چپ) نشان داده شده است. همچنین در شکل شماره ۳، هم صفحه راست و هم صفحه چپ مبحث «نیروی کشسانی فنر»، هم‌زمان نشان داده شده است. مزیت مهم این روش این است که با آن، بدفهمی‌های دانش‌آموزان آشکار می‌شود و تثبیت یادگیری امکان‌پذیر می‌گردد.

چطور دفتر یادداشت تعاملی بسازیم؟

طراحی دفتر یادداشت تعاملی اصول ساده‌ای دارد. برای طراحی آن، ابتدا با قاعده صفحه راست و چپ دفتر آشنا شوید. تصویر ۳ راهنمای خوبی برای صفحه راست و چپ دفتر است.

صفحه راست دفتر، به‌عنوان ورودی، همه داده‌هایی است که هنگام درس به دانش‌آموزان ارائه می‌کنیم و صفحه سمت چپ به‌عنوان خروجی، بازخورد دانش‌آموز از یادگیری است. درواقع درگیر شدن با درس، خلاقیت و سطوح شناختی بالاتر، در صفحه چپ دفتر نمود پیدا می‌کند. صفحه راست و چپ دفتر تعاملی در واقع جریان یادگیری است. آن چه دانش‌آموز در صفحه راست آموخته در صفحه چپ بروز پیدا می‌کند.

از دیگر ویژگی‌های دفتر یادداشت تعاملی، داشتن فهرست، شماره صفحه و ترتیب یکسان صفحات برای همه دانش‌آموزان است؛ یعنی، قرار است همه دفترشان را شبیه هم پیش ببرند. دفتر یادداشت تعاملی درواقع شبیه کتاب دست‌نویس دانش‌آموزان است؛ مطالب مهم درس، به زبان و دست‌خط و هنر و خلاقیت خودشان نوشته می‌شود.

برای طراحی صفحات دفتر ابتدا باید طرح درس و مطالبی را که می‌خواهید در یک جلسه بیان کنید، مرور کنید. تقدم و تأخر آن‌ها را مشخص کنید و در بخش‌های مختلف درس، فضایی برای تأمل و یادداشت کردن بازخورد دانش‌آموزان در نظر بگیرید.

سپس، از تصاویری که یادآور اتفاق کلاس باشد، انواع نمودارها و تصاویر مرتبط با درس، یا طرح‌های سه‌بعدی، تاشو، پاکت و سازمان‌دهنده‌های بصری^۳ استفاده کنید. نمونه‌هایی از انواع مدل‌ها را در تصاویر ۱، ۲، ۴ و ۵ می‌توانید ببینید.

این کار یادآوری مطالب را برای دانش‌آموز آسان‌تر می‌کند. همچنین می‌توانید دفتری شبیه

**دفتر تعاملی
ابزاری آموزشی
است که برای
دانش آموزان
فرصت ثبت آنچه
را آموخته‌اند
فراهم می‌آورد
و امکان تهیه
مطالب آموزشی با
استفاده از روشی
معنادار و قابل
تأمل بر مبنای
برداشت‌های
خودشان را مهیا
می‌کند**

می‌اندیشند مکتوب کنند، ناچار به شفاف‌سازی آموخته‌هایشان و نظم‌دهی به آن‌ها در کاغذ، به گونه‌ای که مخاطب بفهمد، خواهند شد. برای انجام دادن کار، به دانش‌آموزان زمان داده می‌شود که روی کلمات کلیدی بحث کنند و نحوه ارتباط آن‌ها با هم و ارتباط محتوا با اهداف درس را بیابند. دفتر یادداشت تعاملی ابزاری قوی است که هم به معلم کمک می‌کند و هم به دانش‌آموز. در این روش، معلم برای یادداشت‌برداری دانش‌آموزان طراحی آموزشی انجام می‌دهد. مطالب دفتر شامل نمودارها، طراحی‌ها و شکل‌ها، انواع سازمان‌دهنده‌های بصری و حتی عناصر یا بخش‌های سه‌بعدی است که همه کمک می‌کنند تا مطالب برای دانش‌آموزان قابل فهم شود و آن‌ها توانایی مقایسه و ارتباط دادن بین مطالب را به دست آورند.

این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به یادگیرندگانی فعال و مشتاق تبدیل شوند؛ مطالب را به‌طور هدفمند یادداشت کنند و نتیجه‌گیری‌ها و دریافت‌های خودشان را بنویسند. آن‌ها در این روش یاد می‌گیرند که چگونه به آموخته‌هایشان نظم بدهند و از آنجا که مطالب را از زبان خودشان می‌نویسند، مطالب علمی از آن خودشان می‌شود و با هنر و خلاقیت خود یادگیری را شخصی و منحصر به فرد می‌کنند. دفتر تعاملی دانش‌آموزان را تشویق می‌کند که

دفتر بچه‌ها برای خودتان درست کنید. این به طرح درس‌های شما نظم خاصی می‌دهد. به علاوه، همیشه می‌دانید که دانش‌آموزانتان چه مطالبی را ثبت کرده‌اند.

یکی از ابزارهای مهم در فرایند کار کردن با دفتر تعاملی، همان‌طور که در شکل‌های ۱، ۲ و ۳ دیده می‌شود، علاوه بر زیباسازی و اعطای جلوه بصری به کار، به شخصی‌سازی دفتر، برای دانش‌آموز و لذا دادن حس مالکیت دفتر به او، سازماندهی و نظم‌بخشی به دفتر و محتوا، کمک شایانی می‌کند. معلم می‌تواند بخشی از زمان کلاس را به فعالیت‌های سمت چپ دفتر اختصاص دهد یا آن را به عنوان بخشی از تکلیف، به خانه موکول کند. برای هرچه جذاب‌تر شدن تکمیل محتوا برای دانش‌آموز علاوه بر اِلمان‌های دوبعدی، می‌توان از اِلمان سه‌بعدی تاگردنی استفاده کرد.

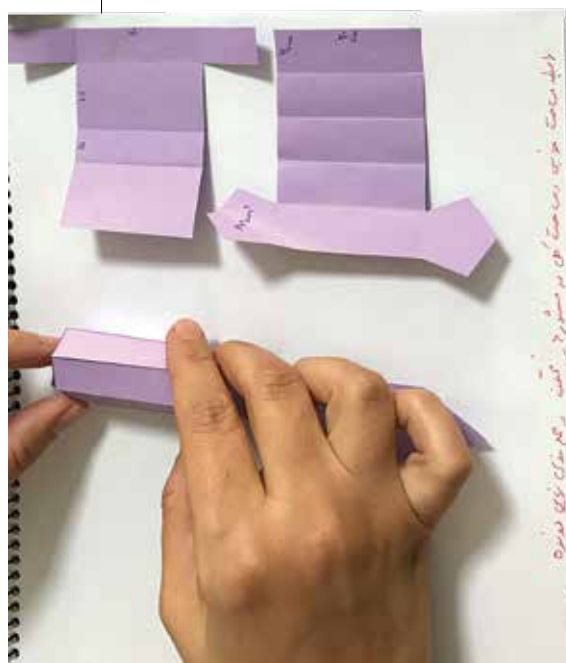
تاگردنی‌ها، سازمان‌دهنده‌های گرافیکی سه‌بعدی تعاملی هستند که بیش از ۳۰ سال قبل، معلمی به نام دینا زایک^۴ از آن‌ها استفاده کرد. سازمان‌دهنده‌های گرافیکی دانش‌آموزان را یاری می‌کنند که اطلاعات را به شکل بصری سازماندهی کنند. دانش‌آموز می‌تواند از سازمان‌دهنده‌های تصویری برای تبیین مفاهیم یا بیان ایده‌ها و درک خود از مفاهیم با به کارگیری کلمات کمتر استفاده کند. سازمان‌دهنده‌های گرافیکی ابزار مؤثری برای بهبود نگهداری و یادآوری اطلاعات برای دانش‌آموزان در همهٔ سنین و در هر سطحی هستند. در تاگردنی‌ها که سازمان‌دهندهٔ گرافیکی سه‌بعدی محسوب می‌شوند، نیاز به بریدن و چسباندن اِلمان مرتبط در دفتر است. آن‌ها ضمن برخورداری از مزایای فوق، برای دانش‌آموزان به‌خصوص کسانی که در بعد هوش حرکتی بارزترند، امکان تحرک و دست‌ورزی را نیز فراهم می‌کنند؛ آن‌ها را درگیر می‌سازند و با تنوع فعالیت مانع خستگی‌شان می‌شوند. شکل ۴ نمونه‌ای از تاگردنی‌ها را نشان می‌دهد.

برای تعمیق یادگیری، در نظر گرفتن صفحاتی از دفتر جهت تأمل و ارتباط، ضروری به نظر می‌رسد. این صفحات پلی برای کسب فراشناخت و مهارت تفکر محسوب می‌شوند و یادگیری با گرفتن خروجی از دانش‌آموزان تقویت می‌گردد.

➡ دفتر یادداشت تعاملی چه مزایایی دارد؟

وقتی دانش‌آموزان ملزم باشند که آنچه را بدان

➤
شکل ۴.
نمونه تاگردنی



اغلب با روش ارائه محتوا از سوی معلم مأنوس‌اند، برقراری ارتباط ذهنی با آموخته‌هایشان و نوشتن یا تصویرسازی آن‌ها در ابتدای کار نسبتاً مشکل است. اما به تدریج، ساده‌تر و روان‌تر می‌شود. به مرور، کسب فراشناخت و مهارت تفکر میسر می‌گردد و نتایج برای معلم و دانش‌آموز مشهود و رضایت‌بخش خواهد شد.

نمونه‌هایی از بازخورد معلمان و دانش‌آموزان در استفاده از دفتر تعاملی

بازخورد معلمان

معلم ریاضی:

بچه‌ها می‌گفتند: می‌دونم واسه چی و باید کجا رو بخونیم. چیزی هم که خودمون خیلی یاد گرفتیم، جمع‌بندی بود.

قبل از این، بچه‌ها یاد می‌گرفتند ولی نمی‌فهمیدند دارند یاد می‌گیرند؛ انگار به‌طور نامحسوس چیزهایی می‌فهمیدند ولی بعد از دوره دفتر تعاملی، ما تسوی کاربرگ‌هایمان هم، کادر جمع‌بندی گذاشتیم و به‌نظم نتایج ذهنی بچه‌ها خیلی منسجم‌تر شد.

معلم هندسه:

اول کار از یک طرف می‌ترسیدم که این تکنیک خیلی وقت بگیرد. از طرفی هم به‌نظم بامزه بود و دلم می‌خواست امتحانش کنم.

برگه‌های فصل اول هندسه را آماده کردم. اما حالا یک نگرانی به نگرانی قبلی‌ام، اضافه شده بود و آن، اتلاف وقت بود. اینکه آیا قسمتی از چالش‌هایی که به‌طور معمول در طراحی‌ها می‌گنجاندم، کم شده بود. حس می‌کردم مدل طراحی ناخودآگاه به بچه‌ها سر نخ می‌دهد و خیلی هم با طراحی مسئله‌محور جور نیست. طرح‌ها را کم‌برش‌تر کردم که وقت کمتری بگیرد و آن‌ها را مرتب چیدم.

در طول درس، این موضوع برایم خیلی جالب بود که انگار برای بعضی بچه‌ها اصلاً این فرصت لازم بوده است تا هم دستشان کار کند و هم در فرصت بین حل مسئله‌ها یک کم موقع بریدن حرف بزنند و بخندند و خب همین به من کمی آرامش می‌داد که انتخابمان بد نبوده است.

اما اتفاق جالب‌تر وقتی برایم افتاد که داشتم فصل بعدی را طراحی می‌کردم. قرار نبود که قالبش دفتر تعاملی باشد و قرار بود شبیه

هنگام فکر کردن بنویسند و آن‌ها را به یادگیرندگانی فعال تبدیل می‌کند. برای مثال در درس فیزیک، لازم است معلم اطمینان یابد که دانش‌آموز، کلمه یا عبارت علمی را در زمینه عنوان یا مفهوم علمی خود دریافته باشد نه براساس شناخت قبلی خود از این کلمه. با استفاده از دفتر تعاملی که دانش‌آموز دریافت‌های خود را در آن می‌نویسد، امکان اصلاح این بدفهمی‌ها فراهم می‌شود.

چالش‌های استفاده از دفتر یادداشت تعاملی

دفتر یادداشت تعاملی، در کنار تمام مزایایی که دارد، ممکن است معلم را با چالش‌هایی نیز مواجه کند. از جمله اینکه طراحی هدفمند دفتر یادداشت تعاملی کاری زمان‌بر است و معلم باید زمان زیادی را به طراحی آن اختصاص دهد. به علاوه، اجرای آن در کلاس به زمان زیادی - بیش از زمان معمول تدریس - نیاز دارد.

مشکل دیگری که ممکن است در استفاده از دفتر تعاملی با آن مواجه شویم، مقاومت دانش‌آموزان است. بچه‌ها معمولاً به محتوای آماده عادت کرده‌اند. به علاوه، عادت به نوشتن در میان آن‌ها چندان وجود ندارد و این‌ها، در ابتدای کار ممکن است در استفاده از دفتر تعاملی مانع ایجاد کنند.

البته باید توجه داشت که جا افتادن این رویه در کلاس، زمان‌بر است؛ چرا که برای دانش‌آموزانی که

دفتر یادداشت

تعاملی شبیه

کتاب دست‌نویس

دانش‌آموزان

است؛ مطالب مهم

درس، به زبان و

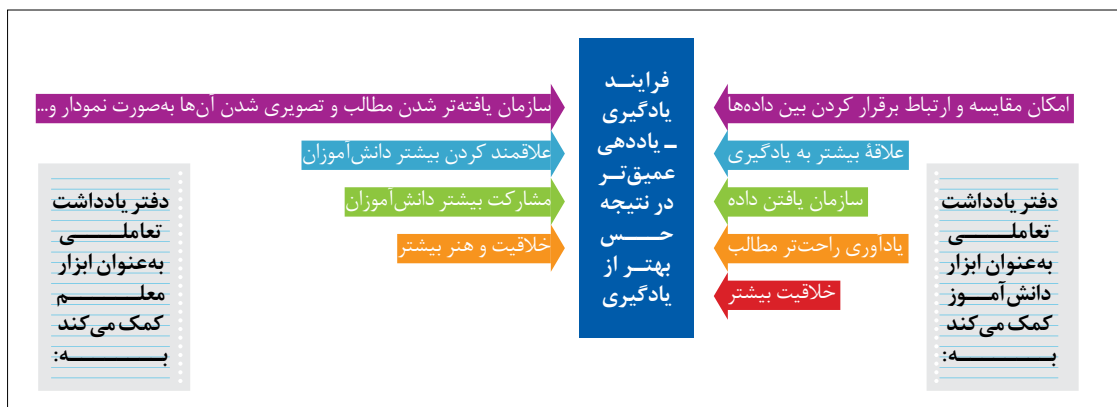
دست‌خط و هنر و

خلاقیت خودشان

نوشته می‌شود



شکل ۵



دفتر تعاملی
دانش آموزان را
تشویق می کند که
هنگام فکر کردن
بنویسند و آن ها
را به یادگیرندگانی
فعال تبدیل
می کند.
با استفاده از
دفتر تعاملی
که دانش آموز
دریافته های خود
را در آن می نویسد
امکان اصلاح
بدفهمی ها فراهم
می شود

امتحان می تواند خوب باشد.

- تصاویر کامل در ذهن می ماند و وقتی به دنبال نکته ها می گردم، خیلی سریع آن ها را پیدا می کنم.
- باعث شده است که با برنامه ای منظم و با روندی منطقی همه چیز را یاد بگیرم و موقع مرور هم این سیر حفظ شود.
- انگار تمام اتفاقاتی که در کلاس افتاده است، با دیدن هر صفحه تکرار می شود. جذابیت بیشتری هم پیدا کرده است.
- ۱. مطالب را بهتر یاد می گیرم؛ ۲. راحت تر آن ها را به ذهن می سپارم؛ ۳. برای پاسخ دادن به سؤال های مفهومی، از ایده های خودم بیشتر استفاده می کنم.

متوسطه ۱

- سر امتحان می توانم با ورق زدن دفترم همه چیز را دوره کنم. خیلی خوب است. فرقی با کاربرگ این است که شکل هایش متفاوت است و یادم می آید که چه بوده است.
- برای هندسه خیلی خوب بود؛ چون شکل های هندسی و تبدیل های هندسی داشتیم و شکل هایی که توی دفتر می چسبانیدیم، خیلی برایم جذاب بود و به یادگیری ام کمک می کرد.
- اینکه عجله نداشتیم و هر کس کار خودش را می کرد، خیلی خوب بود.
- قبلا دفترم خالی بود؛ چون نمی دانستم چی بنویسم و معلم هم جزوه نمی گفت ولی الان می دانم توی هر صفحه چی بنویسم.
- دفترم خیلی خوشگل شده!

*** بی نوشت ها**

1. interactive notebook
2. foldable
3. Graphic organizer
4. Dinah Zike

کاربرگ های قبلی طراحی شود اما دوست داشتم در هر کاربرگ جایی بگذارم برای اینکه بچه ها بنویسند که چه نکته ای به نظرشان مهم بوده است، چه چیزی را نفهمیده اند، کدام قسمت جالب تر بوده، چه نتیجه ای گرفته اند و

حس خیلی خوبی بود؛ انگار تجربه فصل قبل، مرا نسبت به اهمیت بازاندیشی بچه ها روی یادگیری حساس تر کرده بود. انگار اثربخشی آن را دیده بودم و دلم نمی آمد در فصل جدید نادیده اش بگیرم.

معلم فیزیک:

دفترچه تعاملی برای من یادآور چهره دانش آموزانی است که تا ۴ ماه بعد از اینکه دیگر از آن استفاده نکردیم، سراغ می گرفتند که خانم، دیگه سراغ دفترمون نمی ریم؟

من یک ترم توانستم از دفترچه تعاملی استفاده کنم؛ زیرا از جایی به بعد نرسیدم کاربرگ های مناسب طراحی کنم. مدیر مدرسه نیز معتقد بود با اینکه بچه ها این دفتر را دوست دارند ولی وقت کلاس را زیاد می گیرد.

باز خورد دانش آموزان:

آنچه در ادامه می آید نظرات دانش آموزان در دو کلاس ریاضی متوسطه ۱ و فیزیک متوسطه ۲ است که از دفتر تعاملی در بخشی از کلاس یا همه سال استفاده کرده اند.

متوسطه ۲

- مطالب سازمان یابی شده اند و فهم و درک آن ها راحت تر شده است.
- لازم نیست سر کلاس تمام وقتمان را به یادداشت برداری بگذرانیم و می توانیم با توجه و تمرکز بیشتر گوش بدهیم.
- باعث طبقه بندی مطالب می شود و جذابیت آن را بیشتر می کند؛ پس علاقه به درس خواندن باعث جذابیت تکالیف هم می شود. همچنین برای



نوشتن برای تقویت یادگیری

مرضیه مدنی رزاقی
پژوهشگر و مدرس انشا و نگارش

اشاره

چه وقت‌هایی به سراغ نوشتن می‌رویم؟ برای نوشتن نامه؟ برای نوشتن خاطره یا داستان؟ آیا نوشتن فقط مهارتی مربوط به زبان آموزی و مقولاتی است که با درس فارسی و انشا سر و کار دارند؟ اگر نوشتن را محصول تفکر بدانیم و آن را به هر نوع فکری که در مخیله ما می‌گنجد ربط دهیم، می‌بینیم که راه‌های زیادی پیش روی ماست.

دانش‌آموزان معمولاً برای ثبت دانسته‌های خود به سراغ نوشتن می‌روند. وقتی می‌نویسیم می‌خواهیم چیزهایی را که می‌دانیم و به آن‌ها باور داریم، روی کاغذ بیاوریم. برای نوشتن انشا، انجام دادن تکالیف، پاسخ دادن به سؤالات یا پر کردن جای خالی در تمرین‌های انواع کاربرگ‌ها، دانسته‌هایمان را روی کاغذ می‌نویسیم اما نوشتن می‌تواند وسیله‌ای باشد برای یادگیری چیزهایی که نمی‌دانیم و می‌خواهیم یاد بگیریم. نوشتن می‌تواند ابزار مهمی در یادگیری و تقویت آن در ذهن ما باشد.

خلاصه نویسی

یکی از راه‌هایی که نوشتن برای یادگیری درس‌ها پیش روی ما می‌گذارد، خلاصه‌نویسی

است. خلاصه‌نویسی مهارتی است که معمولاً در برنامه‌های کتاب‌خوانی به کار می‌رود. این روش، همان‌طور که می‌دانیم، برای درک و دریافت مفاهیم متن‌های روایی روش پرکاربرد و کارایی است. با خلاصه کردن یک داستان می‌توان عناصری چون شخصیت‌پردازی، فضا و مکان، طرح اصلی و حادثه را به دقت بررسی نمود و داستان را به عصاره و چکیده اصلی مفهوم آن نزدیک کرد. دقیقاً با استفاده از همین ویژگی خلاصه‌نویسی است که می‌توان آن را برای یادگیری دروس مختلفی چون ریاضی، علوم و اجتماعی در همه دوره‌های تحصیلی به کار برد.

از آنجا که خلاصه‌نویسی در ماهیت خود با عصاره و محتوای اصلی هر متن سر و کار دارد، با درک عمیق مفهوم متن به‌طور مستقیم در ارتباط است. وقتی در انتهای یک جلسه از کلاس ریاضی یا علوم از دانش‌آموزان می‌خواهیم که در مدت پنج دقیقه خلاصه درسی را که در همان جلسه به آن‌ها آموزش داده شده است در چند سطر بنویسند، آن‌ها را با ماهیت درس و محتوای آن روبه‌رو کرده‌ایم.

این تمرین نوشتاری در درجه اول به خود دانش‌آموز نشان می‌دهد که چقدر به مطلب

درسی احاطه پیدا کرده، کدام بخش‌های آن را به درستی متوجه نشده و چه سؤال‌هایی در ارتباط با این درس در ذهن او ایجاد شده است. اهمیت این تمرین در مرحله بعدی این است که از میزان یادگیری دانش‌آموز اطلاعات مفید و قابل اتکایی برای معلمان فراهم می‌سازد. لازم است پس از تمرین خلاصه‌نویسی، زمانی را به مطالعه نوشته‌های دانش‌آموزان اختصاص دهیم. در این صورت، می‌توانیم این نوشته‌ها را مانند آزمونی اساسی برای اولین و دقیق‌ترین ارزیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان در نظر بگیریم. با مطالعه این نوشته‌ها می‌توان اشکالات یادگیری را در مراحل اولیه آن شناسایی کرد و کارهایی را که برای اصلاح یادگیری و رفع برداشت‌های اشتباه از درس لازم است، انجام داد یا اینکه با کسب اطمینان از یادگیری کامل درس، فعالیت‌های مرتبط بعدی را برای تقویت و گسترش محتوای درسی در ذهن دانش‌آموزان طراحی کرد. تمرین خلاصه‌نویسی برای یادگیری دروس می‌تواند به شکل فردی یا گروهی باشد و یا در جمع کلاس صورت بگیرد. به کارگیری مهارت خلاصه‌نویسی به آموزش دقیق نیاز دارد. قواعد خلاصه‌نویسی باید مرحله به مرحله آموخته شود تا تعریف روشن و مشخصی از آن در ذهن تک تک دانش‌آموزان ایجاد گردد. این مراحل برای آموزش و تمرین خلاصه‌نویسی مناسب به نظر می‌رسد.

قواعد خلاصه‌نویسی

در ابتدا از بچه‌ها بخواهید متنی را که برایشان - چه از کتاب درسی چه از مطالب خارج از کتاب - انتخاب کرده‌اید مطالعه کنند یا در صورت برنامه‌ریزی شما، به فایل صوتی آن گوش دهند. پس از آن، این موارد را مرحله به مرحله از آن‌ها بپرسید و پاسخشان را در کلاس بررسی کنید:

۱. موضوع و فکر اصلی متن چیست؟
۲. کدام یک از اطلاعات موجود در متن برای پرورش موضوع اصلی آن ضروری و لازم‌اند؟
۳. کدام یک از اطلاعات را می‌توان بدون اینکه به موضوع اصلی نوشته لطمه‌ای بخورد، از متن حذف کرد؟
۴. کلمات یا عبارت‌های مهم و کلیدی را که دربردارنده موضوع اصلی متن هستند، مشخص کنید.

در مرحله پایانی، با این مواد که از پاسخ به سؤالات فراهم شده است می‌توان متن خلاصه را تهیه کرد. برای درک بهتر این مراحل، بهتر است ابتدا برای الگوسازی، متنی را در کلاس و در حضور دانش‌آموزان با رعایت دقیق مراحل و جزئیات، خلاصه کنید. در تمرین‌های اولیه، دانش‌آموزان می‌توانند متن چرک‌نویس خلاصه فردی خود را در فعالیتی گروهی برای یکدیگر بخوانند و پس از بحث و بررسی، اشکالات خود را رفع، و آن را پاک‌نویس کنند.

یکی دیگر از کاربردهای نوشتن برای یادگیری درس‌ها، یادداشت‌برداری از نکات مهم درس است. یادداشت‌برداری به دانش‌آموزان کمک می‌کند که در یک متن نوشتاری یا یک سخنرانی، نکات مهم و اطلاعات لازم را شناسایی کنند. ضمن یادداشت‌برداری، اطلاعات استخراج‌شده باید با نظم خاصی دسته‌بندی و کدگذاری شوند. یادداشت‌برداری به یادگیری مطالب درسی کمک می‌کند و مواد لازم برای مطالعه درس‌ها را در مراجعات بعدی به یادداشت، فراهم می‌آورد. یادداشت‌برداری شامل تهیه فهرست و رسم نمودارهایی مانند نمودار خوشه‌ای نیز می‌شود. برای اطمینان یافتن از یادگیری دانش‌آموزان یا پیگیری یادگیری آن‌ها در مراحل مختلف، می‌توانیم در پایان درس از بچه‌ها بخواهیم که برداشت خود را از آن درس در چند کلمه یا با تهیه نموداری از مفاهیم مهم درسی که به تازگی آموخته‌اند، بیان کنند.

خلاصه‌نویسی و یادداشت‌برداری طبیعتی یکسان دارند: در هر دو باید اطلاعات اصلی را از جزئیات کم کاربرد جدا کرد، که لازمه آن درک صحیح محتوای درسی است. در هر دوی این مهارت‌ها، نوشتن به ما کمک می‌کند تا اطلاعات لازم و اصلی را از اطلاعات فرعی‌تر جدا کنیم، به محتوای اصلی درس دست یابیم، مطالب را براساس اهمیت و ارتباطشان دسته‌بندی و منظم کنیم، و آن‌ها را با بیانی رسا و قابل درک یادداشت کنیم. ضمن این کار، مطالب را به خوبی به ذهن بسپاریم تا حین مطالعات درسی بتوانیم از یادداشت‌ها و خلاصه‌برداری‌های خود به خوبی استفاده کنیم. خلاصه‌نویسی و یادداشت‌برداری برای ایجاد ارتباط میان مفاهیم درسی و منسجم کردن مطالب آموزشی مختلف نیز کاربردی اساسی دارد.

وقتی در انتهای
یک جلسه از
کلاس ریاضی
یا علوم از
دانش‌آموزان
می‌خواهیم که در
مدت پنج دقیقه
خلاصه درسی
را که در همان
جلسه به آن‌ها
آموزش داده شده
است در چند
سطر بنویسند،
آن‌ها را با ماهیت
درس و محتوای
آن روبه‌رو
کرده‌ایم

باورشان کنیم می نویسند!

گفت و گو با نفیسه علیقلی، آموزگاری که
با دانش آموزان خود ۲۰۰ داستان مفهومی پدید آورد

سیداصلاح مرتضایی

اشاره

در واپسین روزهای ماه دوم زمستان ۹۶، از سوی خانم دکتر رضوان حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، در زمینه تغییر رویه ارائه پیکهای نوروزی دستورالعملی خطاب به ادارات آموزش و پرورش استانها صادر شد. مفاد این دستورالعمل، که با صحبتها و مصاحبههای مطبوعاتی گوناگون خانم حکیمزاده نیز همراه شده بود، حاکی از این بود که پیکهای نوروزی معمول که همهساله ادارات کل استانی به صورت متمرکز بین مدارس ابتدایی استانها توزیع کنند، کارایی خود را از دست داده اند و باید طرحی نو در افکند. طرح جدید، سوق دادن دانش آموزان به «داستان نویسی» بود؛ یعنی فعالیتی در زمینه نوشتن.

اما مشکلاتی هم بر سر راه بود، توجیه عوامل استانی و کلی بودن مفاد دستورالعمل، به ویژه اینکه درباره چه چیزی داستان بنویسند، چشمش چقدر باشد، در چه گونه ای باشد، در کدام درس دوره ابتدایی اجرا شود، به طور مستقیم به دروس مربوط باشد یا دانش آموزان آزادی عمل بیشتری در نوشتن داشته باشند. برخی از کارشناسان معتقد بودند وقتی دانش آموزان ایرانی در زمینه سواد خواندن

وضعیت مطلوبی ندارند و در آخرین آزمون جهانی پرلز، ایران حتی تنزل رتبه داشته است، باید بیش از نوشتن روی خواندن سرمایه گذاری شود. وقتی دانش آموزان کمتر به خواندن کتابهای غیردرسی سوق داده می شوند، وقتی کتابخانههای مدارس در زمینه مواد آموزشی و خواندنیهای مناسب فقیرند، وقتی معلمان ما خود درباره خواندن اثربخش کمتر می دانند و با تکنیکهای توسعه سواد خواندن خیلی ندارند، درخواست نوشتن خلاق از دانش آموزان دشوار و بیهوده به نظر می رسد.

به هر حال و در هر صورت، دستورالعمل صادر شده بود و استانها به صورت مستقل یا از طریق ادارات زیرمجموعه خود مجبور بودند دانش آموزان را به نوشتن وادارند. براساس بررسیهای به عمل آمده، توجه به دستورالعمل وزارتی از چیزی نزدیک به صفر در برخی استانها تا وضعیت قابل قبول در تعداد دیگری از استانها قابل مشاهده بود. این طرح در برخی مناطق و استانها به اجرا درآمد، اما در تعدادی از استانها ناشناخته باقی ماند و مسئولان و معلمان با گفتن «نمی شود!»، «نمی نویسند!»، «نمی توانیم!» و ... از اجرای آن سر باز زدند.

اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهری، از نواحی تحت پوشش اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران، از جمله مناطقی بود که طرح





نگارش داستان توسط دانش‌آموزان در دوره ابتدایی را به اجرا گذاشت و با گستره‌های متفاوتی از اجرای حداقلی تا طرح‌های خلاقانه روبه‌رو شد.

برای آشنایی با این طرح، با یکی از آموزگاران که در اسفند ۱۳۹۶ و فروردین ۱۳۹۷ این طرح را در کلاس‌های خود با موفقیت به اجرا گذاشته است، گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ لطفاً خودتان را معرفی کنید.

● نفیسه علیقلی هشتم و ۲۷ سال سابقه تدریس در دوره ابتدایی دارم. در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در دبستان امام خمینی (ره) ناحیه یک شهر ری در ۶ کلاس پایه ششم، ریاضیات تدریس می‌کردم و در حال حاضر در دوره کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنم.

■ چرا ۶ کلاس؟

● مدرسه ما مجری طرح شناور بود و من در هر ۶ کلاس ششم ابتدایی مدرسه خودمان، ریاضیات درس می‌دادم. تدریس دروس دیگر به عهده سایر همکارانم بود.

■ چگونه از طرح داستان‌نویسی توسط دانش‌آموزان در ایام نوروز باخبر شدید؟

● ابتدا موضوع را از رسانه‌ها شنیدم و خواندم. بعد، در شورای مدرسه موضوع را با ما در میان گذاشتند. با وجود اینکه ده روز از اسفندماه گذشته بود و تقریباً کسی از چگونگی اجرای طرح خبر نداشت، من از آن استقبال کردم.

■ به چه دلیل؟

● من از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کنم و همواره سعی دارم از شیوه مفهومی برای آموختن ریاضیات بهره ببرم. بنابراین، راهبردهای تمرین و تکلیف متعددی را به اجرا می‌گذارم که به مفهومی‌تر شدن موضوعات درسی‌ام بیشتر یاری برساند. با خود فکر کردم شاید نگارش داستان هم بتواند شیوه خوبی برای مفهومی کردن آموزش‌هایم باشد. جالب بود که نه دستورالعمل ارسالی و نه هیچ فرد دیگری، نمی‌توانستند در مورد چگونگی اجرا به من کمک کنند. پس، خودم دست به کار شدم و چند منبع خوب در زمینه نگارش خلاق را مطالعه کردم و از برخی مؤلفان کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان کمک خواستم. هر چند اکثر آن‌ها معتقد بودند برای یک مورد نوشتن، باید لااقل ده مورد خواند یا شنید، ولی من وقت کمی داشتم و قبل از پایان اسفند و شروع تعطیلات عید، باید دانش‌آموزانم را توجیه می‌کردم تا ابتدا بررسی و فکر کنند و سپس به تدریج نوشتن را شروع کنند.

■ چرا از هم‌پایه‌ای‌ها و سایر همکاران مدرسه خودتان کمک نگرفتید؟

● این طرح را فقط من به‌صورت جدی اجرا کردم. بقیه از بچه‌ها خواستند که داستانی بنویسند. همین.

■ خب، چه کردید؟

● طی پنج ماهی که از سال تحصیلی گذشته بود، با علایق، استعدادها و توانمندی‌های بچه‌ها آشنا شده بودم. می‌دانستم آن‌ها به چه موضوعاتی بیشتر گرایش دارند. تا یادم نرفته است بگویم که مدرسه محل خدمتم، دبستانی دولتی با شمار زیادی دانش‌آموز افغان و مهاجر از شهرهای دور و نزدیک ایران است که البته استعداد در آن‌ها موج می‌زند. از هر دانش‌آموز خواستم یکی از موضوعات کتاب درسی ریاضیات را که بیشتر دوست دارد، انتخاب کند و در مورد آن داستانی بنویسد. به آن‌ها یادآوری کردم

که داستان‌شان می‌تواند واقعی، تخیلی، ترسناک، نمایشنامه‌ای و حتی با قهرمانانی چون آدم فضایی‌ها، حیوانات، آدم بزرگ‌ها و موجودات ناشناخته باشد. دو سه نمونه از داستان‌های علمی در دسترس را هم برایشان خواندم. از بچه‌ها خواستم تا قبل از عید پیش‌نویس داستان‌شان را بیاورند تا من ببینم. این‌گونه شد و همه داستان‌ها را یک بار خواندم و رهنمودهای خودم را در زمینه بهبود آن‌ها ارائه دادم.

■ داستان‌های اولیه چگونه بودند؟

● در حد طرح‌هایی خام، آشفته و فاقد ویژگی‌های داستان. در هر حال، این اولین باری بود که آن‌ها چنین کاری را انجام می‌دادند ولی بعد از عید و دیدن دوباره داستان‌ها و اصلاحات تدریجی، داستان‌ها به طرف پخته شدن پیش رفتند. جالب بود

خودم دست به کار شدم و چند منبع خوب در زمینه نگارش خلاق را مطالعه کردم و از برخی مؤلفان کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان کمک خواستم

که خودم هم پایه‌پای بچه‌ها پیش می‌رفتم. در آخر فروردین ماه، شش مجله داستان ریاضی داشتم از ۲۰۰ پسر کل کلاس‌هایم؛ حاصل کار باورکردنی نبود و البته برای بچه‌ها شیرین و لذت‌بخش بود. در گفت‌وگویی که در دفتر با همکارانم داشتم، در جواب آن‌ها که از ناتوانی بچه‌ها در نوشتن حرف می‌زدند، گفتم اگر باورشان کنید، می‌نویسند.

■ در مجموع، خودتان از این کار راضی بودید؟

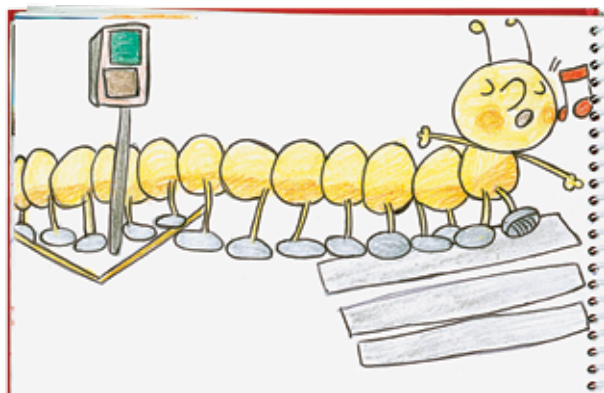
● بله. امسال قصد دارم از ابتدای سال تحصیلی گزینه نوشتن خلاق را به مجموعه تمرین‌های انفرادی کلاس‌هایم اضافه کنم. البته سعی خواهم کرد یک کتابخانه کوچک داستان‌های علمی آموزشی هم در کلاس‌هایم راه بیندازم و دانش‌آموزانم را وادار کنم که قبل از نوشتن بخوانند؛ خیلی زیاد. از مسئولان وزارتی و استانی و منطقه‌ای هم می‌خواهم از صدور بخشنامه‌های حاوی کلی‌گویی بپرهیزند و ترتیبی اتخاذ کنند که معلمان علاقه‌مند دلسرد نشوند. تولید ۲۰۰ داستان علمی توسط بچه‌ها، هر چند برخی از آن‌ها ضعیف یا حتی بسیار ضعیف‌اند، کار سختی بود و زحمت مضاعفی برایم ایجاد کرد ولی بسیار لذت‌بخش بود. انتظار دارم این قبیل کارهای ما معلمان در سراسر کشور دیده شود.

البته با اجرای این طرح در مدرسه، نگرش جدیدی در خود من ایجاد شده است و آن اینکه به دنبال کتاب‌های داستانی خوب در این زمینه برای بچه‌ها هستم و حتی اگر پیشنهادم مورد توجه قرار گیرد، نظرم این است که نویسندگان خبره کودک و نوجوان کشورمان، از معلمانی مانند من برای انتخاب و پرداخت سوژه کمک بگیرند. فکر می‌کنم بعد از دو سه دوره اجرای این طرح در کلاس‌هایم، بتوانم نمونه‌هایی از داستان‌های بچه‌ها را برای انتشار آماده سازم.

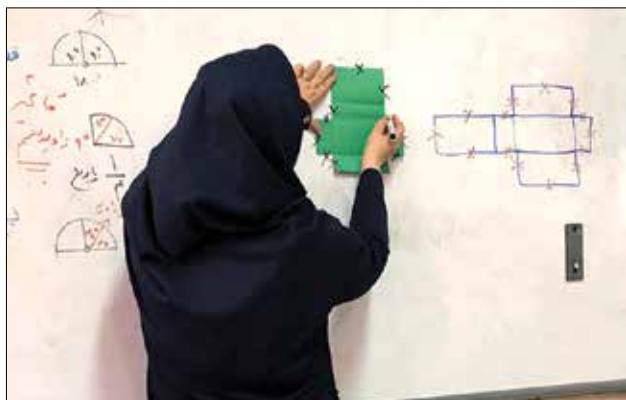
➡ هزارپا و کفش‌هایش

هزارپا به کفشی رفت؛ درست است که به او هزارپا می‌گفتند ولی خودش واقعا نمی‌دانست هزار پا دارد یا نه. او نمی‌دانست چند جفت کفش لازم دارد؛ به‌خاطر همین، یک گونی کفش خرید و به خانه برد ولی هر کاری کرد نتوانست کفش‌هایی برای پاهایش انتخاب کند. فکر می‌کرد کفش کم خریده است؛ چون هر چقدر کفش‌ها را می‌چید، باز جور نمی‌شد. وقت مدرسه رفتن شده بود ولی هنوز بعضی از پاهایش بدون کفش بودند.

حسابی گیج و کلافه شده بود. در خیابان به راه افتاد؛ با کفش‌هایی که به پا کرده بود و کفش‌هایی که آن‌ها را داخل گونی ریخته بود. موقع راه رفتن، پاهایی که بدون کفش بودند حسابی اذیتش می‌کردند. هزارپا ناامید شده بود؛ از اینکه نمی‌دانست چه‌جوری کفش‌ها را بپوشد تا هیچ کدام از پاهایش بدون کفش نماند، کلافه شده بود و دنبال راه حل می‌گشت. وقتی معلم ریاضی‌شان، خانم سوسکه، او را دید، بلافاصله به او



هزارپا و
کفش‌هایش



پیشنهاد کرد که از قانون بخش پذیری کمک بگیرد و کفش‌ها را از روی مدلشان، به صورت دو به دو (جفت به جفت) و با کمک اعداد زوج برای تعداد پاهایش جور کند. او فهمید اگر پاهایش را دو تا دو تا با یکدیگر هم‌ارز در نظر بگیرد، باید از اعداد زوج برای جور کردن کفش‌هایش استفاده کند تا هیچ پایی بدون کفش نماند.

هزارپا این‌گونه از سردرگمی نجات پیدا کرد.
نوشته دانش‌آموز معین عبدالرحیمی - ۶/۲

جنگ سپید و سیاه

محمدپارسا خالقی

در صفحه‌ای دو ارباب حکومت می‌کردند: سیاه سپاهیان و سپید سپیدیان. در بازی شطرنج اما به جای ۶۴ خانه، ۱۴۴ خانه یا 12×12 خانه مکعب یا مربع کوچک بود. آن‌ها دو قلمرو داشتند؛ از مختصات $\begin{bmatrix} 0 \\ 6 \end{bmatrix}$ تا مختصات $\begin{bmatrix} 12 \\ 6 \end{bmatrix}$ مرز بین این دو، قلمرو خیر و شر بود. حاکم قلمرو سپاهیان x یا حاکم بدی‌ها و حاکم قلمرو سپیدیان ارباب Π یا حاکم خوبی‌ها بود. این دو قلمرو، همواره بر سر بردن در این بازی با هم جدال می‌کردند. هر حاکم ۸۰ سرباز داشت: شاه، وزیر، ۵ اسب، ۵ فیل، ۳ قلعه، ۱ گول و یک جادوگر از سربازان ویژه و ۵۴ سرباز معمولی، اما قدرت اصلی هر سپاه، نه شاه، نه وزیر، نه گول، بلکه جادوگرش بود. در جنگ، هر سپاه باید برای تصاحب قلمرو دیگری تلاش می‌کرد. سپیدیان که خوب بودند، علامت + و سپاهیان که بد بودند، علامت - داشتند. همه چیز بین این دو سپاه مساوی و برابر بود، به جز قدرت، مهارت و جان جادوگرها. جادوگر سپید با ۱۲۴+ جان و جادوگر سیاه، با ۱۱۹- جان رقیب دیرینه یکدیگر بودند.

روزی جنگی بین دو سپاه پدید آمد. طبق رسم اجداد، اول باید دو شاه، بعد دو وزیر و بعد جادوگران و سربازان می‌جنگیدند. جنگ شروع شد. اول دو شاه شمشیر به دست مبارزه را شروع کردند. حاکم x می‌توانست نامرئی شود و حاکم Π می‌توانست خودش را تله‌پورت کند. حاکم x نامرئی شد و حاکم Π مدام خود را در دایره‌ای به شعاع ۳ متر، قطر ۶ متر و مساحت $28/26$ مترمربع تله‌پورت می‌کرد تا حاکم x نتواند فرار کند. بالاخره حاکم x در مختصات $\begin{bmatrix} 6 \\ 6 \end{bmatrix}$ که در نیمساز مبدأ مختصات بود، گیر افتاد. دو وزیر هم در مختصات $\begin{bmatrix} 10 \\ 6 \end{bmatrix}$ به مصاف یکدیگر رفتند و آنگاه گول‌ها به سراغ قلعه‌های یکدیگر و خود سربازان رفتند.

داستان به همین زیبایی ادامه می‌یابد به دلیل کمبود جا از درج ادامه آن در مجله خودداری کرده‌ایم.

برای درس خود شعار تبلیغاتی بنویسیم

رودابه کمالی

مدرس کارگاه داستان نویسی

- ایهام؟
 - استفاده مؤثر از کلمات؟
 - مختصر بودن؟
 - استفاده از زبان رایج یا اصطلاحات؟
- همه این‌ها می‌توانند راز ماندگاری یک شعار باشند. شعاری که از سال‌های دور در ذهن من مانده، شعار تبلیغی یک نوع نوار کاست است: «تنها صداست که می‌ماند».
- در این تبلیغ از بخشی از یک شعر شاعره معاصر استفاده بسیار مؤثری کرده‌اند؛ به گونه‌ای که همه نکات بالا در آن به چشم می‌خورد.

هر درس به مثابه یک برند

تصور کنید که هر یک از درس‌ها یک برند معتبر است؛ عرصه رقابت این برندها هم بسیار تنگ است و قرار است شما برای درس مورد نظرتان یک شعار تبلیغاتی بنویسید؛ شعاری که توجه مخاطبتان را به خود جلب کند و در عین حال، پرشور و انگیزاننده، زیبا و خوش‌آهنگ و کوتاه و مختصر باشد.

برای نوشتن شعار تبلیغاتی، ابتدا تجسم و تخیلتان را به کار بیندازید. سپس درستان را یک شخصیت انسانی فرض کنید و بعد به پرسش‌نامه روبرو پاسخ دهید.

(جالب است بدانید که در یک دبیرستان دخترانه، کارگاه برندنویسی اجرا شد و دبیران درس‌های مختلف پاسخ‌های جالب و متنوعی به این پرسش‌نامه دادند. برای مثال، درس

نوشتن همیشه سخت است. شغل من نوشتن و آموزش نوشتن است. به واسطه شغلم، هر وقت پای نوشتن به وسط می‌آید مردم سراغم را می‌گیرند و حالا فرقی هم برایشان نمی‌کند که نوشتن کارت عروسی باشد یا نامه عاشقانه، درخواست وام یا تسلیت برای روزنامه. همیشه هم شکایت از نوشتن و سختی نوشتن، موضوع اصلی بحث است. کسانی که از نوشتن شکایت می‌کنند، اغلب می‌گویند که نمی‌دانند از کجا شروع کنند و چگونه فکرشان را دسته‌بندی کنند و چگونه هجوم کلمات را مهار کنند. از شما چه پنهان، من هم وقتی قرار است چیزی بنویسم تمام واژه‌ها به مغزم هجوم می‌آورند، تپش قلب می‌گیرم و دچار وحشت می‌شوم که چگونه این همه فکر را در قالب کلمات بریزم؛ طوری که خوش‌خوان و قابل درک باشد. در سیر آموزش انشا و کارگاه‌های نوشتن و تجربه‌های شخصی نوشتن، متوجه شده‌ام قدم اول دوستی با نوشتن، کوتاه‌نویسی است. هر چقدر قالب نوشته کوتاه‌تر باشد، نوشتن آسان‌تر می‌شود و چالش شروع آن کمتر است. به تجربه متوجه شده‌ام کسانی که معمولاً در نوشتن مطالب طولانی رشته کار از دستشان در می‌رود و دچار پراکندگی در بیان مطلب می‌شوند، در نوشتن مطالب کوتاه با انگیزه عمل می‌کنند و خوب می‌نویسند. سرعت زندگی و هجوم اطلاعات هم میل به کوتاه‌نویسی و کوتاه‌خوانی را بیشتر کرده است؛ تا جایی که اخیراً داستان‌های کوتاه ده‌کلمه‌ای رایج شده است. تصویرنویسی، طرح، هایکو و شعار تبلیغاتی از انواع نوشته‌های کوتاه است.

واقعیت این است که کوتاه‌نویسی یک متناقض‌نماست و همان قدر که سخت و دقیق به نظر می‌رسد، راحت و کم‌دردسر هم هست. تعداد واژه‌ها و انتخابشان در کوتاه‌نویسی بسیار اهمیت دارد. پرورش نوشته، اصلاح و نهایی کردن آن هم آسان و سهل‌الوصول است.

برای تمرین کوتاه‌نویسی، خوب است از مهارتی که در این دهه بسیار مهم و پرکاربرد است شروع کنیم: برندنویسی یا نوشتن شعار تبلیغاتی.

چند شعار تبلیغی را که در ذهنتان ماندگار شده است، به یاد بیاورید.

- چه نکته‌ای در این شعارها آن‌ها را ماندگار کرده است؟
- مربوط بودن به موضوع؟



زمین‌شناسی نام مهربانو و دبیر جغرافیا نام فرامرزبانو را برای شخصیت درس‌هایشان انتخاب کرده بودند. تکیه کلام درس ریاضی «بیشتر فکر کن» بود. درس زیست‌شناسی برون‌گرا بود، درس فلسفه درون‌گرا و ... به شخصیتی که خلق کرده‌اید نگاه کنید و ببینید که مستقل از شما و مستقل از درس شماست. در این مرحله، برای این شخصیت مستقل سه صفت بنویسید.

(نگارش: پرحرف، تیزبین، احساساتی/ هندسه: دقیق، مرتب، ساده/ اجتماعی: اهل بحث، مصلح، دردمند/ دینی: محقق، قابل اعتماد، با سعه صدر/ مشاور: رازدار، صمیمی، همدل...)

در قدم بعدی، برای شخصیتی که خلق کرده‌اید، سه قید همراه با سه فعل بنویسید. دقت کنید که در اینجا منظور از قید کلمه‌ای است که فعل را مقید می‌کند.

مثال: صبورانه گوش می‌دهد، کند حرف می‌زند، تند راه می‌رود.

اکنون به شخصیتی که خلق کرده‌اید، نگاه کنید و صفت‌ها و قیدهایش را مرور کنید. کارایی و مزیت اصلی این شخصیت چیست؟

کدام صفت یا قید او را منحصر به فرد می‌کند؟ سعی کنید درباره او جمله‌ای بنویسید.

(مثال از یک معلم ریاضی: او کنجکاوانه جلوتر از بقیه حرکت می‌کند؛ بی آنکه به برد بیندیشد).

جمله‌تان را با دقت بخوانید و تصحیح کنید. سعی کنید از مؤثرترین کلمات استفاده کنید.

این مرحله کار بسیار دقیق است و به تمرکز نیاز دارد. برای مثال، ممکن است کلمات پیشرو و موفق، نزدیک به هم به نظر بیایند اما کلمه‌ای را انتخاب می‌کنیم که از همه کلمه‌ها به مفهوم مورد نظرمان نزدیک‌تر باشد.

درس:	
جنسیت:	
نام:	
سن:	
شغل:	
ورزش مورد علاقه:	
تیپ و ظاهر:	
درون‌گرا/ برون‌گرا	
جدی/ شوخ	
تکیه کلام:	
دیگران درباره او چه می‌گویند؟	

اکنون سعی کنید درباره او که منحصر به فرد است و کارایی ویژه‌ای دارد، شعار تبلیغاتی بنویسید.

معلم ریاضی مثال بالا، این جمله را نوشت:

ریاضی همیشه پرچمش بالاست.

دقت کنید که هر شعار تبلیغاتی باید چهار ویژگی داشته باشد:

- متمایز کننده باشد؛

- به مزیت اصلی‌اش توجه شود؛

- قابلیت به یادسپاری داشته باشد؛

- خوش‌آهنگ، ساده و مختصر باشد.

شعار خود را با ویژگی‌های بالا بسنجید؛ آیا همه این ویژگی‌ها را دارد؟

چند نمونه از شعارهای تبلیغاتی دبیران:

زمین‌شناسی: زیر پایت را نگاه کن.

دینی: از آتن تا اورشلیم

فلسفه: قصه رنج‌های پرشکوه

اجتماعی: فراتر از مرزها به خود و دیگران

می‌اندیشم

فیزیک: جریان شناخت از ذره تا کهکشان‌ها

شیمی: درون خود را بنگر، شیرینی دنیا را

مزه مزه کن

ادبیات: شعار دو قسمتی:

قسمت اول: بیا بیا که مرا با تو ماجرای هست

قسمت دوم: رفیق بی‌کلک ادبیات

زیست: یک جوانه، یک رویش، یک زندگی

نگارش: شعار دو قسمتی:

قسمت اول: رها کن ذهن‌ت را

قسمت دوم: به تماشای جهان بنشین

ریاضی: استدلال، صبوری، تفکر ریاضی

عربی: از آنچه فکر می‌کنید به شما نزدیک‌تر است

شعار تبلیغاتی نوشتن یا برند نویسی تنها یک نوع نوشتن در حوزه بازاریابی نیست. می‌توان این مهارت پر کاربرد را آموخت و از آن در حوزه‌های دیگر لذت برد.

از همین امروز می‌توانیم به همه اتفاقات، پدیده‌ها و موضوع‌های اطرافمان به چشم یک برند نگاه کنیم و هر روز یک شعار انگیزاننده و مؤثر برای خودمان، کلاسمان و روزگارمان بنویسیم.

* بی‌نوشت

*** این مقاله بدون ذکر نام و تشکر از این عزیزان کم لطف خواهد شد. خانم لعیا بیدگلی که برند نویسی را از ایشان آموختم. خانم‌ها مرضیه مدنی رزاقی، بهدخت نژاد حقیقی و مدیران متوسطه یک، دو و گروه‌های آموزشی مؤسسه منظومه خرد.

می‌توانیم به همه
اتفاقات، پدیده‌ها
و موضوع‌های
اطرافمان به
چشم یک برند
نگاه کنیم و هر
روز یک شعار
انگیزاننده و مؤثر
برای خودمان،
کلاسمان و
روزگارمان
بنویسیم

وری ، تفکر ریاضی

ننوشتن

همین و تمام!

رویا صدر

تصویرگر: سام سلماسی



🖱 کتاب کوبیده با گوجه اضافه

این کتاب که به شیوه روزآمدسازی حکایات فولکلوریک نوشته شده، به بازگویی خاطراتی می‌پردازد که مثل خوره روح و جان راوی را خورده و از هضم رابع گذرانده است. با هم حکایتی از این کتاب را می‌خوانیم.

روزی، روزگاری کتابی از کتابخانه بیرون آمد که خواننده پیدا کند. کمی که رفت، دید تا چشم کار می‌کند شاگرد مدرسه است که نشسته پای موبایل و لپ‌تاپ و دریغ از یک ذره خواندن و نوشتن. کتاب رفت نشست کنار یک دانش‌آموز. این‌ور و آن‌ور را نگاه کرد بلکه کتابی گیر بیاورد، اما هرچه چشم انداخت چیزی پیدا نکرد. او که حسابی حرصش گرفته بود گفت: «ای دانش‌آموز! چرا تو اهل خواندن کتاب نیستی؟» دانش‌آموز با تعجب گفت: «اگر من اهل خواندن و نوشتن بودم، می‌بایستی معلم هم اهل خواندن و نوشتن بود.» کتاب رفت سراغ معلم. گفت: «ای معلم! چرا تو اهل خواندن و نوشتن نیستی که شاگردت هم اهل خواندن و نوشتن نباشد؟» معلم گفت: «اولاً درست حرف بزن و ادب داشته باش. در ثانی، اگر من اهل خواندن و نوشتن بودم می‌بایستی استاد هم اهل خواندن و نوشتن بود.» کتاب رفت سراغ استاد دانشگاه. گفت: «ای استاد! تو چرا اهل خواندن و نوشتن نیستی که معلمت هم اهل خواندن و نوشتن نباشد که شاگردش هم اهل خواندن و نوشتن نباشد؟» استاد که از این همه خواندن و نوشتن سردرد گرفته بود و نمی‌دانست کار ممکن است به کجاها بکشد، گفت: «این مسئله خیلی ریشه‌دار است و من مقاله‌ای در این زمینه کی - پیست کرده‌ام که به‌زودی در نشریات جهانی و منطقه‌ای منتشر می‌کنم و شما هم دخالت نکن و برو سر معرفی کتاب بعدی...»

چند می‌گیری برایم مقاله بنویسی

این کتاب روایتگر زندگی خستگی‌ناپذیر یکی از خادمان بزرگ فرهنگ و دانش در جوامع بشری میرزا مظفر بیدهندی (م - ه - شاخ شمشاد) است؛ همو که با دستمزدی ناچیز سفارش مقاله قبول می‌کند تا دانش‌آموزان و دیگر دوستان و آشنایان از راه‌های دور و نزدیک، بتوانند درجات تحصیلی و شغلی‌شان را بالا ببرند و بدین‌وسیله نویسنده را در تهیه مبلغ اجاره‌خانه یاری نمایند. این کتاب را «انجمن دلسوختگان اوقات فراغت بشری» چاپ کرده است. خواندن آن به کلیه کسانی که دوست ندارند ایام فراغت گران‌بهایشان را با نوشتن هدر دهند، توصیه می‌شود.

حلو حلو کردن مرغ مقلد

این کتاب با محوریت روش‌های کور کردن خلایق دانش‌آموزان در زنگ نگارش سامان یافته است. بخش اول کتاب تحت عنوان «گور بابای خلایق» به معلمان آموزش می‌دهد که چگونه با موضوعات تکراری و کلیشه‌ای غول خلایق را در بچه‌ها بکشند و آن‌ها را از شر آن تا ابد راحت کنند. بخش دوم کتاب که با اتکا بر نظریات انشائویی انسان‌های نئاندرتال سامان یافته، نشان می‌دهد چگونه می‌توان تحت تأثیر تجربیات فردی، کتاب درسی نوشت و با رویکرد به آموزه‌های زنگ نگارش دوران غارنشینی، روحیه احترام به نیاکان را از همان ابتدا در دانش‌آموزان نهادینه کرد. بخش سوم تحت عنوان «غلط بنویسیم» شامل هزار و پانصد الگوی انشا برگرفته از نوشته‌های دانش‌آموزان است و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با همان زبان محاوره‌ای تلگرامی و تلگرافی، شاخ غول نوشتن انشا را شکست و نمره گرفت.

چه کسی جاخالی‌های تکالیفم را پر کرد

کتابی است شامل هفتصد و هشتاد راهکار برای جلوگیری از ضایع کردن وقت و فکر دانش‌آموزان که با خلاصه‌نویسی، گزارش‌نویسی، جزوه‌نویسی، یادداشت‌نویسی و دیگر نویسی‌های عالم بشریت به هدر می‌رود. این کتاب که به وسیله مش قنبر مال‌میرآبادی (م - ر - پریچهر) به زیور طبع آراسته شده، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با اتکا بر «طرح سؤال با مکانیزم جاخالی گذاشتن»، از هر نوع فکر کردن آزاد دانش‌آموزان دلبند جلوگیری کرد. استفاده از این کتاب به معلمانی که می‌ترسند دانش‌آموزانشان با ارتکاب به عمل نوشتن، خدای ناکرده به ضعف‌های درسی‌شان پی‌برند و بدین‌وسیله سرخورده و دپرس شوند و به دام اعتیاد بیفتند، توصیه می‌شود.

مدادت را قورت بده

این کتاب که شامل واریسی زوایای کتاب «سنجش خرد ناب» دکارت است، چهارصد و پنجاهمین کتابی است که توسط «انوشه، عزیز دل بابا» نوشته شده است. انوشه که دارد دوران تحصیل را در دبستان با موفقیت خارق‌العاده‌ای طی می‌نماید، از بدو تولد نوشتن را با سرودن اشعاری درباره زرافه‌های بورکینافاسو و پنگوئن‌های قطب شمال و رمان‌هایی درباره کمپلکس‌های روانی کودکان و نوجوانان و سایر رده‌های سنی شروع کرده است. کتاب «مدادت را قورت بده» را نشر انوشه (که به انتشار کتاب‌های وی اختصاص دارد) منتشر کرده است. عمه انوشه، که قربانش می‌رود، در مورد آثارش می‌گوید: «از نویسنده‌ها می‌خوام که یه ذره فکر روحیه نابغه‌هایی مثل انوشه باشند... این بچه حالاحالاها می‌خواد کتاب چاپ کنه... طفلکی سرخورده می‌شه می‌بینه یه نویسنده‌ای داره سر دستمزد کتابی که می‌خواد به اسم انوشه چاپ بشه، با بابای انوشه چونه می‌زنه... چی بگم والا... انسانیت از بین رفته...»



دانش آموزان مؤلف!

شیبا ملک
زینب گلزاری

کتاب‌های درس ریاضی، سال بعد در اختیار دانش‌آموزان سال پایین قرار گرفت و تجربه شیرین داشتن کتاب‌های ریاضی با ادبیات کودکان، نقاشی و تصاویر کودکان، دومین تجربه خوشایند را برای این معلم خلاق رقم زد.

با وجود گذشت سال‌های بسیار از خواندن این گزارش، هنوز به خوبی آن را به خاطر دارم؛ هرچند منبع اصلی آن را نیافتم. اتفاق خوبی را که این معلم ریاضی در کلاس خود تجربه کرده بود، در میان دوستان و همکاران به زبانی دیگر یافتیم... در دبستان فرهاد، دانش‌آموزان خودشان داستان خلق می‌کردند و کتاب قصه می‌ساختند و هر یک برگی از کتاب علوم را می‌نوشتند و صفحات دست‌ساز خود را به هم الصاق می‌کردند.

خانم میرهادی تلاش می‌کرد کمبود منابع علمی قابل استفاده برای کودکان را به کمک خود آن‌ها جبران کند و با نظارت معلمان و خلاقیت خود بچه‌ها کتابخانه مدرسه را غنی سازد.

خانم میرهادی مدیر و مؤسس مدرسه فرهاد از تجربه‌های متفاوت نوشتن کودکان برای کودکان، در دبستان فرهاد این گونه سخن می‌گوید: «در سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ وقتی کودکان دبستان و دبستان فرهاد را تأسیس کردیم کتاب برای بچه‌ها خیلی کم بود یا تقریباً نبود... رفتیم سراغ

سال‌ها پیش گزارش جالبی خواندم. تجربه یک معلم ریاضی که تا پایان سال تمام دانش‌آموزان او نویسنده شده بودند! دانش‌آموزان نویسنده‌ای که با مفاهیم ریاضی کلاس خود به خوبی آشنا و بر آن‌ها مسلط شده بودند!

در طول یک سال تحصیلی، معلم کلاس در پایان هر جلسه پانزده دقیقه فرصت در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد تا آنچه را از مطالب کلاس آموخته‌اند، به زبان خود بنویسند. دانش‌آموزان با ادبیات کودکان و استفاده از تصاویر و رنگ، آنچه را آموخته بودند روی برگه می‌آوردند و تحویل معلم می‌دادند. معلم برداشت دانش‌آموزان را در حضور آن‌ها تصحیح می‌کرد و اگر بخشی از مطلب را درست نفهمیده بودند، همان لحظه اصلاح می‌نمود. با استفاده از این شیوه، خیال او راحت بود که دانش‌آموزان تمام مفاهیم درس را به خوبی درک کرده‌اند. این اتفاق در هر جلسه کلاس ریاضی و در طول سال تکرار شد. در پایان سال، معلم به تعداد دانش‌آموزان کلاس پوشه‌ای حاوی برداشت‌های دانش‌آموزان از مفاهیم درس را جمع‌آوری کرده بود و به این ترتیب، هر دانش‌آموز یک کتاب ریاضی نوشته بود؛ کتابی که حاوی برداشت درست هر کودک از مفاهیم درس ریاضی بود که به زبان خودش نگاشته شده بود.

کلاس چهارمی‌ها. گفتیم بچه‌ها شما می‌توانید برای بچه‌های کلاس اول کتاب بنویسید؟ گفتند: چطور؟ گفتیم یک کتاب ساده باشد که بچه‌های کلاس اول بتوانند بخوانند. می‌توانید خودتان هم نقاشی کنید... ما اسم این کتاب را گذاشته بودیم کتاب‌های دست‌ساز؛ چون متنش را خود بچه‌ها نوشته بودند و نقاشی‌ها کار خودشان بود. این کار را ادامه دادیم... یواش یواش فکر کردیم بچه‌ها می‌توانند دربارهٔ درخت، مرغ یا ستاره‌ها چیزی بنویسند و یا شعری را نقاشی کنند. این شد رسم بچه‌ها که هر ماه برای بچه‌های کلاس اول یک کتاب بسازند. بعدها در آموزش و پرورش اسم این کتاب‌ها شد «کتاب آسان»؛ چون

خواندنش ساده بود.

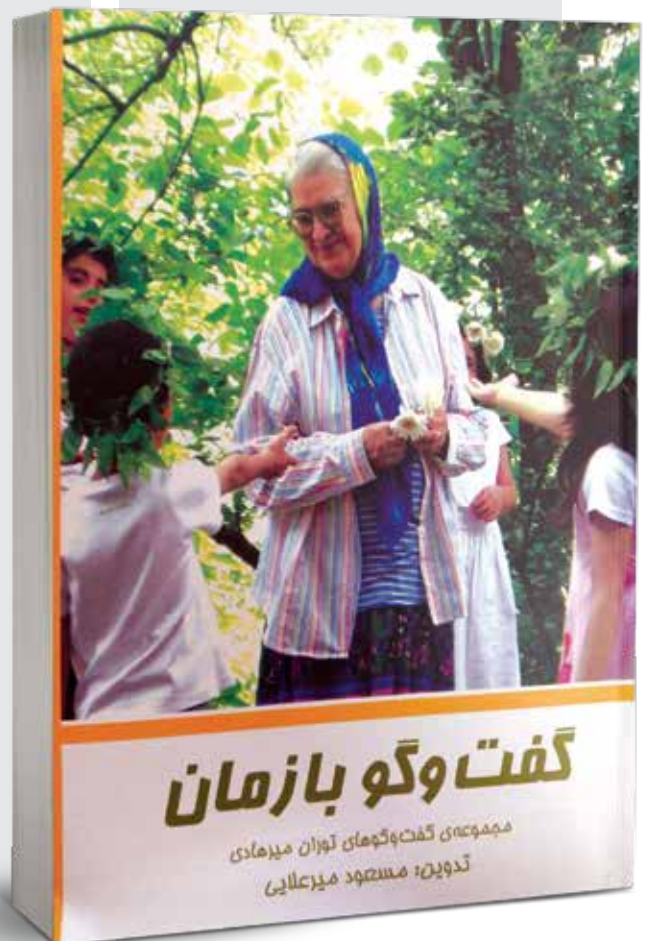
حتی بچه‌ها کتاب علمی هم نوشتند؛ خیلی ساده بود. به بچه‌های اول گفتیم چه می‌خواهید بنویسید. تکلیف نوروزی‌اش کردیم. گفتیم یک کاغذ بردارید؛ یک جانور انتخاب کنید و درباره‌اش هر اطلاعاتی دارید بنویسید. عکس هم دارید بچسبانید. بعد از عید با خودتان بیاورید. بعد از عید که مطالب همهٔ کلاس‌ها جمع شد، معلم‌ها گفتند ما به نوشته‌های شما دست نمی‌زنیم؛ فقط تصحیح مختصری می‌کنیم. بچه‌ها پنجاه، شصت جانور معرفی کرده بودند و این اولین فرهنگ‌نامهٔ موضوعی شد و رفت در کتابخانه. این داستان بیست و پنج سال ادامه داشت».

برداشت دانش‌آموزان از مفاهیم درسی و نگاشتن به زبان خود، درک عمیقی به دنبال دارد. جزوه‌نویسی و آنچه معلم دیکته‌وار به دانش‌آموزان می‌گوید تا بنویسند، یادداشت مطمئن‌تری برای آن‌هاست اما نوشتن به قلم خود دانش‌آموز ارزشمندتر است.

آنچه دانش‌آموزان در قالب مفاهیم آموخته شده مکتوب می‌کنند، نتیجهٔ فکر و تأمل آن‌هاست. آن‌ها مجبورند نوشتهٔ خود را چندین بار بخوانند و اصلاح کنند تا مطمئن شوند مطلب مهمی از قلم نیفتاده است. در این میان، آنچه به قلم دانش‌آموزان نوشته می‌شود، «متن فهمیده شده» است نه چیزی که معلم فهمیده باشد و آن‌ها نوشته باشند.

* پی‌نوشت

۱. گفت‌وگو با زمان، درباره کتاب و کتاب‌داری، مجموعه گفت‌وگوهای توران میرهادی، تدوین مسعود میرعلایی، انتشارات مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



رفتیم سراغ کلاس چهارمی‌ها. گفتیم بچه‌ها شما می‌توانید برای بچه‌های کلاس اول کتاب بنویسید؟ گفتند: چطور؟ گفتیم یک کتاب ساده باشد که بچه‌های کلاس اول بتوانند بخوانند. می‌توانید خودتان هم نقاشی کنید... ما اسم این کتاب را گذاشته بودیم کتاب‌های دست‌ساز؛ چون متنش را خود بچه‌ها نوشته بودند و نقاشی‌ها کار خودشان بود

دیاگرام عنکبوتی!

چگونه مربی «نقشه ذهن» کودک خود شوید

سمیرا نجار صادق

کارشناس ارشد زبان انگلیسی

حمیدرضا غلامرضایی

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی



شکل ۳

نمونه یک ساختار شاخه‌ای دیگر یاد می‌کند. واحد ساختاری مغز را نورون‌ها تشکیل می‌دهند. میلیاردها نورون مغز انسان از مرکزی منشعب می‌شوند که هسته اصلی مغز است. در این شرایط، هرگز تعجبی ندارد که بسیاری از بزرگان و نوابغ جهان مثل میکال آنژ، مارک تواین، و لئوناردو داوینچی در ضبط یادداشت‌های خود از شیوه‌ای استفاده کرده‌اند که با اتصال‌های مختلف به یک هسته مرکزی

می‌رسد که امروز از آن با عنوان نقشه ذهنی نام برده می‌شود. نقشه ذهن ابزاری است که به ما در یادگیری بهتر کمک می‌کند و حفظ اطلاعات را بهبود می‌بخشد. این روش ویژگی‌های زیادی دارد که مهم‌ترین آن‌ها تسریع در یادآوری، مرور اطلاعات و کمک در به خاطر سپاری اطلاعات است. این روش کمک می‌کند تا ضمن مرتب‌سازی و نظم‌دهی به اندیشه‌های مختلف موجود در ذهن فرد یا افراد، بتوانیم ادراک بهتری از موضوعات پیچیده پیدا کنیم.

شکل ۴ را ملاحظه کنید.

هر نقشه ذهنی (مشابه شکل ۴) با یک موضوع که در مرکز نقشه قرار می‌گیرد، آغاز می‌شود و به موضوعات، تصاویر و عبارات مرتبط با آن و خطوطی به موضوع محوری - که در اینجا «نقشه سایت» است - متصل می‌گردد.

با استفاده از نقشه ذهن می‌توان ساختار یک موضوع را به سرعت شناسایی کرد. همچنین ارتباط بین اجزای سازنده موضوع را درک کرد.

استفاده از نقشه ذهن بسیار آسان است. کافی است یک برگ کاغذ بردارید، یک دایره



شکل ۲

نقشه ذهن

نقشه ذهن (Mind Map) موضوع یا صحبت جدیدی نیست! احتمالاً شما هم برای اهداف سالیانه خود یا کارهای هفتگی تان و یا یک سخنرانی از چیزی شبیه نقشه ذهنی استفاده کرده‌اید (شکل ۱).



شکل ۱

نقشه ذهن با اصطلاحاتی چون نگاشت ذهنی، مغزنگاری، نگاشت مفهومی یا دیاگرام عنکبوتی نیز شناخته می‌شود. در کارهای داوینچی، اسحاق نیوتن و ... نمونه‌های زیادی از نقشه‌های ذهنی را می‌توان یافت (شکل ۲).

اما طی سال‌های اخیر، این تونی بازان بود که استفاده از نقشه ذهن را ترویج کرد و کتاب‌های زیادی در این باره نوشت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب The mind map book اشاره کرد که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد.

تونی بازان تأکید دارد که ساختار شاخه‌ای شدن، ساختاری طبیعی است و در طبیعت بسیار دیده می‌شود. تونی بازان آن را به درخت تشبیه می‌کند. (شکل ۳) او همچنین از نورون‌های مغز، به عنوان



مستطیل یا (بیضی) وسط صفحه ترسیم کنید و عنوان موضوع مورد نظر را روی آن بنویسید. سپس، با اضافه کردن شاخه‌های مختلف متصل به مرکز، موضوعات جانبی را بیفزایید. هر شاخه می‌تواند زیرشاخه‌های مختلفی داشته باشد. می‌توان برای هر موضوع در هر شاخه از رنگ‌های مختلف استفاده کرد. و حتی می‌توان شکل‌های نمادین مختلفی را (مشابه شکل ۴) در کنار موضوعات افزود.

راهنمای ترسیم نقشه ذهن (مغزنگاری)

ترسیم نقشه ذهن، روش گرافیکی قدرتمندی است تا درباره هر چیزی خلاق فکر کنید. در حقیقت، نقشه ذهن همانند یک ماشین ایده‌ساز برای شما کار می‌کند و شاه‌کلیدی برای باز کردن صندوق قابلیت‌های بالقوه مغزتان به شما می‌دهد. شاخه‌های یک نقشه ذهنی به صورت رنگارنگ و همانند شاخه‌های یک درخت برای نشان دادن روابط، حل خلاقانه مسائل و کمک به یادآوری آنچه از پیش آموخته‌ایم، به اطراف گسترده شده‌اند.

در اینجا روش ترسیم آن را (به کمک چند نمونه موجود) به صورت قدم به قدم خواهیم آموخت.

* نکته ۱: شما ممکن است مربی، پدر و مادر، کارشناس،

شکل ۵
نقشه ذهنی
برای چیزهایی که یک فرد دوست دارد



دانشجو و ... باشید. مثال‌های مورد نظر در نقشه ذهن را می‌توانید به سلیقه خود و برای موضوع خاص خودتان مجدد طراحی و بازآفرینی کنید.

* نکته ۲: برای تهیه نقشه ذهن قاعده و قوانین مشخص وجود ندارد که حتماً از آن‌ها پیروی کنید؛ چرا که خود این نقشه روندی خلاقانه برای افزایش میزان تفکر خلاقانه است، اما برای تهیه یک نقشه ذهن مؤثر، بهتر است مراحل پیشنهادی زیر را دنبال کنید.

مراحل ترسیم نقشه ذهن

پیش‌نهاد می‌کنیم در مرحله اول چند نمونه نقشه ذهن آماده را ببینید.

(برای این منظور می‌توانید در اینترنت با کلید واژه min map یا نقشه ذهنی نمونه‌هایی را ببینید). در (شکل ۵) به کلمات کلیدی، رنگ‌های متفاوت، خطوط (و ضخامت آن‌ها) و تصاویر و نمادهای گرافیکی به دقت توجه کنید.

توجه به نمونه‌های موجود، یادگیری شما را در ترسیم نقشه ذهنی تسریع و تسهیل می‌کند.

طبق نمونه‌ای که در بالا مشاهده کردید، عنوان مطالب در «وسط صفحه» بود و دور آن یک دایره، بیضی، یا مستطیل ترسیم می‌کنیم. به جای عنوان (موضوع) نیز می‌توانید از یک نماد (لوگو) استفاده کنید. وقتی از وسط صفحه استفاده می‌کنید. شعاع عمل ۳۶۰ درجه‌ای دارید.

در شکل ۶ موضوع، تهیه نقشه ذهن برای ارائه سخنرانی است. می‌توانید به جای واژه ارائه سخنرانی از نماد (لوگو) سخنرانی استفاده کنید (مثل تریبون یا میز سخنرانی). این نماد می‌تواند با دست کشیده شود یا از عکس آماده استفاده شود.



اگر از نماد استفاده کنید، تأثیرگذاری بیشتری روی نیم‌کره راست مغز شما خواهد داشت و خودش باعث افزایش خلاقیت می‌شود.

همان‌طور که در این مثال دیدیم، برای ارائه موضوع سخنرانی، این موضوع داخل یک بیضی نوشته شده است.

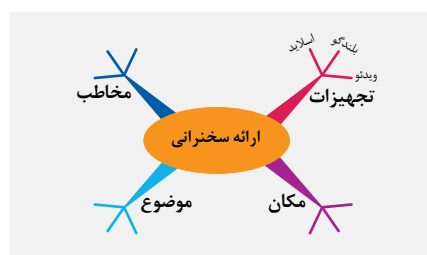
ذهنتان را محدود نکنید.

داده‌های مهمی را که به موضوع ارائه سخنرانی ربط دارند،

به موضوع مرکزی (داخل بیضی) مرتبط کنید. برای این کار، خطوطی را از دایره (بیضی) مرکزی به سمت بیرون بکشید. این خطوط بهتر است با رنگ‌های مختلف و ضخیم ترسیم شوند. روی هر خط تنها یک کلمه بنویسید (آن هم مهم‌ترین کلمه).



هر تعداد کلمه کلیدی و مهم را که به ذهنتان می‌رسد، روی آن خطوط یادداشت کنید. کلمات مهم و کلیدی، کار یادآوری را ساده‌تر می‌کنند و تداعی خلاق را بسط می‌دهند. انتخاب کلمات کلیدی نیم‌کره سمت چپ مغز شما را تقویت می‌کند (بهتر است از رنگ‌های مختلف بهره بگیرید).



□ شاخه‌ها را گسترش دهید.

یک نقشه ذهنی، چند خط موضوع اصلی، حول مرکز در تمام جهات دارد که موضوعات فرعی از آن منشعب می‌شوند (مانند شاخه‌ها و ترکه‌های درخت که از تنه آن منشعب می‌شود). هر کلمه کلیدی که به مرکز متصل شده است می‌تواند زیرشاخه و شرح مختصری داشته باشد. به عبارت دیگر، موضوعات مرتبط با هر شاخه را می‌توان به زیرشاخه متصل کرد، و نقشه را گسترش داد.

در چنین حالتی بهتر است سریع فکر کنید و تمام ایده‌ها را به سرعت به کلمه (یا تصویر) تبدیل کنید و آن‌ها را در کاغذ روی زیرشاخه‌ها یادداشت کنید.

■ هیچ محدودیتی وجود ندارد

شما در ایجاد این مرحله در شرایط طوفان ذهنی هستید؛ پس درباره نقشه خود قضاوت نکنید.

□ بهتر است متوقف نشوید. دست خود را روی کاغذ حرکت

دهید، و شاخه‌های فرعی بیشتری بکشید. در این لحظه متوجه خواهید شد که ذهنتان ایده‌هایی را خواهد یافت. رنگ‌ها را تغییر دهید یا نقشه را روی دیوار نصب کنید تا شرایط فیزیکی جدیدی برای اندیشیدن پیدا کنید. اینکه چه موضوعی به چه شاخه‌ای باید متصل شود، در نظر نگیرید. مادامی که به اطلاعات و واژه‌های جدید می‌رسید، آن‌ها را به شیوه مناسب به نقشه ذهنی خود اضافه کنید.

□ آسوده باشید

پس از تهیه نقشه، مدتی آن را در جای خود رها کنید. پس از مدتی (چند ساعت یا یک روز) مجدداً به نقشه ذهنی مراجعه کنید و ارتباط بین موضوعات را بررسی کنید. شاخه‌ها و خطوط را نظم دهید و در صورت تمایل، نقشه جدیدتری ترسیم کنید تا سازمان جدیدی به افکارتان بدهد. کودک دوازده ساله‌ای از کشور آفریقای جنوبی پس از آنکه برای حفظ کردن مطالب درسی‌اش از نقشه ذهنی استفاده کرد، گفت: «فکر می‌کردم خنگ هستم اما حالا می‌دانم که از مغزی عالی برخوردارم.» یکی از مدیران ژاپنی از کشیدن نقشه ذهنی برای تهیه برنامه کاربردی استفاده کرد. او نیز می‌گفت: «از اینکه ذهنم را بیدار کردید متشکرم.»

* نکته مهم: فراموش نکنید که نقشه ذهنی «درست» یا «غلط» وجود ندارد. فقط کافی است اطلاعات مفیدی که به آن‌ها نیاز دارید، در نقشه شما وجود داشته باشد. هر کس به شیوه خود نقشه ذهنی ترسیم می‌کند.

➤ نقشه ذهنی برای کودکان

درست کردن نقشه ذهن با کودکان هم جالب و هم آسان است و برای آن‌ها جذابیت دارد.

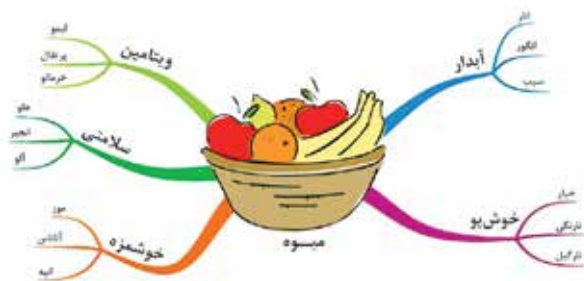
اگر می‌خواهید آموزش نقشه ذهنی را با کودک یا نوجوان خود شروع کنید، از شکل‌های ساده (مشابه شکل ۷) استفاده کنید.

ببینیم چطور می‌توانید مربی نقشه ذهن کودک خود شوید. به کودک خود یاد بدهید که خلاصه تکالیف مدرسه، پروژه‌های شخصی و دیگر ایده‌ها را در یک نقشه تصویری اجرا کند.

اول ببینیم نقشه ذهن چه مزیت‌هایی برای کودکان دارد. وقتی کودکان نقشه ذهن را یاد می‌گیرند، تکالیف مدرسه برایشان در دسترس‌تر خواهد بود. از آنجا که آن‌ها از همان روشی استفاده می‌کنند که به صورت ناخودآگاه به کار می‌گیرند، پس مطالب بهتر در خاطرشان می‌ماند.

مثل زمانی که خیلی بچه بودند، یادگیری برایشان جالب و سرگرم‌کننده می‌شود. آن‌ها یادگیری خود را با لذت و سرگرمی و بازی همراه می‌کنند و این کار به یادگیری‌شان بسیار کمک می‌کند.

به‌طور کلی، کودکان می‌توانند خیلی سریع همه چیز را یاد بگیرند و وقتی از نقشه ذهن یا نماهای کلی بصری استفاده می‌کنند، سرعت یادگیری‌شان بالاتر می‌رود.



شکل ۷

اگر ۵ فصل دارید، کاغذ را به ۵ ناحیه تقسیم کنید. این نواحی می‌توانند هم‌اندازه باشند.

شما می‌گویید که چه چیزی در کتاب بوده است و کودکان ایده‌ها را به شکل یک داستان می‌کشند. زیبایی این کار این است که هر ناحیه از کاغذ مربوط به یک فصل است. حالا در تصاویری که کودکان کشیده، هر داستانی قابل دریافت است. احتمالاً داستان به شکل خطی نشان داده شده است.

اگر بین تصاویر خط بکشید چطور؟ آیا یک شاخه ایجاد می‌کند؟

خب به نتیجه رسیدید. کودکان یک نقشه ذهنی ساخته است!

حالا شما می‌توانید فوراً وارد سطح بعدی شوید. به نقشه نگاه کنید؛ در کجا می‌توانید اطلاعات، نکته‌ها و روشن‌سازی بیشتری اضافه کنید؟ از کودکان بخواهید تنها یک تصویر دیگر در نقشه بکشند یا یک لغت بنویسند. حالا شما زیرشاخه‌ها را هم در نقشه خود دارید.

فکر می‌کنید کودکان بتوانند نقشه دیگری را به تنهایی بسازند؟ اجازه بدهید تلاشش را بکنند.

از آنجا که شما جزء والدین حمایت‌کننده هستید و می‌خواهید بهترین محیط یادگیری را برای کودکان ایجاد کنید، با کودکان درباره اینکه چه چیزی اشتباه است، صحبت نکنید. من مطمئنم زمانی که شما هم یک نقشه ذهن درست کنید، می‌توانیم در آن اشتباهی پیدا کنیم. سوالی که شما باید مطرح کنید، آسان است: آیا این بازنگری یا نقشه ذهن به کودک من در دریافت اطلاعات، افزایش خلاقیت و جالب کردن یادگیری، کمک می‌کند؟

اگر کمک کرد، بدانید که کار خارق‌العاده‌ای انجام داده‌اید! و گرنه بازنگری کنید و به کودک خود کمک کنید تا بهبود یابد.

نقشه ذهن با نوجوانان (سنین بالای ۱۲)

در حالی که با کودکانی کوچک‌تر روی تصاویر و تعریف تمرکز داریم، با نوجوانان می‌توانیم بیشتر روی لغات تمرکز داشته باشیم. آن‌ها در زمان کشیدن نقشه احتمالاً احساس اعتمادبه‌نفس کمتری دارند. اگر چنین نیست، تنها کشیدن را در آن‌ها تحریک کنید. اگر هم دوست ندارند، نباید به آن‌ها

شما باید بدانید که همیشه هم نباید از نقشه ذهن استفاده کنید. بعضی وقت‌ها نقشه ذهن واقعاً بهترین راه حل برای به روی کاغذ آوردن ایده‌هاست اما در مواقع دیگر می‌توانید از روش‌های دیگر استفاده کنید (مثل همان یادداشت‌برداری قدیمی). فقط به‌خاطر داشته باشید که نقشه ذهن تنها یک ابزار است و برای همه چیز کاربرد ندارد؛ مثل این است که بخواهید از چکش برای تعمیر هر چیزی استفاده کنید.

نقشه ذهن و والدین

نقشه ذهن یک مرور کلی بصری اطلاعات است که در آن از رنگ‌ها، لغات، و تصاویر استفاده می‌شود و با استفاده از انشعاب‌بندی و شاخه‌ها اطلاعات مرتبط را به هم متصل می‌کند. یک نقشه ذهن از ساختار شاخه‌ای درخت استفاده می‌کند.

شما باید بخواهید که کودکان در کاری که انجام می‌دهد بهتر شود. او را به چالش بکشید. یادگیری را برایش پرمایه، جالب و سرگرم‌کننده کنید و همواره او را یاری دهید که رشد کند.

نقشه ذهن این کار را می‌کند. با آن درس خواندن، درک، خلاصه‌برداری و تحقیق آسان‌تر می‌شود. این مهارت جدید درهای جدیدی برای یادگیری مهارت‌های دیگر باز می‌کند و کودکان هم به‌خاطر همین رشد پیدا می‌کند.

نقشه ذهنی با کودکان (۶ تا ۱۲ سال)

کودکانی که درباره نقشه ذهن یاد می‌گیرند، اغلب هنوز دوست دارند نقاشی بکشند و در نوشتار خود از رنگ‌ها استفاده می‌کنند. این مزیتی عالی است که از آن استفاده می‌کنیم.

اولین گام این است که از آن‌ها بخواهیم در حالی که داریم برایشان داستان می‌گوییم، به آن گوش دهند. داستان ما می‌تواند یک داستان افسانه‌ای یا یکی از مطالب مدرسه باشد یا درباره تعطیلاتی باشد که در راه است.

به آن‌ها یک تکه کاغذ و رنگ‌های مختلف بدهید و با شکیبایی همراهی‌شان کنید.

از آن‌ها بخواهید که از چیزهایی که برایشان می‌گویید، یک تصویر بکشند. داستانان باید کاملاً واضح باشد و از لغات تصویری زیادی استفاده کنید؛ لغاتی مثل، قلعه، ابرها، اسب و قطار. چیزهایی که کشیدنشان راحت باشد.

شما داستان را می‌گویید و کودکان نقاشی آن را می‌کشند. بعد، از آن‌ها بخواهید که با استفاده از نقاشی، حالا آن‌ها داستان را برای شما تعریف کنند.

آیا این کار جواب می‌دهد؟ اکثر اوقات جواب می‌دهد. اغلب کودکان با استفاده از نکات ساده خود می‌دانند که شما دقیقاً چه گفته‌اید.

گام بعدی این است که کاغذ را به چند ناحیه تقسیم و عددگذاری کنید. به‌طور تصادفی، شماره هر ناحیه برابر با شماره فصل، ایده و افکاری است که شما در کتاب یا روی کاغذ دارید.

سخت بگیرید.

می‌توانید با کودکان درباره شاخه‌ها صحبت کنید. راحت‌ترین راه آن‌ها برای کشیدن نقشه ذهنی، کشیدن یک نقشه ذهنی خالی است.

درست است! یک دایره مرکزی خالی می‌کشید، با ۴ تا ۶ شاخه در اطرافش که موضوع اصلی در مرکز قرار می‌گیرد. برای هر شاخه یک زیرشاخه بکشید. پیشنهاد می‌کنم که حداقل سه زیرشاخه برای هر شاخه بکشید.

حالا موضوعی به آن‌ها بدهید تا روی آن کار کنند. در بسیاری از موارد، بهترین موضوع چیزی است که دوست داشته باشند روی آن کار کنند؛ مثلاً یک سرگرمی یا موضوع مورد علاقه دیگر. تنها سؤال کنید ... به کسی که می‌خواهد تمام چیزها را درباره این موضوع بدانند، چه می‌گویید؟

سپس، خود را عقب نگه دارید و اجازه دهید که نوجوانان یک نقشه ذهنی بسازد. آن‌ها همه چیز را درباره این موضوع می‌دانند پس بگذارید این نقشه را بکشند. زمانی که به شاخه‌های بیشتری نیاز باشد، اکثر آن‌ها می‌توانند از موضوع اصلی چند خط بکشند و به شاخه اضافه کنند.

اگر می‌خواهید نقشه شما فانتزی باشد، اسکلت یک نقشه ذهن را با رنگ‌های مختلف بکشید و مداد رنگی‌ها را برای نوجوانان بگذارید.

یک اسکلت بکشید یا تنها به آن‌ها نشان دهید که چطور می‌توانند شاخه جدیدی اضافه کنند. یک مربی که این کار را با بسیاری از نوجوانان انجام داده است، می‌گوید: «همه آن‌ها وقتی نشان دادم که چطور می‌توانند به آن اطلاعات اضافه کنند، از گوش دادن دست کشیدند و شروع به ساخت نقشه خود کردند.» وقتی نوجوان شما نقشه ذهن خود را کامل کرد و تمام اطلاعات را روی نقشه اجرا نمود، از او بپرسید: آیا این نقشه

شکل ۸
✓

برای فردی که می‌خواهد درباره موضوع شما یاد بگیرد، به اندازه کافی شفاف است؟

در صورتی که نوجوان از خود شور و شوق نشان دهد می‌توان فهمید که آن را دوست داشته است.

حالا از آن‌ها بپرسید وقتی شروع به خلاصه‌نویسی از کتاب یا کلاس درس مدرسه می‌کنند، اگر از این روش استفاده کنند چه می‌شود. آیا فکر می‌کنند که این روش به آن‌ها کمک می‌کند؟ سپس از آن‌ها بخواهید از کتابی که باید بخوانند یک نقشه ذهنی درست کنند. به آن‌ها بگویید که اگر سؤالی داشته باشند می‌توانند از شما بپرسند. شما با آن‌ها همراه هستید اما در ساخت نقشه ذهنی دخالت نمی‌کنید. زمانی که کارشان تمام شد، با هم به نقشه نگاه کنید. حتی می‌توانید به آن‌ها بگویید که با استفاده از نقشه خود، اطلاعات را به شما ارائه دهند. آن‌ها عاشق این کارند؛ چون می‌بینند که کار جالبی است، در زمان صرفه‌جویی می‌کنند و استفاده از آن بسیار آسان است.

آموزش استفاده از نقشه ذهنی هدیه‌ای شگفت‌انگیز برای آن‌هاست. یادتان باشد شما ولی یا معلم یا کسی نیستید که بخواهید او را مجبور کنید نقشه ذهنی را به شکل خاصی پیش ببرد.

جمع‌بندی

در نقشه ذهنی از ساختار دو بعدی به جای تهیه فهرست برای یادداشت‌برداری استفاده می‌کنند.

نقشه ذهن کم‌حجم‌تر از یادداشت‌های مرسوم و رایج است و اغلب در یک صفحه کاغذ جا می‌گیرد؛ در حالی که برقراری ارتباط بین مفاهیم و ایده‌پردازی را آسان می‌کند.

همچنین، اضافه کردن اطلاعات جدید به آن به راحتی امکان‌پذیر است. یک نقشه ذهنی مناسب، شکل مطلب، اهمیت نکات مجزا و نحوه ارتباطشان را با یکدیگر نشان می‌دهد. به‌طوری که مرور کردن آن‌ها ساده است و با یک نگاه می‌توان اطلاعات را به یاد آورد.

مربیان، مشاوران و اولیا می‌توانند به کمک آموخته‌ها و ویژگی‌های خوب نقشه ذهنی، دانش آموزان را در این زمینه آموزش دهند و آن‌ها را به استفاده از چنین نقشه‌ای (به صورت گام به گام) ترغیب کنند تا در برنامه‌ریزی درسی، هدایت تحصیلی، و موقعیت‌های شخصی برای رسیدن به اهدافشان از آن به خوبی بهره‌مند شوند.

تصور ۸ را ببینید. شما چه مزایای بیشتری برای «نقشه ذهن» متصور می‌شوید؟!

* منابع:

علاوه بر مطالعه و برداشت آزاد از تعدادی منابع ترجمه شده داخلی و سایت‌های ایرانی از سایت‌های زیر نیز برای تنظیم این مقاله استفاده شده است: - mindmapsunleashed.com - mind - mapping - with - children - is - fun - and - easy





بشنویدای دوستان این داستان خود حقیقت نقد حال ماست آن

فهیمة عمو جوادى

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی



نامه بنویسند و خود را برای موفقیت‌های کسب شده تحسین کنند، به مهارت‌های خود برای مواجهه با مشکل اعتماد کند و به مشکل از زاویه‌ای دیگر در زندگی خویش بنگرد.

دانش‌آموزان؛ زندگی روایتی مستمر است. هر فرد از آنچه در اطرافش اتفاق می‌افتد، روایتی دارد. از ماندن در ترافیک و دیر رسیدن به محل کار تا ارتقاء شغل و نقل مکان به خانه جدید. شما داستان خود را چگونه روایت می‌کنید؟ از مشکل پیش آمده در آپارتمان‌تان تا مسئله جدید دوست نوجوانتان را؟ زندگی پر از تجربه‌های شخصی است که در طول زندگی به داستان‌های منحصر به فرد ما تبدیل می‌شوند و به هویت ما معنی می‌بخشند. روایت‌هایی که ما از وقایع و رخدادها و نقاط برجسته زندگی‌مان داریم بخش مهمی از تصویر ما از خویش را تشکیل می‌دهند. داستان‌ها همیشه در دنیای واقعی رخ نمی‌دهند بلکه در ذهن هر فرد نیز که توصیفات داستان را بازسازی می‌کند، ساخته می‌شوند. تمام رخدادها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات زندگی ما در بستر داستان‌هایی که از زندگی خود در ذهن داریم معنا دار می‌شوند. بنابراین، هر داستان کوتاه و بلند زندگی ما ابعاد مختلف بودنمان را روشن‌تر می‌سازد و برایمان قابل درک‌تر می‌کند.

اشاره

روایت‌درمانی به رغم حوزه تخصصی خود، می‌تواند کاربردی بسیار ساده در آموزش و پرورش داشته باشد. توجه به جنبه‌های اصلی روایت‌درمانی موجب تغییر دیدگاه معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها نسبت به مشکلات مدرسه می‌شود. روایت‌درمانی علاوه بر کمک به رفع مشکلات دانش‌آموزان، زمینه‌های پیشگیری از مشکلات و توانمندسازی افراد برای روبه‌رو شدن با مشکلات پیش‌رو را فراهم می‌آورد. تحقیقات، تأثیرات مثبت روایت‌درمانی را بر عزت‌نفس و اضطراب دانش‌آموزان تأیید کرده‌اند. با استفاده از روش‌های روایت‌درمانی، مشاوران و معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را به بیان مشکل خود تشویق کنند. خود را جدا از مشکل تصور کنند و به این بینش برسند که مشکل از آن کسی نیست و مشکلات برای ادامه حیات نیازمند اثرات خود هستند. بنابراین، ایستادگی در برابر مشکلات و اجازه ندادن به آن‌ها برای تأثیر گذاشتن بر زندگی نظام بقای مشکلات را از بین می‌برد. افراد باید نگرشی پرس‌وجوگر و مدام داشته باشند و از خود بپرسند چه قسمت‌هایی از داستان را نادیده گرفته‌اند. بررسی کنند که چه نکات مثبتی از مشکل یاد گرفته‌اند، به خود

مردم زندگی می کنند و داستان هایی درباره خود می سازند، اما داستان ها هم زندگی می کنند و افراد را می سازند

روایت درمانی چیست؟

رویکردهای روایی منشأ و حیطه کاربری گستردهای دارند. شاخه های مختلف علوم انسانی مانند جامعه شناسی، انسان شناسی، فلسفه، روان شناسی و ادبیات در شکل گیری و رشد بیشتر این نوع روش های کاری تأثیر داشته اند. از این رو، امروزه این روش های کاری روایت گونه در شاخه های مختلف علوم انسانی کاربردهای مختلف و متنوعی دارند. درواقع، روایت درمانی فقط یکی از کاربری های روش های کاری روایی محسوب می شود که از این روش ها در رشته روان درمانی استفاده می کند.

روایت درمانی را مایکل وایت و دیوید اپستون پایه گذاری کردند. نظریه روایت درمانی چنان رابطه تنگاتنگی با فلسفه فرامردن دارد که حتی برخی روایت درمانگران آن را «درمان فرامردن» نام داده اند. روایت درمانی روشی درمانی است که افراد را از مشکلاتشان جدا کرده، تشویقشان می کند که برای کاهش مشکلات روزمره شان، به مجموعه مهارت های خود اعتماد کنند. درواقع از منظر روایت درمانی، مهارت ها، قابلیت ها، ارزش ها، تعهدات، باورها و شایستگی های افراد، آن ها را در جهت تغییر رابطه شان با مشکلاتی که زندگی شان را تحت الشعاع قرار داده است، یاری می کند.

اصول روایت درمانی

رویکردهای روایی بر این نگرش استوارند که هویت فرد عمدتاً براساس روایت ها و داستان های او از زندگی اش شکل گرفته است؛ چه روایت های کاملاً شخصی و چه روایت های عموماً فرهنگی - اجتماعی که در زندگی افراد جریان دارد. به طور کلی، روایت های ما از خویش شدن در بطن ارتباطات اجتماعی ما معنا دارند. یک داستان، به سادگی یک داستان نیست بلکه به عنوان خالق، نگه دارنده یا دگرگون کننده دنیای اجتماعی عمل می کند و در نهایت، تمام تصمیمات و اعمالی که در نتیجه فرایند روایت درمانی در پیش گرفته می شوند، باید در بستر اجتماعی و روابط با افراد پیرامون متجلی گردند. روایت درمانی به افراد کمک می کند که با تجدید نظر در داستان های فرهنگی درونی شده، و اصلاح آن ها، این داستان ها را به داستان هایی منحصر به فرد و در بر دارنده قدرت و مسئولیت فردی آن ها تبدیل کنند.

هدف روایت درمانی

روایت درمانی قصد چه کاری را دارد؟ روایت درمانی سعی می کند روایت های افراد از خویش شدن را غنی تر سازد و بخش هایی از این روایت ها را که سرکوب شده، به فراموشی سپرده شده یا به حاشیه رانده شده اند، فعال و پربار کند. در سایه این پربارسازی

روایت، هویت فرد نیز در برخورد با مشکلات پیش رو و آینده مستحکم تر و غنی تر می شود. محور اصلی روایت درمانی، تعبیرها و تفسیرها یا معانی ای هستند که افراد به رویدادها و پیشامدهای زندگی خود نسبت می دهند. درک مبتنی بر تعبیرهایی که افراد درباره رویدادها دارند می تواند اقدامات آن ها را محدود کند یا گسترش دهد. تمرکز روایت درمانی بر روایت فرد از زندگی خود و ایجاد معانی جدید در زندگی است.

هدف روایت درمانی به جای تغییر دادن شخص، تغییر دادن تأثیرات ناشی از مشکلات متمرکز است. درواقع هدف، فاصله گرفتن از یک موضوع مشخص است که در نهایت این امکان را ایجاد می کند تا فرد ببیند چطور یک نگرانی خاص می تواند به جای آزار دادن وی، برایش مفید واقع شود. برای مثال، استرس پس از سانحه با اینکه علائمی آزاردهنده مانند اضطراب دارد، می تواند به فرد کمک کند تا از خود در مقابل احساسات منفی مرتبط با یک اتفاق مشخص محافظت کند. در حقیقت، بعضی از روان شناسان فرایندی به نام «رشد پس از سانحه» را تعریف کرده اند که به وسیله آن می توان تغییرات شخصی مثبت را در افرادی که حوادث تروماتیک را تجربه کرده اند، مشاهده نمود.

مفاهیم روایت درمانی

کلیدی ترین مفهوم در روایت درمانی این است که مشکل، مشکل است و فرد و خانواده مشکل نیستند. در روایت درمانی، به مشکلات انسانی در حکم مسائلی نگریسته می شود که از داستان های رنج آور و تأثیرگذار بر زندگی فرد برخاسته اند. درمان، بررسی چگونگی تحلیل داستان زندگی افراد توسط خود آنان و به مثابه فرایند تجدید بنا و ترسیم جدید داستان ها و قصه هاست.

فرد درمی یابد که داستان غالب زندگی او داستانی نیازمند تغییر است و در لابه لای داستانش نتیجه های منحصر به فردی وجود دارد که تابه حال به آن ها توجه نکرده است؛ زیرا در تعریف داستان خویش نیز تنها به مشکلات فراوان آن ها اشاره دارد. این غرق در مشکل بودن داستان، به فرد اجازه نمی دهد که به سمت نتیجه ها، اتفاقات و لحظات ناب و قابل توجهی برود که ارزشمند بودن او را آشکار می کنند.

روش های روایت درمانی

مردم زندگی می کنند و داستان هایی درباره خود می سازند، اما داستان ها هم زندگی می کنند و افراد را می سازند. برای مثال، اگر فردی این پیام را از گروه بگیرد که به نحوی کمتر از دیگران است، چگونگی عملکردش به عنوان عضوی از گروه تحت تأثیر ساختار غالب و پذیرفته شده دیدگاه دیگران از او قرار می گیرد. روایت درمانی تلاشی می کند چارچوب ذهنی فرد را که در مسیر تفکر خویش دائماً به آن رجوع می کند، تغییر دهد و این کار را از طریق تفکر انتقادی بر فرض های ذهنی انجام می دهد.



زندگی فرد نگاشته شوند و این داستان‌ها عرصه‌ای برای پدیدار شدن پیدا می‌کنند، از تأثیر داستان غالب، رفته رفته کاسته می‌شود. مستندنگاری درمانی چنین اولویت‌ها، دانسته‌ها و تعهداتی را ثبت و ضبط می‌کند تا در هر زمان لازم در آینده در دسترس فرد باشند. نامه‌ها همچنین می‌توانند بستری برای شروع بی‌هراس گفت‌وگوهای رودررو فراهم کنند.

نتیجه‌گیری

در روایت درمانی مشکل را به‌عنوان اختلال کارکرد افراد در نظر نمی‌گیرند. مشکل، داستانی است که نیازمند دوباره تألیف شدن از طریق گفت‌وگوهای درمانی است. شخص معمولاً قدرت خویش را برای گفتن یک داستان متفاوت در لابه‌لای خاطرات ذهنی‌اش از یاد برده است و

درمانگر شروع به طرح سؤالات شفاف و بسط‌دهنده می‌کند و از فرد می‌خواهد که بیشتر درباره مشکلاتی که تجربه کرده و تأثیرات این مشکلات بر زندگی‌اش سخن بگوید. وظیفه درمانگر زنده کردن این داستان متفاوت و کمک به فرد است تا داستان‌های متفاوت خویش را به یاد بیاورد و داستان‌های جایگزین و بهتری را که در ورای مشکلات کنونی وجود دارند بیابد یا بسازد. این امر به فرد فرصت‌های جدیدی می‌دهد تا داستان‌هایش را بازنویسی کند و حقیقت وجودی خود را بهتر ببیند. بدین ترتیب، افراد مشتاقانه و کنجکاوانه از آنچه می‌دانند به سمت آنچه هنوز نمی‌دانند، حرکت می‌کنند. روایت درمانی به افراد کمک می‌کند تا در طرح مشکلاتشان آنچه را ظاهراً دیده نمی‌شود اما «هست» ببینند. با دقت در تأثیراتی که مشکلات بر زندگی افراد گذاشته است، در چارچوبی وسیع‌تر و در ورای آن مشکل، می‌توان فهمید چه چیزی واقعاً برای آن‌ها ارزشمند و مهم است. این امر سبب می‌شود افراد درک بهتری از تجربه زندگی‌شان داشته باشند و روایت‌های آینده زندگی خود را آگاهانه‌تر بیان کنند.

* منابع

۱. مدیگان، استیون. (۱۳۹۶). روایت درمانی، نظریه و درمان. مترجمان: امیر حسام‌خواجه و امیرعلی نبوی. چاپ اول. نشر دانه.
۲. مورگان، آلیس. (۱۳۹۶). پیش‌درآمدی بر روایت درمانی. مترجمان: گیت، پیربادیان و پیمان آب خضر. نشر شورآفرین.
۳. بولتون، ژیلی. (۱۳۹۲). نوشتار درمانی. چاپ اول. مترجم: مهشاد محمدنوری. نشر دانه.

درمانگر روایتی اعتقاد دارد که فرد صرفاً مسئول ایجاد مشکلات عمده نیست؛ برای مثال، حتی اگر تجربه مادران کودکان پیش‌دبستانی این باشد که آن‌ها «منظم نیستند» - چیزی که ممکن است رفتار مناسب پیش‌دبستانی‌ها تلقی شود - ممکن است کودک خود را به خاطر نامنظم بودن سرزنش کند. دختران نوجوانی که با عملکرد بدنشان مشکل دارند، احساس می‌کنند که از لحاظ شخصیتی مشکل دارند. والدی که نمی‌تواند زمان بیشتری با بچه‌هایش سپری کند، از لحاظ اجتماعی احساس بی‌کفایتی و ناراحتی می‌کند. داستانی که از این افراد منتج می‌شود، اغلب تمایل زیادی به اثبات این موضوع دارد که مشکلات آن‌ها تابع مسئولیت فردی خاص آنان است. مسئولیت فردی برای مشکلات روزانه که به‌طور کلی ایجاد و تجربه می‌شوند، از بافت ارتباطی فرهنگ غالب منشأ می‌گیرد. این باور که فرد انتظارات فرهنگی را برآورده نمی‌کند، به راحتی می‌تواند مهارت‌ها، شایستگی‌ها، باورها، ارزش‌ها، تعهدات و توانایی‌های دیگر او را کم ارزش کند. از طریق فرایند بازنگری، فرد می‌تواند مباحث خود را از داستان‌های دارای مشکلات فردی به داستان‌های غنی‌تر و عمیق‌تر هدایت کند. بازنگری به فرد کمک می‌کند تا برخی از مکان‌ها و حوادث نادیده گرفته شده زندگی خود را به یاد آورد؛ چیزهایی که اغلب در داستانی که از مشکل گفته شده است، مستور می‌شوند.

حوادث نادیده گرفته شده در زندگی فرد، نقطه شروع گفت‌وگوها و گسترش مسیرهای داستانی جایگزین و مکمل محسوب می‌شوند. روایت‌درمانگران معتقدند که هرچه فرد بتواند با این داستان تازه پدیدار شده بیشتر ارتباط برقرار کند، باورها و در نتیجه اعمال و تصمیماتش در حال و آینده بیشتر تحت تأثیر این روایت تازه قرار می‌گیرد. این روایت تازه جهت‌سازنده مثبتی در زندگی فرد به حساب می‌آید.

از دیگر روش‌های روایت درمانی، مستندنگاری و نامه‌های درمانی است. در حالی که افراد مشغول بازنگری زندگی و روابطشان هستند، بعضی اولویت‌ها و دانسته‌ها درباره مشکل شفاف‌تر می‌شوند. به مجرد اینکه داستان‌ها و روایت‌هایی تازه از

روایت درمانی
سعی می‌کند
روایت‌های افراد
از خویشتن را
غنی‌تر سازد و
بخش‌هایی از این
روایت‌ها را که
سرکوب شده، به
فراموشی سپرده
شده یا به حاشیه
رانده شده‌اند،
فعال و پربار
کند. در سایه
این پربارسازی
روایت، هویت فرد
نیز در برخورد
با مشکلات
پیش‌رو و آینده
مستحکم‌تر و
غنی‌تر می‌شود

نوشتن تأملی

صغری ملکی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

چطور از درس‌هایی که در گذشته یاد گرفته‌اند می‌توانند برای آینده استفاده کنند، نکته مهم در نوشته تأملی است.

در نتیجه این فرایند سه مرحله دارد:

۱. در نظر گرفتن وقایع گذشته؛

۲. تجزیه و تحلیل آن‌ها؛

۳. تصور و بررسی برای آینده.

بدون مرحله آخر، این کار می‌تواند بی‌نتیجه باشد.

مسئله حائز اهمیت این است که وقتی به رویدادی در گذشته فکر می‌کنید، نباید آن را به‌طور مجزا در نظر بگیرید بلکه باید نگاهی جامع به گذشته داشته باشید و این رویداد را در اغلب رویدادها و زمینه‌ها و اتفاق‌های دیگری که در آن روی داده است، ببینید. این نگاه جامع می‌تواند و باید روی نظر و دیدگاه شما در زمان تأمل به آن رویداد تأثیر بگذارد. تمام این‌ها را برای نگارش تأملی می‌توان نوشت.

افراد اغلب وقتی درباره رویدادی در گذشته فکر می‌کنند، به این می‌اندیشند که چه روی داده و در چه زمانی روی داده است، و اغلب یک نمودار خطی زمانی برای رویدادها در نظر گرفته می‌شود. آن‌ها درباره کسانی که درگیر آن رویداد بوده‌اند و شاید محل رویداد می‌نویسند.

این‌ها موارد مهمی هستند اما اساساً توصیف رویداد و نوشتن درباره آن‌ها به داشتن تأملی مفید چندان کمک نمی‌کند (نوشته تأملی توصیف خاطره کلاسی نیست).

به جای این توصیف‌ها شما باید درباره افکار تان در مورد رویداد بنویسید؛ در طول زمان رویداد، بعد از آن و از آن زمان به بعد. همچنین باید درباره احساسات تان نسبت به رویداد اطلاعاتی بدهید. اینکه آیا از بروز این رویداد احساس خوبی داشته‌اید و آیا درباره آن رویداد مطمئن بوده‌اید. به جای تفکر درباره توصیف رویداد، زمان روی دادن، شخص انجام دهنده و محل، بهتر است درباره چرایی آن رویداد بنویسید. چرا این اتفاق در کلاس

یک معلم، نوشتنی‌های زیادی دارد؛ از طرح درس‌های روزانه، هفتگی و سالانه گرفته تا چک لیست‌هایی که باید برای هر دانش‌آموز پر کند. از گزارش‌هایی که باید برای اولیا بنویسد تا مطالب مختلفی که باید تنظیم و به مدیر یا معاون آموزشی مدرسه تحویل دهد. علاوه بر موارد فوق، نوع دیگری از نوشتن برای معلمان وجود دارد که در اکثر کشورهای دنیا مرسوم است: «نوشتن تأملی». نوشته تأملی، نوشته‌ای است که در برنامه تربیت معلم بسیاری از کشورها وجود دارد و هر دانشجو معلم تقریباً آن را از دوره کارورزی شروع می‌کند و تا سالیان دراز در طول زندگی حرفه‌ای‌اش ادامه می‌دهد. «نوشتن تأملی»

نوشتن همراه با تأمل بر تجربه و رخدادها کلاس است. نوشته زیر ترجمه فیلمی در ارتباط با «نوشته تأملی» است. فیلمی که «نوشته تأملی» را برای مخاطب خود به‌خوبی توضیح می‌دهد. شما می‌توانید ضمن خواندن متن زیر و آشنا شدن با «نوشته تأملی» این فیلم را نیز از نشانی http://roshdmag.ir/Roshdmag_content/media/im-age/2018/06/10293_orig.mov دریافت کنید. همچنین با اسکن کد تصویری مقابل می‌توانید این فیلم آموزشی را مشاهده کنید.



«نوشتن تأملی»

نوشتن تأملی فرایندی است که طی آن نوشتن را در قالب تفکر تأملی انجام می‌دهید. در واقع، داشتن تفکر تأملی در این فرایند خیلی مهم است. این نوع نوشتن تأمل بر رویدادها و وقایع کلاس است.

زمانی که افراد شروع به نوشتن تأملی می‌کنند، اغلب فکر می‌کنند باید به عقب برگردند و به آنچه روی داده است فکر کنند. مسئله‌ای که آن‌ها نمی‌توانند درک کنند، موازنه آنچه در گذشته روی داده با چیزی است که قرار است در آینده روی دهد؛ تصور آینده و اینکه

شما افتاد؟ دربارهٔ چگونگی نیز بنویسید؛ چگونه از این اتفاق استفاده می‌کنید و آینده آن را تغییر می‌دهید؟ همچنین دربارهٔ دلالت‌های آن بنویسید؛ اکنون چه چیزی یاد گرفته‌اید؟ خوب ... قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

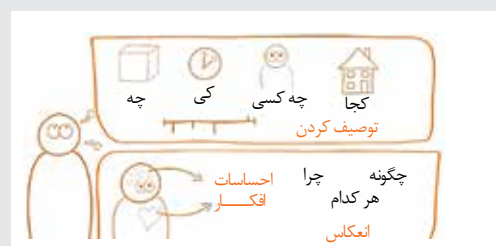
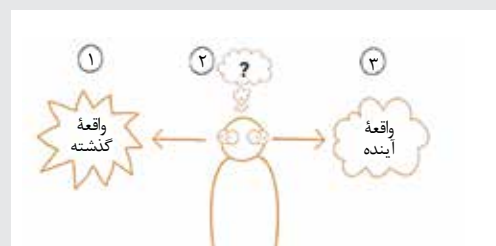
چه میزان توصیف برای یک تأمل لازم است؟ توصیف مهم است اما باید موجز و کوتاه باشد. توصیف برای این است که تأمل را در زمینه و چارچوبی که به‌وجود آمده است، جای دهد. نگارش تأملی باید توصیفی کوتاه داشته باشد و در عوض، با تأمل زیادی ادامه یابد.

یکی از بخش‌های مهم تأمل، بینش یا ادراک است. این بینش و ادراک دربارهٔ رویداد، در گذشته، زمانی که رویداد ایجاد می‌شده، در دسترس نبوده است اما در موقع نوشتن و در فرایند تأمل به تدریج ایجاد می‌شود.

برخی از ادراکات در ابتدا بلافاصله پس از رویداد ایجاد نمی‌شوند. این درک و بینش با واژه‌هایی مانند «اگر» و «ای کاش» شروع می‌شوند (بعد از یک اتفاق در هنگام تأمل «اگر» ها و «ای کاش» هایی شروع می‌شود؛ ای کاش این کار را می‌کردم ... اگر این پاسخ را می‌دادم بهتر بود و ...) بعد از این مرحله یا کسب بینش بیشتر دربارهٔ رویداد، ادراکات کم‌کم افزایش می‌یابند. در این مرحله از آنجا که فکر می‌کنید قادر به تغییر دادن گذشته نیستید، تا حد زیادی ناراحت می‌شوید. با این حال، اگر کمی تأمل داشته باشید متوجه می‌شوید که چیزهای زیادی از این تجربه آموخته‌اید و می‌توانید خیلی چیزها را در آینده تغییر دهید. در واقع، این مرحله به شما قدرت زیادی می‌دهد.

اگر تجربه را به شکل یک دستمال خیس در نظر بگیرید، هدف نوشتهٔ تأملی این است که تا آخرین قطره رطوبت آن را بگیرد و این قطرات آب گرفته شده، در واقع همان یادگیری است که باید از آن در عمل استفاده کنید.

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید نوشتن تأملی کار ساده‌ای است. زمانی که برای بار اول این‌گونه نوشتن را شروع می‌کنید، قدرت تأمل شما پایین و این کار برایتان خیلی سخت است. ممکن است دربارهٔ خودتان متوجه حقایقی شوید که از وجود آن‌ها حس خوبی نداشته باشید. ممکن است این کار در ابتدا برای شما سخت و طاقت‌فرسا باشد اما کم‌کم ساده و عادی می‌شود. نکتهٔ آخر دربارهٔ تأمل این است که خیلی انگیزه‌بخش است. زمانی که متوجه می‌شوید می‌توانید امور را تجزیه و تحلیل کنید و خودتان به راه‌حل برسید، واقعاً حس اعتمادبه‌نفس شما تقویت می‌شود. نگارش تأملی شیوه‌ای برای رسمی نشان دادن و تشویق چنین تأملی است.



تاریخچه ارزشیابی انشا در ایران



مریم دانشگر | استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی
مرضیه مدنی رزاقی | پژوهشگر و مدرس درس انشا و نگارش
تصویرگر: سیدمیثم موسوی

مقدمه

ارزشیابی دقیق، علمی و استاندارد از مهم‌ترین کارهایی است که لازم است برای حفظ درس انشا در مدارس انجام شود. در گذشته آموزشی ایران تلاش‌هایی برای تفکیک خرده‌مهارت‌های نوشتن صورت گرفته است که آسیب جدی آن‌ها، ماندن در مرحله نظر و عدم اجرای واقعی در بدنه آموزش رسمی کشور بوده است. در سال‌های گذشته نیز، که انشای مستقل در مدارس، جزء واحدهای درسی بوده، باوجود آنکه در سربگ امتحانات، جزئیات ارزشیابی انشا ذکر می‌شد هیچ مصححی خود را ملزم به رعایت این جزئیات و ذکر آن‌ها در برگه تصحیح شده نمی‌دانست و در بهترین حالت، از این تقسیم‌بندی در تصحیح خود الهام می‌گرفت. بنابراین، معیارهای ارزیابی تنها در حد

اشاره

از سال ۱۳۹۱ پژوهشی را برای ارزشیابی مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموختگان آغاز کردیم. آنچه بسیار محسوس بود، فقدان نظام استاندارد ارزشیابی در بخش مهارت‌های نوشتن بود برای سنجش، به ابزار دقیقی نیاز داشتیم که با توجه به مهارت‌ها و خرده‌مهارت‌های نوشتن طراحی شده باشد، اما چنین ابزاری در نظام رسمی آموزش وجود نداشت. در تلاش برای طراحی معیار ارزشیابی، تاریخچه و پیشینه ارزشیابی رسمی در ایران را تا سال ۱۳۹۰، بررسی کردیم که از اطلاعات مستخرج آن برای طراحی «جدول معیار» استفاده شد. آنچه خواهد آمد برگرفته از آن مطالعه است که نتایج نهایی آن در گزارش طرح پژوهشی درج شده و در مطالعه میدانی معیار ارزشیابی قرار گرفته است.

پیشنهاد باقی می‌ماندند و نمره‌دهی معلمان براساس قریحه و تجربه داشته یا نداشته‌شان انجام می‌شد. فقدان معیاری دقیق برای ارزشیابی و سنجش، سبب مهجور ماندن و منزوی شدن درس انشا در درازمدت و حذف رسمی و غیررسمی آن از برنامه درسی شد.

جدول‌های معیار، ابزارهایی مناسب برای اندازه‌گیری و کمی کردن امور کیفی هستند. استفاده از جدول‌های معیار، تحلیل و ارزیابی نوشته را ساده، قابل اطمینان و همسان می‌کند. بعضی از جدول‌های معیار کلی‌اند و برای ارزیابی انواع نوشته به کار می‌روند. بعضی نیز فقط برای ارزیابی نوع خاصی از نوشته طراحی شده‌اند. جدول‌ها ممکن است سطح‌بندی شده باشند (تامپکینز، ۱۳۸۷: ۱۷۰). در زبان فارسی نیز جدول‌های معیار برای ارزیابی انشا طراحی شده و معلمان و کارشناسان زبان فارسی برای ساماندهی نمره انشا تلاش‌های قابل توجهی کرده‌اند.

مروری بر شیوه‌های ارزشیابی انشا

به نظر می‌رسد نخستین اظهار نظر مستند درباره شیوه ارزشیابی درس انشا از احمد کوشا باشد که در سال ۱۳۳۳ کتابی برای استفاده آموزگاران کلاس‌های سوم و چهارم ابتدایی تألیف کرد.

کوشا ذیل عنوان «طرز تقسیم نمره انشا» صورت و محتوا را هم‌سنگ دانسته و برای «درست بودن فکر» و «صحیح نوشتن عبارات» بارم یکسانی در نظر گرفته است و از این نظر در کلیات، به نمونه‌های امروزی خود شباهت دارد.

همچنین در گذشته کتاب‌هایی با عنوان «راهنمای انشا»، «آموزش انشا» یا «انشا و نامه‌نگاری» چاپ می‌شده که الگوی آموزشی اغلب آن‌ها، آموزش اصول نگارش همراه با ارائه نمونه بوده است. در اکثر این کتاب‌ها، معیارهای اصلی نگارش بدین قرار بوده است: توجه به دستور زبان فارسی، کاربرد علائم نگارشی و در برخی موارد، خط و پاکیزه‌نویسی. به تقسیم‌بندی نمره انشا در یکی از این کتاب‌ها توجه کنید.

عمده‌ترین اشکال ارزشیابی فوق، دقت نداشتن در تفکیک مهارت‌هاست؛ مثلاً در بند نخست جدول، ابتکار و تازگی، و پرورش مطلب هم‌تراز قرار گرفته‌اند، در حالی که این‌ها دو مقوله

متمايزند. همچنین امتیاز ۶ نمره‌ای این بند، دست مصحح را برای ارزشیابی سلیقه‌ای باز می‌گذارد. در سایر بندها نیز تقسیم امتیازها متناسب به نظر نمی‌رسد.

در یک نمونه از جداول معیار که اساس تصحیح درس انشای امتحانات نهایی کلاس‌های چهارم دبیرستان در خردادماه ۱۳۶۴ بوده است، مجموع بیست نمره درس انشا به دو بخش

محتوا (۱۳ نمره) و شکل (۷ نمره) تقسیم و مطالب در این دو بخش دسته‌بندی شده است. در این جدول، یکی از معیارها «سادگی و روانی و تنوع جمله‌ها و واژه‌ها» است که تلفیق نادرستی از دو معیار متمایز است اما به دلیل اهمیت این مورد، توجه به آن ستودنی است.

یکی از مصادیق بی‌توجهی به ارزشیابی درس انشا، کتابی با نام آیین نگارش و روش آموزش انشا است؛ کتابی بدون نویسنده مشخص که در ۱۳۶۷ ش. برای رشته ادبیات فارسی مراکز تربیت معلم، تألیف شده و در بخشی از آن ذیل عنوان «تصحیح انشا و نمره دادن» آمده است: «نمره دادن به انشا کاری است بسیار دشوار. به یقین می‌توان گفت که هنوز روشی

منطقی و مستدل، که همه معلمان انشا آن را پذیرفته باشند، برای نمره دادن به انشا وجود ندارد» (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۶۷). در این کتاب خرده‌مهارت‌های نوشتن مورد توجه قرار گرفته اما تقسیم‌بندی کمی نشده و شیوه‌نامه ارزشیابی هم هرچند در کلیات صحیح است، عملاً بی‌اعتبار و غیرکاربردی است.

مریم روحانی در کتاب «القای نوشتن» براساس تجربه تدریس خود از درس انشا و باتوجه به مراحل مختلف نوشتن انشا، معیارهایی را برای ارزشیابی و تصحیح برگه انشای دانش‌آموزان پیشنهاد کرده است. البته نویسنده به نوشته‌های استدلالی توجهی درخور نشان نداده و باوجود توضیحی که ارائه می‌دهد، کفه معیارهای او به سمت نوشته‌های ادبی و توصیفی سنگین‌تر است:

«در این معیارها جایگاهی برای مقدمه و نتیجه اختصاص داده

فقدان معیاری دقیق برای ارزشیابی و سنجش، سبب مهجور ماندن و منزوی شدن درس انشا در درازمدت و حذف رسمی و غیررسمی آن از برنامه درسی شد

جدول شیوه تصحیح انشا - سال ۱۳۳۳ش

نمره	معیار (محتوا)	نمره	معیار (شکل)	نمره
۶ نمره	ابتکار و تازگی و هنری که دانش‌آموز برای پروراندن موضوع ابراز داشته است	۴ نمره	مراعات قواعد دستوری	۴ نمره
۴ نمره	بحث درباره اصل موضوع و خارج نشدن از آن	۳ نمره	نظافت ورقه، حسن خط، رعایت قواعد نقطه‌گذاری	۲ نمره
۳ نمره	نظم منطقی افکار و اندیشه‌های دانش‌آموز	۱ نمره	امتیاز برای رعایت قوانین و قواعد بلاغی	۱ نمره

منبع: (محبوب و همکار، ۱۳۳۳: ۱۱۸)

نشده؛ زیرا شیوه نگارش مبتنی بر مقدمه و نتیجه، سال‌های سال است که منسوخ شده است. امروزه مقدمه و نتیجه باید در لابه‌لای متن انشا تنیده و بافته شوند. این دو مقوله‌ای جدا از انشا نیستند تا لازم باشد جداگانه درباره آن‌ها صحبت شود. (روحانی، با اندکی کاهش و تغییر، ۱۳۷۲: ۶۶).

بررسی و تحلیل شیوه‌های ارزشیابی انشا

بررسی انواع شیوه‌نامه‌های ارزشیابی، کاستی‌های عمده‌ای را در الگوهای موجود ارزشیابی مهارت نوشتن نشان می‌دهد. این کاستی‌ها را در انواع زیر دسته‌بندی و بررسی می‌کنیم.

۱. غلبه نگرش بر آبدی و نتیجه‌محور به مهارت نوشتن:

این نگرش از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که در ارزشیابی‌های موجود به چشم می‌خورد. رویکرد بر آبدی که از فلسفه اثبات‌گری نشأت گرفته، معلم‌محور است و بیشتر بر کارکردهای پایین شناختی تأکید دارد؛ درحالی‌که مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، رویکرد ارزشیابی در دوره ابتدایی باید فرایندمحور و در سایر پایه‌های تحصیلی، تلفیقی باشد. یعنی ضمن ارزش‌گذاری به نتیجه آزمون پایان سال تحصیلی، باید موضوع نوشتن به عنوان یک ماده درسی و به ذات خود نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا نوشتن به عنوان فرایندی برای تبدیل افکار و اندیشه‌ها به متن، و ساخت معنا و انتقال آن به مخاطب در جهان امروز از اهمیت فراوانی برخوردار است. همچنین، در رویکرد تلفیقی باید ابتدا مهارت‌های زبانی برای تولید محتوا و معنا مورد توجه قرار گیرند و بعد از آن، بر دانش‌های زبانی مانند دستور زبان تأکید شود؛ درحالی‌که در اغلب الگوهای ارزشیابی رایج، عکس این است.

۲. فقدان روش علمی و استاندارد شده ارزشیابی: آسیب

دیگری که در شیوه‌نامه‌های ارزشیابی دیده می‌شود فقدان روش‌مندی است. ارزشیابی روش‌مند، چه بر مبنای استدلال استقرایی بنا شده باشد و چه بر اساس تفکر قیاسی، معیارهایی شفاف و مشخص برای تصحیح ارائه می‌کند. درحالی‌که بی‌توجهی به معیارسازی در ارزشیابی، الگوی تصحیح ذوقی و حسی را رواج می‌دهد؛ همان‌طور که از گذشته تاکنون الگوی آموزش نوشتن چنین بوده است. در این روش، معیارهای ارزشیابی نامعلوم و آشفته است. به همین دلیل قابل بازبینی و بررسی نیست و نویسندگان متن هیچ‌گاه از کم و کیف اشکالات نوشته خود آگاه نمی‌شود و فرصت جبران پیدا نمی‌کند.

۳. بی‌توجهی به خرده‌مهارت‌ها و جزئیات: ارائه تقسیمات

بزرگ و بی‌توجهی به خرده‌مهارت‌های موجود، از جدی‌ترین آسیب‌هایی است که در جدول‌های ارزشیابی به چشم می‌خورد. شیوه‌نامه‌ای که در کتاب انشای ابتدایی آمده و مؤلف کتاب

در رویکرد تلفیقی
باید ابتدا مهارت‌های
زبانی برای تولید
محتوا و معنا
مورد توجه قرار
گیرند و بعد از آن، بر
دانش‌های زبانی مانند
دستور زبان تأکید
شود؛ درحالی‌که
در اغلب الگوهای
ارزشیابی رایج، عکس
این است

در یک تقسیم‌بندی کلی، ده نمره برای درست بودن عبارات و ده نمره برای صحیح بودن فکر در نظر گرفته، از این دست است. برخی از شیوه‌نامه‌ها فاقد دقت لازم در ارائه جزئیات ارزشیابی‌اند و فقط به کلیات می‌پردازند؛ برای مثال، دو معیار ده نمره‌ای برای «پیدا کردن مطالب» و «بیان مطالب» گنگ و مبهم می‌نماید. نیز کتاب فن نگارش یا راهنمای انشا، از معیار «ابتکار و تازگی و هنری که دانش‌آموز برای پروراندن موضوع ابراز داشته است» نام برده و بدون توضیح کافی و بیان اطلاعات لازم، برای آن شش نمره در نظر گرفته است. این سؤال بدون پاسخ که «فاصله میان صفر تا شش که سی درصد امتیاز در یک درجه‌بندی بیست‌نمره‌ای را شامل می‌شود، چگونه باید مورد ارزشیابی قرار گیرد؟» غیر کاربردی بودن این معیار را نشان می‌دهد؛ چنان‌که بی‌توجهی معلمان انشا هنگام تصحیح اوراق امتحانی به این معیارهای تزینی و نمایشی، تأکیدی بر بی‌اعتباری چنین شیوه‌نامه‌هایی از نظر ایشان است.

۴. بی‌توجهی به انواع نوشته: معیارهای ارزشیابی موجود به گونه‌ای طراحی شده که مناسب یکی از انواع نوشته است؛ یا فقط نوشته‌های استدلالی و توضیحی را دربر می‌گیرد و یا عکس آن، فقط به نوشته‌های توصیفی و ادبی می‌پردازد.

* پی‌نوشت

۱. برای دریافت نتیجه این پژوهش و جدول ارزشیابی مهارت‌های نوشتن و انشا، نک: گزارش نهایی طرح پژوهشی «ارزشیابی مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموختگان نظام متوسطه»، مریم دانشگر، صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، ۱۳۹۴.

* منابع

۱. تامپکینز، گیل ای. (۱۳۸۷). ۵۰ استراتژی برای زبان‌آموزی، گام به گام، مرضیه مدنی رزاقی. تهران: قطره و منظومه خرد.
۲. دانشگر، مریم، گزارش پایانی «ارزشیابی مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموختگان نظام متوسطه شهر تهران»، صندوق حمایت از فناوران و پژوهشگران کشور، تهران ۱۳۹۴.
۳. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. (۱۳۶۷). آیین نگارش و روش آموزش انشا. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۴. روحانی، مریم. (۱۳۷۲). الفبای نوشتن (پیشنهادهایی در زمینه انشا). تهران: رجای فرهنگی.
۵. سرکشکی، منیره؛ امیری، ملک ابراهیم. (۱۳۶۶). چگونه املا و انشا بنویسیم. تهران: رسام.
۶. صفوی، امان‌اله. (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران: رشد.
۷. کوشا، احمد. (۱۳۳۳). انشای ابتدایی، جلد اول: برای سال سوم دبستان‌ها. تهران: مؤلف.
۸. کوشا، احمد. (۱۳۵۰). راهنمای تعلیم انشا و املا برای دوره سه‌ساله راهنمایی، تهران: مؤلف.
۹. محبوب، محمدجعفر؛ فرزام‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۳۳). فن نگارش یا راهنمای انشا. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شا.

بهار را توصیف کنید

سیدسروش طباطبایی پور

معلم انشا و ادبیات و عضو هیئت تحریریه هفته‌نامه دوچرخه

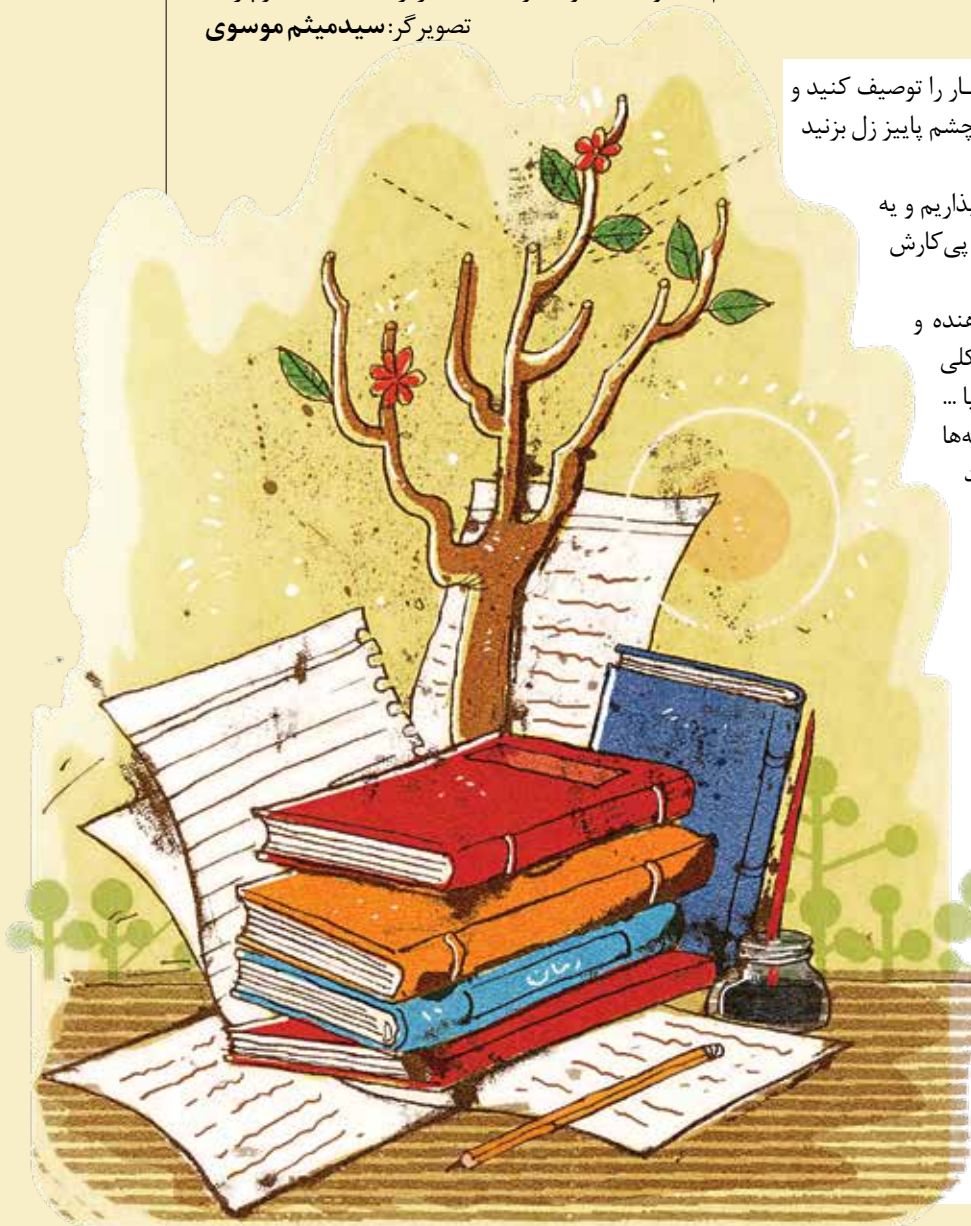
تصویرگر: سیدمیثم موسوی

آه، باز هم کلاس انشا ... باز هم بهار را توصیف کنید و
زمستان را روی بند رخت بیندازید و توی چشم پاییز زل بزنید
... ای وای ... کاش زودتر تابستان بیاید ...
- بابا بی خیال دیگه ... تا چشم به هم بذاریم و یه
چرتی بزنینم، کلاس تموم می‌شه و می‌ره پی کارش
...

شنیدن همین دیالوگ‌های تکان‌دهنده و
تکراری، عین بنز به من انگیزه داد تا کلی
فکر کنم و کلی آزمون و خطا و بر و بیا ...
تا پازل کلاس انشایم را جوری برای بچه‌ها
بچینم که در این کلاس، شگفت‌زده شوند
و همین حیرت، ذهنشان را قلقلک بدهد
و قلمشان را روی کاغذ، به خنده وادارد.
و حالا بعد از بیست و دو سال،
دلم می‌خواهد تجربه‌های کلاس‌های
میوه‌ای‌ام را به اشتراک بگذارم تا همکاران
مهربانم، گازی بزنند و ملچ‌ملوچی کنند
و چشان‌چشانی ... و با نقد و نظرهایشان،
باز هم مرا به فکر وادارند تا کلاس‌هایم،
خوشمزه‌تر از پیش شود.

قدم اول: طرح کتاب سال

معتقدم اگر بچه‌ها ورودی مطلوبی
نداشته باشند، لاجرم، خروجی
درخوری هم نخواهند داشت. پس
سال‌هاست که «طرح کتاب سال»
را با ایمان و البته کلی رنگ و لعاب
و قانون و مقررات اجرا کرده‌ام اما چرا
ایمان؟ دلیل محکم این است که



نوجوان امروزی، اگر برق لذت را در چشمان معلمش نبیند، جانش روشن نخواهد شد. پس، ابتدا مدت‌ها به طرح فکر کردم و بارها آن را در ذهنم اجرا کردم و خودم از انجام دادنش لذت بردم تا اینکه آن را اجرایی کردم.

شاید باز پرسید که چرا قانون و مقررات و رنگ و لعاب؟ و باز خواهم گفت اگر طرح به شکل جدی و قابل پیش‌بینی اجرا نشود، نوجوان امروزی به آن، دل نخواهد داد که هیچ، حتی شاید رودل هم کند و طرح باحالتان را بی‌حال کند و تحویل نگیرد!

اما قدم‌های مختلف طرح کتاب سال، از این قرار است:

۱. هر سال با گروهی از همکاران کاربلد و مسلط به ادبیات نوجوان، قرار کتاب خواندن می‌گذاریم و هر کدامان، تعدادی رمان این گروه سنی را می‌خوانیم و در نهایت، بعد از حدود سه ماه، به انتخاب شش یا هفت عنوان می‌رسیم. به زبان ساده‌تر، از بین رمان‌های منتشرشده برای نوجوانان، شش یا هفت جلد کتاب را برای بچه‌ها انتخاب می‌کنیم.

۲. با فرض یک کلاس ۲۴ نفره، بچه‌ها به گروه‌های چهارنفره تقسیم می‌شوند و از میان کتاب‌های انتخابی، یک جلد برای هر گروه مشخص می‌شود؛ مثلاً کتاب گروه اول، رمان «هستی» اثر فرهاد حسن‌زاده است که هر کدام از اعضای گروه اول، باید یک نسخه از آن را تهیه کند.

۳. کتاب‌ها که تهیه شد، قرار خواندن کتاب جزء جدی تکلیف هر روز می‌شود؛ مثلاً با بچه‌ها قرار می‌گذاریم که هر شب، بیست

صفحه از کتاب را بخوانیم.

۴. مهم‌تر از مطالعه بیست صفحه، قرار می‌شود که بچه‌ها در هر بیست صفحه، حداقل دو عبارت جذاب را انتخاب کنند و آن را در انتهای دفتر انشایشان بنویسند و سر کلاس بیاورند. در هر جلسه، تعدادی از این عبارت‌ها، سر کلاس خوانده می‌شود. ۵. بعد از حدود دو هفته، کتاب اول هر گروه تمام می‌شود. حالا فرم داوری بین بچه‌ها توزیع می‌شود تا طبق آموزش‌هایی که دیده‌اند، به هر کتاب امتیاز بدهند.

۶. حالا همه بچه‌ها کتاب‌هایشان را سر کلاس می‌آورند و هر گروه، کتابش را با کتاب گروه بعدی خود عوض می‌کند. به این ترتیب، چراغ آغاز مطالعه کتاب دوم هر گروه، روشن می‌شود و با همان قرار و مدارها، بچه‌ها مطالعه کتاب دوم را آغاز می‌کنند. تنها تفاوت این است که در دور اول، هر کسی کتاب خودش را می‌خواند و در دور دوم، کتاب امانت گرفته از گروهی دیگر را

مطالعه می‌کند.

۷. دوباره، هر شب بیست صفحه مطالعه و حداقل، نوشتن دو عبارت منتخب از کتاب و فرم داوری و ...

۸. در پایان طرح، وقتی بچه‌ها و گروهشان همه کتاب‌ها را خواندند، با توجه به فرم‌های داوری، میانگین امتیاز هر کتاب، محاسبه می‌شود و از بین آن‌ها، کتاب برتر مدرسه، به انتخاب بچه‌ها مشخص می‌شود.

۹. قدم آخر، برگزاری جشن کتاب سال با حضور نویسنده یا مترجم کتاب سال مدرسه است، جشنی که بچه‌ها برای برگزاری و مشخص شدن مهمان آن ماه‌ها زحمت کشیده‌اند و مشتاقانه منتظرند تا نویسنده یا مترجم محبوبشان را در جمع خود ببینند.

قدم دوم: طرح کار هفته

معمولاً در کلاس‌های انشا، موضوع‌های ذهنی مطرح می‌شود و ماده اولیه بچه‌ها برای نوشتن، تنها افکار و اندیشه‌هایشان است، اما در طرح کار هفته، موضوع‌های مطرح شده دو ویژگی مهم دارد:

الف) اول اینکه هر موضوع حتماً با یک کار عملی همراه است. (ب) کارهای پیشنهادی، معمولاً هیجان‌انگیز و نوجوان‌پسندند.

مثلاً یک هفته با بچه‌ها قرار می‌گذاریم که همه، یک‌بار، برای پدر یا مادرشان، به شکل غیرمنتظره، چای بریزند و همراه او، چای بخورند. احتمالاً والدین بچه‌ها، کمی از این رفتار جا می‌خورند و بین آن‌ها و نوجوانشان، بحثی در می‌گیرد و ...

حالا بچه‌ها باید به واقعیتی که خودشان آن را به وجود آورده‌اند، کمی تخیل هم اضافه کنند و ماجرای کار آن هفته را در دفتر انشا یادداشت کنند. این تجربه، قطعاً به تجربه یک نویسنده حرفه‌ای نزدیک‌تر است. چون معمولاً نویسندگان حرفه‌ای، جرعه اولیه سوژه‌هایشان را از زندگی واقعی می‌گیرند و پس از اضافه کردن عنصر خیال، داستانی جذاب

همه بچه‌ها، باید امکان خواندن انشایشان را در کلاس پیدا کنند. حتی بهتر است تا وقتی که همه، انشایشان را نخوانده‌اند، کار هفته جدید به بچه‌ها داده نشود

خلق می کنند.

برخی از سوژه های کار هفته از این قرار است:

۱. یکبار، کفش برادر یا خواهر کوچک ترمان را مرتب کنیم و ...؛

۲. برای خودمان یک استکان، چای یا قهوه بریزیم و به بخار

آن زل بنزیم و ...؛

۳. یکبار، با رفتگر یا فروشنده محل، احوال پرسوی گرم و

گیرایی کنیم و ...؛

۴. چند دانه گندم، عدس یا ... بکاریم و بعد از چند روز، با

جوانه های جدید، گپ بنزیم و ...

قدم سوم: طرح خط کش

همه بچه ها، باید امکان خواندن انشایشان را در کلاس پیدا

کنند. حتی بهتر است تا وقتی که همه، انشایشان را ننخوانده اند،

کار هفته جدید به بچه ها داده نشود.

مهم تر از آن، نقد و بررسی انشای بچه ها در کلاس توسط

معلم و با مشارکت دانش آموزان است، اما حالا طرح خط کش

خودی می نماید.

در این طرح، باید خط کش اندازه گیری

کیفیت انشای هر جلسه مشخص شود. آخر

یک دانش آموز شاید بتوان رعایت همه نکات

نگارشی را نداشته باشد اما اگر او را در هر

جلسه، تنها به یک نکته محدود کنیم، احتمالا

از پس اجرای آن برمی آید.

مثلا یکبار قبل از اعلام موضوع کار هفته،

به بچه ها اعلام کنیم که هر جوری که دلشان

می خواهد بنویسند اما هر چه کوتاه تر،

بهتر! و موقع خواندن کارهای هفتگی،

برای کوتاه نویسی احترام بیشتری

قائل شویم یا یک جلسه به بچه ها

اعلام کنیم همه کار هفته را به شکل

مکالمه (دیالوگ) بنویسند و یا ...

طرح خط کش، ملاک قضاوت معلم را در آن جلسه

برای بچه ها مشخص می کند و بچه ها قبل از خواندن

انشا، آرام آرام، خودشان هم می توانند حدس بزنند

که با توجه به ملاک آن هفته، نوشته آن ها در چه

سطحی است.

قدم آخر: طرح آینه!

اگر بشود آثار منتخب کار هفته بچه ها را در جایی

غیر از کلاس هم منتشر کرد، خیلی جذاب می شود.

حداقل انشاهای منتخب هر هفته، روی تابلوی اعلانات

مدرسه نصب شود یا آثار بچه ها در نشریه یا سایت

مدرسه منعکس شود.

تا یادم نرفته است، یک سوژه کار هفته باحال

را طرح می کنم تا شما هم آن را انجام دهید و از

نوشتن کار این هفته لذت ببرید.

سوژه کار این هفته: هر سال، برخی از درختان

یا گیاهان پس از پایان فصل سرما، تصمیم می گیرند

که دیگر زنده نشوند! شما در مسیر رفت و آمدتان،

اگر به چنین درخت یا گیاهی برخوردید، لحظاتی

روبرویش بنشینید، با او گفت و گو کنید و تلاش کنید

که دوباره به زندگی و چرخه حیات باز گردد ...

یک دانش آموز
شاید توان
رعایت همه
نکات نگارشی را
نداشته باشد اما
اگر او را در هر
جلسه، تنها به
یک نکته محدود
کنیم، احتمالا از
پس اجرای آن
برمی آید





کلاس‌های نویسندگی

زاهده آگاهی

خوبی داشتند. خاطرم هست جلسه اول، وارد هر کلاسی که می‌شدم و خودم و کارگاه را معرفی می‌کردم، صدای جیغ شادی بچه‌ها مدرسه را پر می‌کرد. آن‌ها با چشمانی که از برق هیجان می‌درخشید، جرعه جرعه کلام را به غنیمت می‌بردند. محبت بی‌نهایت دانش‌آموزان دبستانی و ابراز احساسات صادقانه‌شان، اضطراب آغاز کار را خیلی زود در وجودم از بین برد و کارگاه، جای خود را در میان برنامه‌های مدرسه باز کرد.

کلاس در قالب کارگاهی آزاد و بانشاط، خارج از چارچوب کتاب‌های درسی، به همراه بازی و توأم با صدای خنده و شیطنت بچه‌ها و گاه در فضاهای متنوعی که قابل دسترسی بود، مثل حیاط و پارک برگزار می‌شد و به جهت فضای آزاد و مفرحی که داشت، خاطرات خوشی را برای بچه‌ها به یادگار گذاشت؛ به طوری که بعد از گذشت حدود یک سال و نیم، هر زمان مرا در مدرسه می‌بینند، سراغ کلاس نویسندگی‌شان را می‌گیرند، از نوشته‌های جدیدشان می‌گویند و از فعالیت‌های مرتبطی که انجام می‌دهند، و درخواست‌های مکرری برای ادامه کارگاه نویسندگی دارند.

در این میان، ورود مادران و همچنین همکاران مدرسه به این پروژه، برای همراهی با روند کار و حمایت از دانش‌آموزان، ضروری می‌نمود. لذا برنامه‌ای به‌صورت مجزا برای این گروه به‌صورت جلسات عمومی (در قالب جلسات هفتگی مادران)، و نیز در قالب کلاس‌های اختصاصی (برای همکارانی که متقاضی شرکت در دوره نویسندگی بودند)، طراحی و اجرا شد و با استقبال گرم مادران و همکاران محترم مواجه شد. مادران، انگیزه بسیاری برای شرکت در کلاس‌ها داشتند و روند کلاس به صورتی بود که حتی عزیزی که در ابتدا در برابر

سال تحصیلی ۹۵-۹۶ پروژه‌ای را با عنوان «کارگاه نویسندگی» آغاز کردیم. قرار بود که انشا و نویسندگی به‌صورت واحدی مجزا از ادبیات و در قالب کارگاهی آزاد، خارج از چارچوب‌های محدود کتاب‌های درسی، برگزار شود. هدف از این پروژه، تمرکز و تأکید بر کسب مهارت نویسندگی در دانش‌آموزان بود تا به این امر مهم، به شکلی تخصصی‌تر پرداخته شود؛ چرا که اهمیت نویسندگی، تنها از جهت کسب مهارتی برای آینده نیست که شاید به‌عنوان حرفه‌ای درآمدزا اختیار شود و یا روزی در جایی به کار آید. نوشتن، احساسات و عواطف را هدایت می‌کند و سبب ارتباطات سالم‌تر با هم‌نوعان خواهد بود، که اقتضای تمام دوره‌های سنی است. علاوه بر آن، خوب نوشتن مستلزم به‌کارگیری صحیح حواس و نیازمند تمرکز و تفکر عمیق است. نوشتن، حس خودباوری را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد و توانمندی‌های نهفته آنان را آشکار می‌سازد. همچنین بار روانی تحمیل شده بر دانش‌آموزان را سبک می‌کند و می‌تواند کمکی باشد در جهت کشف اختلالات رفتاری احتمالی و دغدغه‌ها و فشارهای روانی دانش‌آموزان برای اصلاح و یاری رساندن به ایشان.

در این راستا، از اواخر آبان‌ماه ۹۵ پس از طرح و بررسی پروژه با همکاران مدرسه، کارگاه نویسندگی آغاز شد (متن «طرح کار»^۱ و «نقشه راه»^۲ و «گزارش‌های هفتگی»^۳ این پروژه در نشانی پاورقی قابل ملاحظه است).

برنامه کارگاه به این صورت بود که در هر جلسه برای دانش‌آموزان هر پایه، متناسب با توانمندی ایشان، برنامه ویژه‌ای طرح و اجرا می‌شد. دانش‌آموزان دبستانی با شوقی وصف‌ناپذیر از این پروژه استقبال کردند و در طول اجرای طرح، همکاری

کلاس آموزش نوشتن برای اولیا

حسین حسینی نژاد

از سال ۱۳۹۳ تاکنون به همت مسئولان و همکاران آموزشی مدرسه کار آموزش نوشتن را دنبال کرده‌ام. اولین دوره برای جمعی از معلمان و افراد مرتبط با مؤسسه برگزار شد. طی چند سال، این دوره‌ها ادامه داشت. هر بار هم برخی افراد کلاس متفاوت بودند. تا اینکه در سال ۹۵ کار شکل جامع‌تری به خود گرفت و آموزش نوشتن علاوه بر معلمان، دانش‌آموزان و مادران آن‌ها را نیز تحت پوشش گرفت.

مادران هم در کارگاه‌های نویسندگی نشست‌های ماهانه‌ای که از طرف مدرسه برگزار می‌شد حاضر می‌شدند و هم داوطلبانه برای شرکت در کلاس‌ها ثبت‌نام می‌کردند. شیرین‌ترین بخش کار برایم رقابت و علاقه دانش‌آموز، مادر و معلم برای خواندن متن‌هایشان بود.

یک بار نشست ماهانه با شب یلدا هم‌زمان شد. مسئولان مدرسه سالن نمازخانه را به زیباترین نحو برای جشن آماده کردند. کرسی بزرگ در وسط گذاشته بودند که دورش لحاف بسیار بزرگی قرار داشت. تنقلات هم روی کرسی به وفور وجود داشت. قرار بود در آن جلسه از نویسندگان معلم و دانش‌آموز و مادران ساعی تقدیر شود و در ضمن، حاضران متن‌هایشان را برای جمع بخوانند. اگر در کلاس افراد برای خواندن به حاشیه می‌روند و خود را از دیده معلم پنهان می‌کنند، آنجا دست معلم، مادر و دانش‌آموز برای خواندن بالا بود. بعد می‌دانم شیرینی آن شب چله را شرکت‌کنندگان به این زودی فراموش کنند.

نتیجه چنین حرکتی که مدرسه برایش وقت و هزینه صرف کرد، کم نبود. در سطح دانش‌آموزان بسیاری از استعدادها شناسایی و تشویق شدند و کار نوشتن را با جدیت بیشتری دنبال کردند. بسیاری از بچه‌هایی که از نوشتن فاصله داشتند با آن مأنوس شدند. معلمان به ارزش این کار بیش از پیش پی بردند و با جدیت آن را پی گرفتند. مهم‌تر از همه، دوستی و ارتباط بیشتری بین مادر و فرزند برقرار شد. آن‌ها در یک چیز نقطه مشترک پیدا کردند و آن نوشتن بود. در فضای صمیمی خانه برای هم نوشتند و خواندند و لذت بردند. هم مادر ترسش از نوشتن ریخت و هم کودک در کنار مادر از تجربه‌های نوشتنی او آموخت.

در کل، نوشتن برای دانش‌آموزان و معلمان و مادران به یک فعالیت جمعی لذت‌بخش بدل شد. گسترش این تجربه در مدارس دیگر می‌تواند به بهبود مهارت نوشتن در جامعه کمک کند.

نوشتن مقاومت می‌کردند یا اعتمادبه‌نفس لازم را برای این کار نداشتند، به سرعت با کلاس همراه شدند و به این ترتیب، تمام عناصر مدرسه (دانش‌آموزان، مادران، معلمان) در جریان پروژه قرار گرفتند.

همچنین طی برنامه‌ریزی‌های انجام شده، دوره دبیرستان هماهنگ با دبستان، با این پروژه همراه شد و دبیران ادبیات دبیرستان، اداره کارگاه نویسندگی را بر عهده گرفتند. روند کار ایشان هم در جلسات مشترکی که در این زمینه برگزار می‌شد و همچنین به صورت ارسال گزارش‌های برخط (آنلاین) پیگیری می‌گردید.

اتفاقی که در مدت اجرای پروژه نویسندگی در میان دانش‌آموزان، همکاران و مادران افتاد، از بین رفتن «ترمز نویسندگی» و ایجاد انگیزه و اعتمادبه‌نفس برای ثبت واژه‌هایی بود که در گفت‌وگو آن‌ها را به راحتی به کار می‌گرفتند اما از نوشتنشان ناتوان یا گریزان بودند. همچنین، احساس ارزشمندی نسبت به خلق اثری که لزوماً قرار نبود مورد تأیید یا پسند همگان واقع شود، اختصاص دقایقی از روز به «یادداشت روزانه»، و در نهایت، کشف استعدادهای ویژه در قالب‌های مختلف نویسندگی.

باید بگویم که جریانات فوق، با توجه به میزان توانمندی و روحیات هر گروه و بدون شاخص شدن فردی خاص و در حاشیه ماندن سایرین صورت می‌پذیرفت. برای ایجاد انگیزه بیشتر و تشویق دانش‌آموزان، برنامه‌های مختلفی تدارک دیده شد (که تمام دانش‌آموزان طبق برنامه آن‌ها را تجربه کردند)؛ از جمله نصب نوشته‌های برتر روی تابلوی اعلانات مدرسه که به صورت هفتگی و در مورد تک تک دانش‌آموزان اعمال شد؛ چاپ آثار برتر در ماهنامه «انشا و نویسندگی» و نشریه داخلی مدرسه؛ برگزاری نشست‌های نویسندگی به مناسبت‌های مختلف و با حضور نویسندگان برتر به همراه مادرانشان.

در مجموع، کار با گروه سنی دبستان، بی‌اندازه شیرین و جذاب بود. قطعاً این پروژه مثل هر طرح دیگری، افت‌وخیزهایی را در کوله‌بار تجربه‌های خود ذخیره کرده است که برای دوره‌های آینده مفید و قابل استفاده خواهد بود، اما چیزی که به عنوان اثری ماندگار از کارگاه نویسندگی باقی خواهد ماند، خاطرات خوشی است که از نوشتن و کارگاه نویسندگی در خاطر دانش‌آموزان ثبت شده است؛ تا هر زمان که قصد نوشتن کردند، گل‌لیخندی گوشه لبانشان بروید. ان‌شاءالله.

★ پی‌نوشت‌ها

1. <http://emozionante.parsiblog.com/Posts/364/>
2. <http://emozionante.parsiblog.com/Posts/363/>
3. <http://emozionante.parsiblog.com/Posts/365/>



داستان یک آغاز

چگونگی شکل‌گیری ماهنامه انشا و نویسندگی

حسین حسینی نژاد

سر دبیر ماهنامه انشا و نویسندگی

قربون برم خدا را/ یک بام و دو هوا را
این ور بوم اجبار را/ اون ور بوم التماس را
نقدی نوشتیم بر اینکه در دبیرستان نمی‌گذاشتند ما ورزش کنیم و هر قدر التماس می‌کردیم توپ برای ورزش نمی‌دادند و می‌گفتند بنشینید درستان را بخوانید اما الان می‌گویند باید بیایی و ورزش کنی؛ نیایی، نمره ورزشت صفر است. از نوشته استقبال شد و آن را از تابلو کندند! و مدیر مرکز مرا خواست و سفارش پدرا نه کرد که دور و بر این جور کارها نرو!

همین تشویق‌ها و سروصداهای جوانانه کار خودش را کرد و من شدم یک معلم علاقه‌مند به انشا. آن قدر این علاقه شدید بود که در دوره کارشناسی ارشد، عنوان پایان‌نامه‌ام این شد: «سیر تحول درس انشا در کتاب‌های درسی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۲».

به دلیل آن پایان‌نامه و جست‌وجو در منابع، با بسیاری از پژوهشگران این عرصه آشنا شدم. کتاب‌های زیادی را مطالعه و با صاحب‌نظرانی در این زمینه مصاحبه کردم. در بررسی پیشینه تحقیق، به پایان‌نامه‌ای در زمینه انشا از آقای نصیری برخورد کردم. خیلی خوشحال شدم. گشتم و ایشان را پیدا کردم؛ کجا؟ در فرمانداری ورامین. ایشان فرماندار بودند و ما برای برگزاری همایش به حمایت مالی نیاز داشتیم و چه اتفاق مبارکی بود آشنایی با ایشان. سرانجام، در آذرماه سال ۱۳۷۴ همایش دوروزه انشا و نویسندگی در سالن کتابخانه مرکزی شهر برگزار شد. در آن سن و سال که انرژی فوران داشت، روی پای خود بند نبودم تا چنان کار بزرگی به انجام برسد.

همایش که تمام شد به فکر چاپ مجموعه مقالات افتادیم.

به خاطر دارم که سال ۱۳۷۳ اولین همایش منطقه‌ای انشا را در سالن اداره آموزش و پرورش ورامین برگزار کردم. از این نشست به‌خاطر استقبال خوب همکاران انرژی زیادی گرفتم و قدم خوبی بود برای شروع فعالیت‌های بعدی انشایی. در آن سال، دبیر ادبیات و انشای دبیرستان‌های ورامین بودم. سی‌وشش - هفت سال داشتم و بسیار پرانرژی بودم. دلم می‌خواست کاری در زمینه انشا در منطقه انجام دهم. کلاس‌هایم فعال بود و دوست داشتم این فعالیت منتشر شود.

سال بعد، علاوه بر تدریس در دبیرستان، هم‌زمان مدرس مرکز تربیت معلم زینبیه پیشوا هم بودم. به دوست خوب و همراه همیشگی‌ام، سیدمصطفی طباطبایی مدرس تربیت‌معلم، پیشنهاد دادم اگر مدیر مرکز موافق باشند همایش انشای وسیع‌تری در این مرکز برگزار کنیم. ایشان پذیرفتند. اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران موافقت کرد و جلساتی در این زمینه داشتیم تا به روز اجرا رسیدیم.

شاید تجربه خوب من از کلاس‌های انشای جناب دکتر احمدی، که دبیر ادبیات کلاس ششم دبیرستان حکیم نظامی قم بودند، موجب شد بعدها در شغل معلمی به این درس علاقه‌ای ویژه پیدا کنم. ایشان روحانی فاضل و وارسته‌ای بودند که پس از انقلاب علاوه بر سخنگویی شورای انقلاب فرهنگی، نماینده مردم تهران در مجلس نیز شدند. به خاطر تشویقی که از انشای رونویسی شده‌ام از ایشان گرفتم، به انشا و نوشتن علاقه‌مند شدم. سال بعد، یعنی ۱۳۵۵، در تربیت‌معلم شهرری متن کوتاهی نوشتیم که مقدمه‌اش این بود:



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پیرهن برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی
- رشد آموزش پرهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایران‌شهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir

مرکز حمایت کرد و مجموعه مقالات شد یک کتاب با عنوان «رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا» شامل مجموعه مقالات همایش انشا.

انتشار این کتاب موجب شد تا به کتاب‌های دیگر فکر کنم. آشنایی زیادی که با صاحب‌نظران و معلمان انشا در این زمینه پیدا کرده بودم، جرقه‌های تولید کتابی به نام «کتاب نگارش» را در ذهنم ایجاد کرد. هم‌زمان، مجوز نشر لوح زرین را گرفتم. کتاب‌ها یکی پس از دیگری با نام‌های «شیوه‌های خلاق آموزش انشا»، «انشا، دیدگاه‌ها، روش‌ها»، «شانه بر زلف سخن»، «نوشتن، رویش اندیشه»، «بی‌بهاغه از انشا گفتن»، «رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا»، و ... منتشر شدند و به یازده جلد با عنوان کلی «کتاب نگارش» رسیدند. من همچنان از این کار انرژی می‌گرفتم و در فکر تداوم آن بودم. در این زمان به فکر راه‌اندازی مجله‌ای به نام «انشا» افتادم اما از ماهیت کار هیچ خبری نداشتم. انتشار کتاب‌ها موجب آشنایی من با افراد بیشتری در حوزه انشا شد. این آشنایی موجب شد که از وزارت خانه و از طریق اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران تقاضای تشکیل «انجمن معلمان انشا» را بدهیم. می‌گفتند انجمن معلمان ادبیات کافی است و نیازی به چنین انجمنی نیست. چقدر بحث کردیم و استدلال آوردیم که معلمان انشا غیر از معلمان ادبیات‌اند و می‌توانند انجمنی مستقل داشته باشند. بالاخره مجوز گرفتیم. به فکر برگزاری همایش جدیدی افتادیم. با پیگیری‌های فراوان موفق شدیم این همایش را با نام «روش‌های نوین آموزش انشا» در سال ۱۳۸۵ برگزار کنیم.

در سال ۱۳۸۰ درخواست انتشار فصلنامه «انشا و نویسندگی» را به وزارت ارشاد دادم.

بعد از مدتی در انجمن مطالعات برنامه درسی مجوز تشکیل گروه ویژه پژوهشی (گروپ) «انشا و نویسندگی» گرفتیم. نشست‌های گروپ آغاز شد.

بالاخره پس از شش - هفت سال در مرداد ۱۳۸۷ مجوز مجله صادر شد. این یکی از بزرگ‌ترین خوشحالی‌های من بود. آرزویم محقق شده بود. سر از پا نمی‌شناختم؛ هر کس را می‌دیدم می‌گفتم مجوز آمد، مجوز آمد، مجوز آمد. این خوشحالی را با هیچ خوشحالی دیگری در زندگی‌ام نمی‌توانم مقایسه کنم. راستی راستی مجوز آمده بود. دو سه سالی به صورت فصلنامه منتشر شد و از شماره ۸، یعنی از سال ۱۳۹۰، به شکل ماهنامه درآمد.

امسال قبل از نوروز جشن صدمین شماره را خواهیم گرفت. انشاءالله.

برای رسیدن به این آرزو خیلی از دوستان کمک کارم بودند و دستم را گرفتند و احساس کردند کار خودشان است. تعدادشان هم کم نیست. از همه سپاسگزارم و بیش از همه، از خدای خوب که آرزوی مرا برآورده کرد.



گام به گام تا داستان نویسی حرفه‌ای

مجموعه‌ای ده جلدی برای نوقلمان و حرفه‌ای‌ها

زیر نظر: حبیب یوسف‌زاده، محمدعلی قربانی

سال نشر: ۱۳۹۶

ناشر: عصر داستان

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۰۸۲۴

این مجموعه که کوششی برای ترویج ادبیات داستانی است، در شرح مفاهیم و ارائه روش‌های تجربه‌اندوزی برای مخاطبان از زبان و شیوه‌های متفاوت بهره برده است. در حالی که اغلب کتاب‌های مشابه، بر جنبه‌های نظری تأکید می‌کنند و به دلیل استفاده از لحن متکلم‌وحده، جنبه کاربردی و تعاملی چندانی ندارند، یکی از ویژگی‌های این کتاب‌ها، برخورداری از شیوه کارگاهی و ترغیب خوانندگان به اقدام و کسب تجربه عملی است؛ بدین معنی که پدیدآورندگان صرفاً به تعاریف سنتی و ذکر نکته‌های نظری اکتفا نکرده‌اند بلکه با لحنی ترغیب‌کننده، تمرین‌هایی ارائه کرده‌اند تا خوانندگان خود را از مرحله دانش‌اندوزی عبور دهند و به مهارت‌آموزی و کسب تجربه برسانند. برای همین، این کتاب‌ها هم منابعی خودآموزند و هم در کارگاه‌های آموزش داستان‌نویسی، استادان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.

جذابیت و تأثیرگذاری در نحوه ارائه مطالب و پرداختن به جنبه‌های ظریف و کمتر گفته شده تکنیک‌های روایت و داستان‌پردازی، از ویژگی‌های دیگر این مجموعه است که بحث نویسندگی خلاق را با شیبی ملایم، از مبانی و کلیات به سوی ظرایف و جزئیات، بسط می‌دهد.

عناوین مجموعه ده جلدی:

- تکنیک‌های نویسندگان بزرگ
- عادت روزانه نوشتن
- ۳۸ خطای رایج داستان‌نویسان
- یک سال تا نویسنده شدن
- ۱۰۰ جرقه داستانی
- نویسندگی خلاق به زبان ساده
- سبک شخصی در رمان
- شور داستان‌نویسی
- میان‌برهای رمان
- الگوهای جهانی داستان.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حمایت از کالای ایرانی

رشد برآید

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراه آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل‌شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۳۰۸۸۴۹.

• عنوان مجلات در خواستی:

.....

• نام و نام خانوادگی:

.....

• تاریخ تولد:

.....

• تلفن:

.....

• نشانی کامل پستی:

.....

استان:

.....

خیابان:

.....

پلاک:

.....

شماره پستی:

.....

شماره فیش بانکی:

.....

مبلغ پرداختی:

.....

• اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

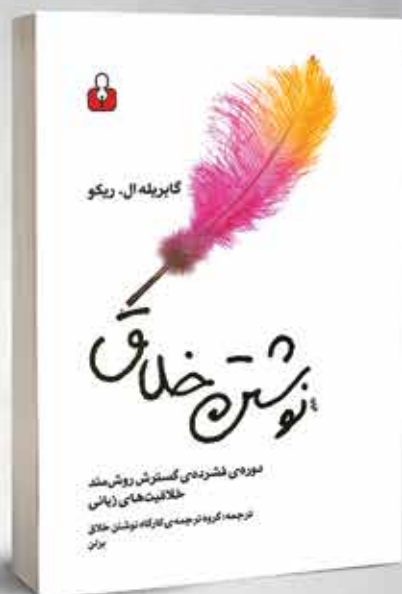
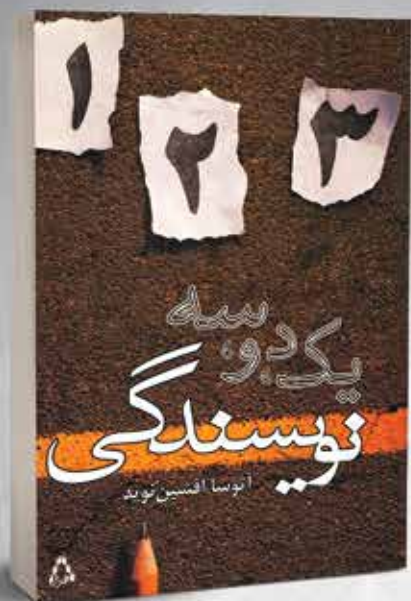
• نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

• تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

• Email: Eshterak@roshdmag.ir

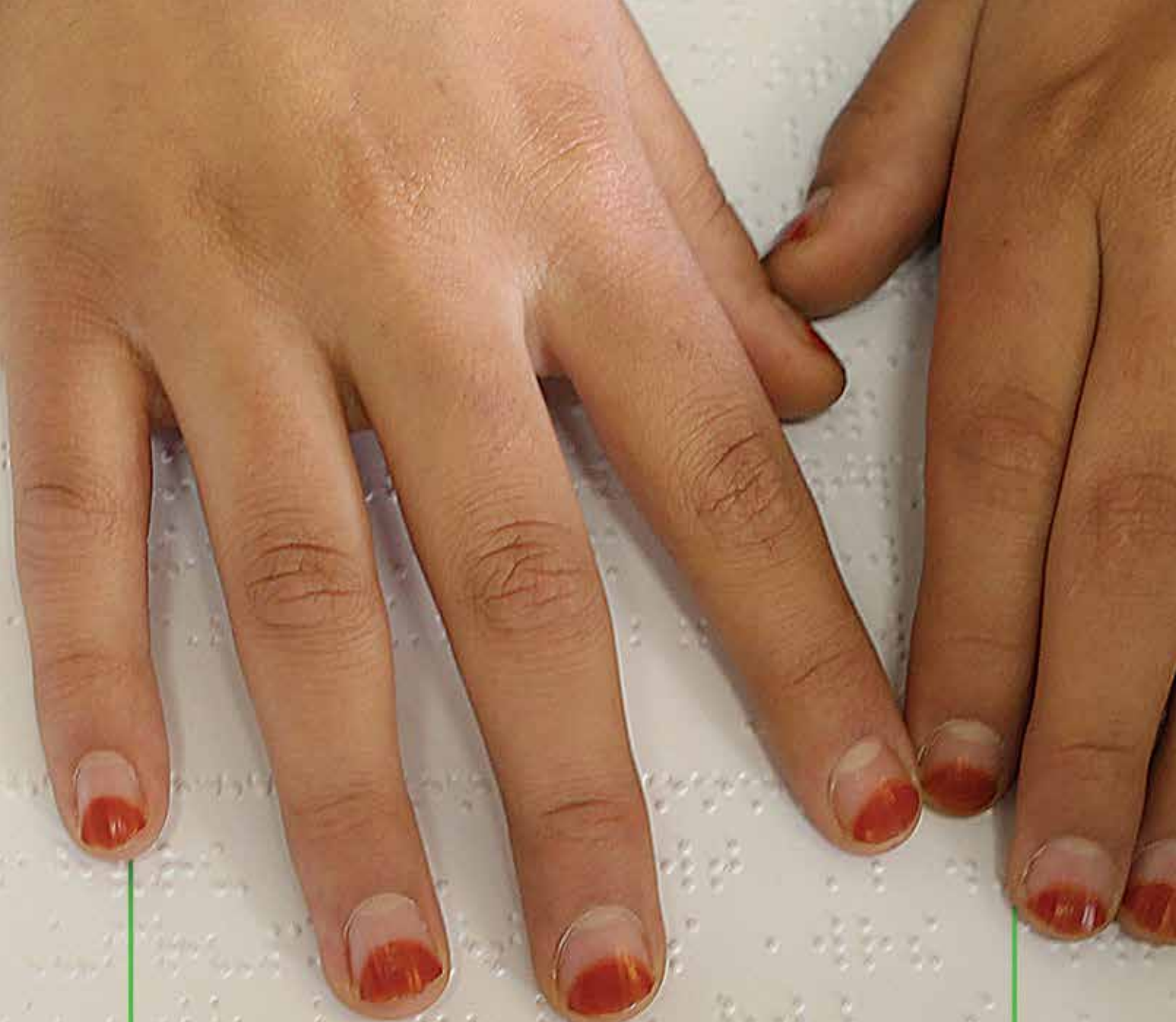
• هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

• هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۲۰/۰۰۰ ریال



گشت و گذاری در بوستان کتاب این شماره نوشتن





روز جهانی عصای سفید گرمی باد ۲۹ مه